

جرعه‌ای از زلال دعای ندبه



عزیزالله حیدری

بسم الله الرحمن الرحیم

حکایت عطش : جرعه ای از زلال دعای ندبه

نویسنده:

عزیزالله حیدری

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حکایت عطش: جرعه ای از زلال دعای ندبه

مشخصات کتاب

عنوان قراردادی : دعای ندبه -- نقد و تفسیر

عنوان و نام پدیدآور : حکایت عطش: جرعه ای از زلال دعای ندبه / مولف عزیزالله حیدری ؛ ویراستار رضا دیلمی.

مشخصات نشر : قم : مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۶۱ ص.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۳۳-۹ :

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۶۱؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع : دعای ندبه

شناسه افزوده : حیدری عزیزالله ۱۳۳۷ -

شناسه افزوده : دیلمی، رضا، ۱۳۵۴ - ویراستار

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۲۶۹/۷ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۱۱۴۲۰

ص:۱

اشاره

یا ناصر یا معین

دعای ندبه یکی مخزنی است از اسرار

که هر خزانه آن مشعلی است از انوار

حقایقی است در آن فوق دانش افهام

دقایقی است فزون تر زعالم افکار

زفهم ظاهر آن لنگ است توسن فکرت

ز درک باطن آن عقل مانده از رفتار

شیخ عباسعلی ادیب

ص:۴

ضرورت های طرح و تحلیل دعای ندبه

سابقه مبارزه و معارضه تاریخی اسلام با مذاهب منسوخ و رقابت اندیشه دینی با دیگر مکاتب معاصر، اقبال عمومی و جهانی به اندیشه اسلامی شیعی را در پی داشت و با ظهور انقلاب اسلامی ایران؛ دشمنان را به مقابله در سه شکل عمده و مؤثر کشانده است:

۱. گسترش شهوات (ماهواره، اینترنت، عکس و پورنوگرافی).

۲. طرح شبهات و ایجاد شک و تردید در ایمان، رسالت، امامت و حتّی اماکن مذهبی.

۳. بدعت ها (مثل: خرافات، عرفان و اخلاق بدون دین! و قرائت های گوناگون و هرمنوتیک).

در چنین فضایی، جبهه ایمان و به ویژه گرایش اسلامی شیعی در طرح اندیشه های خود، باید با چند ویژگی به میدان بیاید:

۱. استناد؛

۲. هماهنگی؛

۳. جامعیت؛

۴. توفیقات عملی؛(۱)

ص:۷

۱- ۱. روش نقد، ج ۱، استاد صفائی حائری، نشر لیلهالقدر.

مروری بر مسأله دعا

خاستگاه دعا چیست؟!

دعـا در متون دینی آن چنـان مقـامی رفیع دارد که خداونـد در قرآن می فرمایـد: «قُـلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْلَا دُعَآؤُکُمْ»؛(۱) اگر دعای شما نبود خدا چه اعتنایی به شما داشت؟!

اشـاره ای لطیف در قرآن، دعـا را مساوی عبادت می دانـد که جلوه ای از مقصـد هستی است و اگر کسـی به این کار نپردازد، جزءِ مستکبرین بوده و با خواری به جهنم وارد می شود.

«وَقالَ رَبُّکُمُ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ»(۲) امّا به راستی چرا انسان دعا می کند؟!

واضح است که انسان دعا را وسیله حاجت و عبادت قرار می دهد. اما دعا می تواند ریشه ای عمیق تر داشته باشد و خود هدف واقع شود.(۳)

زیرا نشانه تعلق وابستگی و عبودیت ماست. لذا دیگر مهمّ نیست که اجابت بشود یا نشود.

روزی حضـرت رسول صـلی الله علیه وآله به فاطمه علیها السـلام فرمود: هم اکنون جبرئیل آمده و به تو سـلام می رساند و می گوید: به فاطمه علیها السلام بگو هر حاجتی که دارد، بخواهد.

فاطمه علیها السلام پاسخ می دهد: «یا ابتاه شغلنی عن مسئلته لذه خدمته

۱- ۲. سوره فرقان، آیه ۷۷.

۲- ۳. سوره غافر، آیه ۶۰.

۳- ۴. دعاهای روزانه فاطمه علیها السلام، استاد علی صفایی، ص ۶۳.

لاحاجه لی غیرالنظر الی وجهه الکریم فی دارالسلام»؛ پدر جان لذت حضور خداوند مرا از حاجت خواهی باز داشته و چیزی جز نظر به وجه با کرامت خداوند ندارم.(۱)

خوش همی آید مرا آواز او

وان خدایا گفتن وان راز او

دست اخلاص از دعا گفتن مدار

با اجابت یا رد اویت چه کار؟!

تا نگرید طفلک نازک گلو

کی روان گردد ز پستان شیر او

طفل حاجات شما را آفرید

تا به ناله گردد آن شیرش پدید

گفت: ادعواللّه بی زاری مباش

تا بجوشد نهرهای شیر فاش

چون خدا خواهد که مان یاری کند

میل مان را جانب زاری کند

وآنکه خواهی کز بلایش واخری

جان او را در تضرّع آوری

چون بیارم در تضرّع ره دهم

چون یکی بستانم از وی ده دهم(۲)

اهل تحقیق گفته اند: هر نیاز در انسان، نمایشگر یک استعداد است چنان که: نیاز به اعتراف، نمایشگر وجدان می باشد.

اما نیاز به نجوی نشان دهنده روح است، روح متعالی انسان که جز با پیوند به بی نهایت، اشباع و راضی نمی شود.

آری!

نجوی و دعا حاصل چنین گوهری در آدمی است؛ شاهد مسأله، کلامی عمیق است از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در پاسخ کمیل رحمه الله که

ص:۹

۱- ۵. اخلاق حضرت فاطمه علیها السلام، تاج لنگرودی، به نقل از ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲- ۶. مثنوی، ص ۲۴۸.

پرسید: نَفس چیست؟!

امام علیه السلام فرمودند: کدام نفس؟!

کمیل با شگفتی پرسید: مگر نفس چند تاست؟!

امام علیه السلام پاسخ دادند: چهار نفس.(۱)

سپس در توضیح فرمودند:

اول) نَفس نامی نباتی که با قوایی: چون ماسکه، هاضمه، دافعه و مربیه شناخته می شود و دو ویژگی زیاده و نقصان را به همراه دارد.

دوم) نَفس حسی حیوانی که با قوایی چون: سامعه، باصره، شامّه، ذائقه و لامسه شناخته می شود و دو خصوصیت رضا و غضب در آن است.

سوم) ناطقه قدسی که با قوایی چون: تفکّر، تمیز، علم، حلم و ذکر (یعنی راز و نیاز و همان دعا) شناخته می شود و حاصلی مانند: پاکی و حکمت دارد.

چهارم) کلّی الهی(۲)...

آنچه مورد نیاز و شاهد ما بود. همین قسمت می باشد که دعا حاصل این روح متعالی است که بزرگ تر از دنیاست و جز با خدا و اتّصال با بی نهایت به آرامش نمی رسد.

۱- ۷. که گویا اشاره به مراحل نفس می باشد.

۲- ۸. مجمع البحرین، طریحی، کشکول شیخ بهایی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۹۵.

رفع یک شبهه و سؤال

با این مقامات بلند دعا، بسیاری از دعا کنندگان می پرسند که چرا دعاهای آنان به اجابت نمی رسد،(۱) چرا حدأقل در خیلی از خواسته ها، به پاسخ نرسیده اند؟

در روایت، آمده است:

شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: من دو آیه از قرآن دیده ام که خداوند وعده داده، اما به آن نرسیده ام، یکی آنجا که خداوند می فرماید:

«اُدعونی اَستجب لکم»؛(۲) ولی من دعا کرده ام، امّا اجابت ندیده ام!

امام علیه السلام فرمود: آیا فکر می کنی خداوند خلف وعده می کند؟!

عرض کردم: نه سرّ آن را نمی دانم.

امام علیه السلام فرمود:هر کس جهات دعا را رعایت کند،دعایش به اجابت می رسد.

این جهات عبارتند از:

۱. ابتدا با حمد خدا شروع شود.

۲. نعمت های خدا را سپاس گوید.

۳. صلوات بفرستد.(۳)

ص:۱۱

---

۱ - ۹. بلکه آن اللّه تو لبیک ماست وان نیاز و سوز دردت پیک ماست حیله ها و چاره جویی های ما جذب ما بوده گشوده پای تو درد عشق تو کمند ماست زیر هر یاربِ تو لبیک ماست

۲- ۱۰. سوره مؤمن، آیه ۶۲.

۳- ۱۱. کل دعاء محجوب حتی یصلّی علی محمد و آل محمد؛ بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۱ و میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶۰.

۴. گناهان خویش را یادآوری و اعتراف و سپس طلب آمرزش نماید و آنگاه دعا کند.(۱)

پس پاسخ این است که:

اوّلاً هیچ تردیدی نیست که به نصّ صریح قرآن و احادیث، عواملی موجب حبس دعا می شوند؛ در دعای کمیل آمده:

اللهم اغفرلی الذنوب التی تَحْبس الدعاء و..

در احادیث، مصادیق ردّ دعا بیان شده است، چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند:

الذنوب التی تردّ الدعا و تظلم الهواء؛ عقوق الوالدین؛(۲)

گناهانی که باعث ردّ دعا و تاریکی هوا می شوند؛ عبارتند از: عقوق والدین ... .

و در حدیثی زیبا و شگفت، هشت مورد از عوامل حبس دعا بیان شده است:

۱. سوء نیّت؛

۲. خباثت باطن؛

۳. نفاق؛

۴. باور نداشتن اجابت دعا؛

۵. تأخیر نمازهای واجب؛

۱- ۱۲. تفسیر دعای ندبه، مرحوم حاج شیخ عباسعلی ادیب، صص ۱۱ - ۱۰.

۲- ۱۳. معانی الاخبار، ص ۲۷۰.

۶. ترک نیکی؛

۷. صدقه به غیر قصد قرب خداوند؛

۸. فحش و بد گویی.(۱)

اجابت دعا

با جرأت می توان گفت که دعاها به اجابت می رسد؛ اما شکل های آن متفاوت است. این شکل ها با استناد به آیات و روایات چنین بیان می شود.

۱. تعجیل؛ یعنی بدون فاصله به اجابت می رسد.

۲. تأجیل؛ یعنی اجابت، زمان برمی دارد، گاه به مصلحتی در دنیا و گاه در عالم آخرت پاسخ می گیرد و یکی از مصالح مهمّ، همانا تربیت انسان است.

۳. تبدیل؛ یعنی چون مصلحت خود را نمی دانیم، اجابت حاجت ما با مصلحت ما هماهنگ می شود و به شکل دفع بلاء و بدی ها و یا به شکل تأخیر در قیامت با اعطاء درجات و گاهی به صورت تکلیفی یعنی بخشش گناهان ظاهر می شود.

در این تعجیل و تاخیرها اهداف تربیتی نهفته است، چنان که خداوند دعای موسی و هارون علیهم السلام بر علیه فرعون را قبول می کند امّا امام صادق علیه السلام می فرماید: چهل سال طول کشید.(۲)

۱- ۱۴. معانی الاخبار، ص ۲۷۱.

۲- ۱۵. اصول کافی، باب دعا.

در این جا حکمتی است که بایـد امّت، اسـتعدادها را بروز دهنـد و به تعبیر گفته اهل معرفت، موسـی و فرعونی درگیر شوند تا ابوذری ساخته شود.(۱)

برای مرور به روایات و آیات به منابع ذیل مراجعه شود.(۲)

عوامل و موانع اجابت دعا

۱. معرفت خدا

کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: ما لنا ندعوا و لا یستجیب لنا؟ چرا خدا را می خوانیم و برای ما اجابت نمی شود؟

امام علیه السلام پاسخ داد؛ چون: لانکم تدعون من لاتعرفونه و تسألون من لاتفهمون؛(۳)

شما کسی را می خوانید که نمی شناسید و چیزی می خواهید که نمی فهمید.

۲. حُسن ظن به خدا:

ادعوا اللّه و انتم موقنون بالاجابه؛(۴) خدا را بخوانید در حالی که یقین به اجابت دارید.

۱- ۱۶. کلامی از استاد علی صفایی حائری رحمه الله.

۲- ۱۷. سوره مؤمن، آیه ۴۲؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۸۶ و کتاب ارزشـمند دعا عند اهل بیت علیهم السـلام، شـیخ محمد آصفی، صص ۱۰۷ - ۹۳.

۳- ۱۸. جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۹۳.

۴- ۱۹. المیزان، ج ۲، ص ۳۶.

۳. هماهنگی با عناصر اجابت

در تعقیب نماز ظهر می خوانیم: ولا حاجةً هی لک رضا ولی فیها صلاح الا قضیتها؛ اجابت باید دارای دو عنصر باشد، رضای حق و صلاح عبد.

۴. هماهنگی با سنت ها و مقاصد تربیتی؛

یعنی: سازندگی آدم ها، اتمام حجّت و ظهور و بروز استعدادها.

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان فرمودند: بین سخن خداوند در قرآن که به موسی علیه السلام و هارون علیه السلام پاسخ داد «قد اُجیبت دعوتکما و بین مواخذه فرعون» ۴۰ سال فاصله شد.(۱)

این جا همان مقاصد و هدف برتر است که موسی با فرعون درگیر شود تا ابوذری ساخته شود! و امت ها استعداد خود را بروز و ظهور دهند، گرچه دعا به اجابت رسیده بود؛ چنان که راوی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض نمودم: «یستجاب للرجل الدعا و یؤخّر؟ قال: نعم، عشرین سنه» دعا به اجابت می رسد، اما گاه بیست سال تأخیر می افتد.(۲)

۵. اضطرار به سوی خدا و انقطاع از غیر او

اذا اراد احدکم ان لا یسئل اللّه شیئاً الا اعطاه فلییأس من الناس کلهم و لایکون له رجاءً الا عنداللّه عزوجل؛(۳) هر کدام از شما وقتی حاجت داشته باشد و بخواهد حتماً از خدا بگیرد، باید از همه مردم ناامید باشد، مگر امید به خدا.

ص:۱۵

۱- ۲۰. اصول کافی، ص ۵۶۲، ابواب دعا.

۲- ۲۱. همان.

۳- ۲۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷۴.

۶. اقبال قلب به سوی خدا

امام صادق علیه السلام می فرماید: «فإذا دعوت فاقبل بقلبک ثمّ استیقن بالإجابه»؛(۱)

رسول اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید: لایقبل اللّه دعا قلب ساه؛ خدا دعای قلب ساهی (غافل) را نمی پذیرد.(۲)

۷. دعا در ضمن پذیرش سنت های الهی و هماهنگی با آن

از آنجا که خداوند سنت ها و قانون هایی را برای نظام هستی ایجاد کرده و سنت های خداوند تغییر و تبدیل نمی پذیرند، باید با آن قوانین هماهنگ باشیم، چنان که از روایات معلوم می شود، نمی توان چیزهایی که محال و ناشدنی اند یا حلال نیستند، بخواهیم.

از امام علی علیه السلام سؤال شد: کدام دعا منحرف تر از مقصد است؟

ایشان فرمودند: کسی که آنچه نشدنی است، درخواست می کند.(۳)

امام علی علیه السلام در روایتی دیگر می فرمایند: ای صاحب دعا! چیزی که نشدنی (و مخالف سنت های خداست) و حلال نیست (متضاد با نظام تشریع است) از خدا نخواه!

در این جایگاه به اندازه نیاز، مواردی را ذکر کردیم تا اشاره ای مناسب نسبت به بحث خود داشته باشیم و پاسخ گوی مباحث دعا در تعجیل فرج بوده باشد وگرنه عوامل دیگری نیز در اجابت دعا دخالت

۱- ۲۳. اصول کافی، باب اقبال، علی الدعا.

۲- ۲۴. من لایخصره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۹.

۳- ۲۵. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۴.

دارند که عبارتند از:

توسل به ائمه علیهم السلام

خضوع و رقّت قلب؛

مداومت در دعا؛

وفای به عهدها؛

همراهی دعا با عمل؛

اجتماع در دعا و آمین خواهی از جمع؛

سادگی و عدم تکلّف در دعا؛(۱)

حضور قلب با حمد و استغفار و صلوات؛

دعا با اسماء حسنی

نام بردن حاجات؛

اصرار در دعا؛

دعا برای دیگران؛

دعا در زمان های ویژه؛(۲)

دعا در مکان های ویژه؛(۳)

ترک گناه و ستم؛

۱- ۲۶. ان افضل الدعا ما جَری علی لسانک؛ بهترین دعا آن است که بر زبانت جاری شود؛ امام صادق علیه السلام، کافی باب دعا.

۲- ۲۷. باران، اذان، قرائت قرآن، جهاد مجاهدان، نیمه شب و... .

۳- ۲۸. مسجد، عتبات.

مسح صورت با دست ها بعد از دعا.(۱)

پرسشی پیرامون درخواست تعجیل فرج، آری یا نه!

بـا مراجعه به متـون قرآنی و روایی به مسـأله ای بـا ظـاهری متنـاقض برخورد می کنیم که برخی صـراحت در عـدم درخواسـت تعجیل فرج و برخی درخواست تعجیل فرج دارند، در دعای عهد می خوانیم:

و عجّل فرجه و سهّل مخرجه و در دعای غیبت: اللّهمّ فَافْرِج ذلک عنّا بفتح منک تُعَجّلهُ؛ خدایا! بگُشا بر ما (این مشکلات را) با پیروزی که در آن شتاب کنی.

از طرفی در حدیث می خوانیم: هلک المستعجلون.(۲)

امام علی علیه السـلام نصیحت می فرمایـد: و لا تسـتعجلوا بما لم یعجّله اللّه لکم فانه من مات منکم علی فراشه و هو علی معرفه حق ربه و حقّ رسوله و اهل بیته مات شهیداً؛(۳)

در توقیع مبارک امام موعودعلیه السلام می خوانیم: و اکثر و الدعاء بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم؛(۴)

و در قرآن می خوانیم:...و ما یدریک لعل الساعه قریب، یسـتعجل بها الذین لایؤمنون بها و الّذین آمنوا مشـفقون منها و یعلمون أنها الحقّ...؛(۵)

ص:۱۸

۱- ۲۹. به کتاب الدعا عند اهل البیت علیهم السلام فصل آداب و شروط، ص ۶۳ تا ۹۰ مراجعه کنید.

۲- ۳۰. منتخب الاثر، ص ۵۷۲.

۳- ۳۱. نهج البلاغه، خ ۱۸۵.

۴- ۳۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۵- ۳۳. سوره شوری آیه ۱۷ - ۱۸.

امام صادق علیه السلام فرموده اند، این آیه درباره حضرت قائم علیه السلام است و در دعای غیبت نیز آموزش می بینیم که: و لا اسئلک تعجیل ما أخّرت؛(۱)

پاسخ:

از جمع منطقی بین آیات و احادیث مطرح شده، سه پیام حاصل می گردد که عبارتند از:

۱. اعتقاد به امام علیه السلام؛

۲. عدالت خواهی و زمینه سازی جهت اهداف امام زمان علیه السلام؛

۳. برائت از دشمنان و اهل جور و ستم.

امّا از آنجا که خداوند دارای حکمت بالغه است و بخش زیادی از علّت غیبت به خود انسان ها باز می گردد،(۲) پس باید شکیبا بود، تأخیر در ظهور دوران غیبت، ظرفیتی برای بروز برخی شرایط و استعدادهاست، چنان که می فرماید:

القائم لایظهر أبداً حتی تخرج ودایع اللّه؛(۳) قائم ظهور نمی کند، ابداً؛ مگر آن که ذخیره ها ظهور یابند.

بنابراین به این نتیجه می رسیم که نباید برای خداوند تعیین تکلیف بکنیم بلکه ادب دعا را باید از معصوم علیه السلام بیاموزیم که می فرماید: «فصبّرنی علی ذلک حتّی لا اُحّب تعجیل ما أخّرت و لا تأخیر ما عجّلتَ

۱- ۳۴. مفاتیح الجنان، دعا در غیبت امام زمان علیه السلام.
۲- ۳۵. امام کاظم می فرماید: اذا غضب اللّه علی قوم نحانا عن جوارهم؛ کافی، ج ۲، ص ۱۴۵، هنگامی که خداوند بر قومی غضب کند، ما را از همدمی آنان، دور می کند.
۳- ۳۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۷.

و لاـ أکشف مـا سترت و لاـ أحبث عمّا کتمتَ و لا أَنازعک فی تـدبیرک و لا أقول لِمَ و کیف و ما بال و لی الامر لایظهر و قد امتلات الأرضُ من الجور و اُفوّض اموری کلها إلیک».(۱)

مرا بر این امر انتظار، شکیبا گردان تا در آنچه تأخیر انداخته ای شتاب نخواهم و تأخیر در آنچه شتاب داری، طلب نکنم و... .

نکته ای در عظمت دعاهای شیعه

دعاهای شیعه چند ویژگی دارد:

۱. استناد به منبع وحی؛

۲. تنوع و گوناگونی برای نیازها و حاجات مختلف؛

۳. محتوای عمیق، تربیتی، سازنده و جذاب.

چنین است که «خانم آن ماری شیمل» شرق شناس معاصر می گوید: من بخشی از کتاب مبارک صحیفه سجادیه را به زبان آلمانی ترجمه و منتشر کرده ام، وقتی مشغول ترجمه این دعاها بودم، مادرم در بیمارستان بستری بود و هر وقت که به او سر می زدم، پس از آن که او به خواب می رفت، در گوشه ای از اتاق به کار پاکنویس ترجمه ها مشغول می شدم.

اتاق مادرم دو تختی بود، در تخت دیگر خانمی متعصّب به مـذهب کاتولیک بستری بود، وقتی فهمیـد من دعاهای اسلامی را ترجمه

۱- ۳۷. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۷۹.

می کنم، دلگیر شد و گفت، مگر در مسیحیت و کتب مقدّس خودتان کمبودی دارید که به دعاهای اسلامی روی آورده ای؟!

وقتی کتاب چاپ شد، نسخه ای برایش فرستادم، یک ماه بعد با من تماس گرفت و گفت، صمیمانه از هدیه این کتاب متشکّرم؛ زیرا هر روز به جای دعاهای کتب مقدّس خودمان، آن را می خوانم!

بله، واقعاً ترجمه ادعیه امامان معصوم علیهم السلام مخصوصاً صحیفه حضرت زین العابدین علیه السلام برای بسیاری از مردم جهان، کارساز و سودمند است.(۱)

تعدادی از شروح دعای ندبه

۱. شرح دعای ندبه، مدرس یزدی؛

۲. عقد الجمان لندبه صاحب الزمان علیه السلام، میرزا عبدالرحیم تبریزی؛

۳. وسیلهالقربه، شیخ علی خویی؛

۴. فروغ الولایه، آیت اللّه صافی گلپایگانی؛

۵. النخبه فی شرح دعاء الندبه، سیّد محمود مرعشی؛

۶. شرح و ترجمه دعای ندبه، سردار کابلی؛

۷. معالم القربه فی شرح دعاء الندبه، محدّث ارموی؛

۸. وظایف الشیعه، ادیب اصفهانی؛

۹. نوید بامداد پیروزی، موسوی خرّم آبادی؛

۱- ۳۸. مجله از دیگران، سال ۲، ش ۵، مرداد ۱۳۸۰.

۱۰. شرح دعای ندبه، ملّاحسین تربتی؛

۱۱. نصره المسلمین، عبدالرضا ابراهیمی؛

۱۲. شرح دعای ندبه، سیدیاسین موسوی؛

۱۳. شرحی بر دعای ندبه، علوی طالقانی؛

۱۴. شرح و ترجمه دعای ندبه، محبّ الاسلام.(۱)

وجه تسمیه ندبه

ندبه به معنی طلب و خواندن و شمردن محاسن مندوب علیه و گریه بر او آمده است.(۲) و محتوای دعا نشان می دهد که مصیبت شیعه و امّت و حتّی بشریّت از فقدان امام علیه السلام می باشد و چه مصیبت هایی بر سر اولیا خدا آمده است.

سند دعا

در سند دعای ندبه به چند نام برخورد می کنیم:

۱. محمد بن حسین بن بزوفری

۲. محمد بن علی بن یعقوب بن اسحاق ابن ابی قرّه

۳. محمد بن جعفر مشهدی

و همچنین نقل دعا در کتاب های معتبری چون:

۱- ۳۹. موعودشناسی، علی اصغر رضوانی، چاپ مسجد مقدس جمکران.

۲- ۴۰. مختار الصحاح، عبدالقادر الرازی، ص ۶۵۱.

۱. مزار کبیر محدث معروف قرن ششم، محمّد بن جعفر مشهدی

۲. مزار قدیم از مرحوم طبرسی، نویسنده کتاب احتجاج (قرن ۶)

۳. مصباح الزائر، تألیف سیدبن طاووس رحمه الله (قرن ۷)

۴. مرحوم علامه مجلسی، جلد ۲۲ بحارالانوار

این حدیث به ترتیب در المزار شیخ مشهدی و او از محمدبن ابی قره و ابی قره از کتاب حسین بن سفیان بزوفری نقل شده است.

از ابن مشهدی در مستدرک، چنین آمده که مراد از محمدبن مشهدی، محمدبن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی، یکی از راویان ابی الفضل شاذان بن جبرئیل قمی است، او همچنین با دو واسطه از شیخ مفیدرحمه الله روایت می کند.(۱)

ابن ابی قره را نجاشی چنین توصیف کرده است:

او ثقه بوده و روایات فراوان شنیده و کتاب های بسیاری تألیف نموده است، وی کسی بود که کتاب ها را ورق به ورق برای اصحاب امامیه می خواند و همواره در مجالس با ما بود.(۲)

محمّد بن حسین بن سفیان بزوفری نزدیک به زمان غیبت صغری می زیسته و از مشایخ روایی شیخ مفیدرحمه الله است و صاحب الذریعه، علامه آقا بزرگ تهرانی درباره اش می نویسد: او از مشایخ شیخ مفیدرحمه الله بوده و مکرر در مکرر از او روایت نقل می کند و در هنگام ذکر او، شیخ

۱- ۴۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۸ و موعودشناسی، ص ۴۹۱.

۲- ۴۲. رجال نجاشی، ص ۲۳۸؛ موعودشناسی، علی اصغر رضوانی ص ۴۲۹.

مفیدرحمه الله از بزوفری تجلیل کرده و به نیکی یاد می کند.(۱)

ابن مشهدی در اوّل کتاب خود گفته است:

هر چه در این کتاب نقل می کنم، سندش تا ائمه اطهارعلیهم السلام همگی موثّق هستند که این شهادت کافی است تا نظیر مرسلات ابن ابی عمیر و مرسلات شیخ صدوق رحمه الله باشند که می دانیم مرسلات آنها حکم مسند معتبره دارند.(۲)

دعای ندبه از کدام امام نقل می شود؟!

قدر مسلّم این است که یکی از ائمه علیهم السلام راوی دعای ندبه می باشد؛ و علامه مجلسی رحمه الله در زادالمعاد فرموده که، این دعا از امام صادق علیه السلام روایت شده است.

حاجی نوری رحمه الله صاحب مستدرک و استاد حاج شیخ عبّاس قمی رحمه الله معتقد است که فقط نقل از معصوم علیه السلام ثابت است، البتّه برخی محققین احتمال داده اند از آنجا که پدر بزوفری از علماء و راویان بزرگ قرن چهارم که هم عصر و در زمان غیبت صغری بوده است نقل کرده و او هم به وسیله نواب اربعه از راه مکاتبه و توقیع در ارتباط بوده و این دعا را در کتاب خود آورده و سپس به دست فرزندش ابوجعفر بزوفری رسیده است.(۳)

۱- ۴۳. طبقات اعلام الشیعه علامه آقا بزرگ تهرانی، صص ۲۶۱ - ۲۶۵.

۲- ۴۴. تحقیقی درباره سند دعای ندبه، آقای استادی، ص ۱۷.

۳- ۴۵. موعودشناسی، علی اصغر رضوانی، ص ۴۹۴.

نکات مهمّ در تقویت سند دعا

۱- امروزه فقط به توثیق راوی و وثوق مُخبری توجه نمی شود؛ بلکه وثوق مضمونی و خبری کفایت می کند؛ یعنی هنگامی که می بینیم مضمون دعای ندبه شامل مفاهیم فاخر و بلند است و از طرفی با مجموعه معارف مکتب اهل بیت علیهم السلام هماهنگ می باشد و وحدت سیاق با بقیه احادیث آن بزرگواران دارد؛ به قطعیّت در ارسال دعا از ائمه علیهم السلام می رسیم.

این دعا با قرآن مخالفتی ندارد تا شامل «ما خالف کتاب اللّٰه فدعوه» بشود؛ بلکه موافق با کلمات دیگر معصومین علیهم السلام است که فرموده اند: «فان کان یشبههما فهو منّا»؛(۱)

از طرفی توافق کامل با عقل دارد که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: حدیث من را بر کتاب خدا و حجت عقولتان عرضه کنید، اگر موافق بود قبول وگرنه به دیوار زنید.(۲)

۲- در مستحبات به روایات مَنْ بَلَغ عمل می شود. «من سمع شیئاً من الثواب علی شیءً فصنعه کان له و إن لم یکن علی ما بلغه»؛(۳)

همچنین قاعده تسامح در ادلّه سُنَن جاریست و سخت گیری در احکام واجب و حرام است.

۳- در بعضی روایات، معیار حق نیز مطرح شده؛ پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله

۱- ۴۶. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۲۱.

۲- ۴۷. کافی، ج ۲، ص ۳۴۳.

۳- ۴۸. معانی الاخبار، شیخ صدوق رحمه الله، ص ۳۹۰.

می فرماید: «ماجائکم عنّی من حدیث موافق للحقّ فإنّا قلته و ما أتاکم عنی من حدیث لایوافق الحقّ فلم اقله»؛(۱)

در دعای ندبه مطلب ناحق دیده نمی شود.

۴- نورانیت مضامین، خود، مؤیّدی بر مطلب است، چنان که در حدیث آمده: انَّ علی کل حق حقیقةً و علی کل صواب نوراً فما وافق کتاب اللّٰه فخذوه و ما خالف کتاب اللّٰه فدعوه؛(۲) بر هر (سخن) حقّ، حقیقتی و بر هر (کلام) درستی، نوری است، پس آنچه موافق کتاب خداست،بگیرید و آنچه مخالف است، کنار بگذارید.

اشکالات

اشکال ۱)

چرا در دعا از کوه رَضْوی و ذی طُوی نام برده شده، در حالی که فرقه کیسانیه(۳) معتقدند محمد حنفیه (پسر امام علی علیه السلام) در کوه رضوی مخفی است، آیا این موضوع اشاره به عقیده آنها ندارد؟

پاسخ: ذی طُوی مکانی در محدوده حرم و حدود یک فرسخی مکّه است و رضوی کوهی از کوه های مدینه که در فضیلت آن روایاتی وارد شده است.

۱- امّا ما معتقدیم امام علیه السلام جای معیّنی ندارد(۴) و ذکر این دو کوه در

۱- ۴۹. میزان الحکمه، ج ۲ قدیم، ص ۲۹۶.

۲- ۵۰. اصول کافی، ج ۱، ص ۸۸ ترجمه مصطفوی.

۳- ۵۱. کیسانیه گفته اند، زیرا رهبر آنان مختار ثقفی بوده که ابتداء کیسان نام داشت.

۴- ۵۲. در حدیث آمده: لایطلع علی موضعه احدٌ من ولیٍ و لاغیره؛ منتخب الاثر، آیت اللّٰه صافی، ص ۲۵۲.

این دعا معنای کنایی دارد، یعنی نمی دانم کجا هستی، مثل این که بگوییم این طرف یا آن طرف.

۲- ذکر این دو کوه به خاطر تقدّس آن است و ثابت شده که حضرت موعودعلیه السلام در این دو مکان تردد داشته است.

اشکال ۲)

چرا اسامی همه ائمه علیهم السلام در این دعا نیامده است؟

پاسخ: تصریح نشدن به اسامی همه ائمه علیهم السلام از قوّت متن نمی کاهد؛ زیرا قرائنی بر اظهار اسامی بقیه ائمه علیهم السلام وجود دارد:

۱- «لم یمتثل امر رسول اللّه فی الهادین بعد الهادین»؛ درباره ائمه علیهم السلام بعد از رسول اکرم صلی الله علیه وآله می باشد.

۲- می فرماید: فقتل من قتل و سبی من سبی و اُقصی من اُقصی؛ که غیر از قتل، به اسارت و تبعید تصریح می کند که از مصادیق آن مثل امام سجادعلیه السلام و امام موسی بن جعفرعلیه السلام و... می باشد.

۳- جمله «این الحسن، این الحسین و این ابناء الحسین علیه السلام»

در این فراز دعا، از فرزندان امام حسین علیه السلام می گوید.

۴- «یابن السعاده المقرّبین» و «یابن النجباء الاکرمین» که اشاره به نجابت و کرامت پدر و مادر دارد، در حالی که محمّد بن حنفیه فقط از طرف پدر به امام علی علیه السلام نسبت دارد، ولی در نسب امام موعودعلیه السلام در دعا آمده است: «این النبی المصطفی و ابن خدیجه الغرّاء و فاطمه الزهراء... و صلّ علی جدی رسولک السید الاکبر و جدته الصدیقه الکبری که واسطه ائمه علیهم السلام را توضیح می دهد.

طرح کلی دعا

اگر بتوانیم طرح کلی یک دعا را به دست آوریم، کمک زیادی در توضیح آن خواهد بود، مثلاً در طرح کلی دعای کمیل با انسانی روبرو هستیم که می خواهد از تجرّی بر خدا، که براساس جهل او بوده تا مقام خوف موقنین برسد.(۱)

اما در دعای ندبه چنین به نظر می رسد که می توان این عنوان را قرار داد؛ یعنی از حمد خداوند بر خویشتن تا حمد آدمی به رهبری امام موعودعلیه السلام، با مروری ساده بر دعای ندبه درمی یابیم که این دعا از یک جریان مستمرّ تاریخی گفت و گو می کند، از خلقت نیک و کامل و ستودنی خداوند که هدایت خویش را در همه هستی ریخته و سپس رهبری صحیح آدمی را با نبوت و امامت به کمال رسانده است و ناسپاسی کفرآمیز گروهی: «الذین بدّلوا نعمت اللّه کفراً و احلّو قدمهم دارالبوار»(۲) که رفتار و اعمال آنها به انزوا و حذف حجّت های خدا در شکل های سه گانه (قتل، اسارت و تبعید) انجامید، و از نگهداری حجت و طلب و تلاش منتظران و گروه صالحِ مصلح که به وسیله حجّت معصوم (آگاه و آزاد) رهبری می شوند تا وقتی از انسان، رفع

۱- ۵۳. دعای کمیل {تجرات بجهلی،... حتی اخافک مخافه الموقنین}، استنباط از استاد علی صفایی حائری رحمه الله.

۲- ۵۴. کسانی که نعمت خداوند را کفران نموده و قوم خود را به نابودی کشاندند؛ سوره ابراهیم، آیات ۲۹ - ۲۸ که در زیارت امام رضاعلیه السلام نیز آمده است وحملو الناس علی اکتاف آل محمدصلی الله علیه وآله و مردم را بر گُرده آل محمدصلی الله علیه وآله سوار نمودند.

عطش و بازگشت دوباره به سیر کمال و رشد با نابودی جبهه باطل شروع شود و سرانجام حمد انسان مؤمن و منتظر را بیان می کند؛ آنجا که می فرماید: «و اجتثثتَ اصول الظالمین و نحن نقول الحمداللّٰه ربّ العالمین».

در تعبیری دیگر می توان گفت: دعای ندبه، داستان طلب و تشنگی پناه جویی انسان است، این پناه و ولایت همان است که از خداوند شروع شده و سپس در مقام نبوت و امامت تجلّی می یابد: «خلقته لنا عصمه و ملاذا».

ولی در پناه این رهبری، آدمی دوباره به حمد و ستایش خدای هستی می رسد و راه خویش را به دور از هر جهل و انحراف و تحمیل انتخاب می کند.

عبارت قرآنی «من شاء اتخذ الی ربه سبیلاً» (۱) در دعای ندبه، نشان دهنده آرمان نهایی ولایت است که انسان به انتخابی مناسب شأن خویش دست یابد.

کلیدی برای فهم فرازهای دعای ندبه

ما در دعای ندبه با یک طلب و اشتیاق گسترده به دنبال کسی هستیم که انسان مؤمن و باورمند در جستجوی اوست، کلمه «أینَ أَین»، تبلور این طلب می باشد.

۱- ۵۵. سوره انسان، آیه ۲۹؛ سوره مزمّل، آیه ۱۹.

این چه دغدغه ایست؟!

حقیقت این است که انسان دارای چهار رابطه است:

۱- با خود

۲- با جامعه

۳- با طبیعت و هستی

۴- با حاکمیت هستی

این رابطه ها ضابطه می خواهند.(۱)

اگر این رابطه ها، ضابطه مناسب نداشته باشند، انسان صدمه می بیند و رنج می بیند؛ زیرا جهان هستی (پیکره) واحد است و تمامی موجودات در یک جریان متقابل با یکدیگرند، هیچ موجودی به طور مجرّد نیست، بلکه وابسته به کلّ جریانات مادی جهان هستی است.(۲) پس این روابط نیازمند ضوابط هستند که اگر نباشند و یا رعایت نشوند، فساد، همه خشکی و دریا را فرا می گیرد.(۳)

پرسش این است: چه کسی این آگاهی را در اختیار من می گذارد؟

چه کسی خود، الگو و اسوه هماهنگ این ضوابط و سنّت هاست؟!

---

۱ - ۵۶. شدّت این رابطه و تأثیرگذاری متقابل انسان و هستی آنقدر ظریف و وسیع است که پل لانژون فیزیکدان معاصر می گوید: اگر بگوییم: اگر چمدانم را روی میز حرکت بدهم، این حرکت ناچیز در همه کهکشان ها اثری خواهد داشت، شدت ارتباط میان اجزای طبیعت به حدی است که شما بایستی از نظر علمی بپذیرید؛ ترجمه تفسیر نهج البلاغه، علامه جعفری رحمه الله، ج ۲، صص ۹۶ - ۹۵.

۲- ۵۷. فریتوف کاپرا، در the, tau, of fhyzics ؛ به نقل از طب سنتی، ص ۲۹۵ دکتر حداد عادل و دیگران.

۳- ۵۸. سوره روم، آیه ۴۱.

امکانات انسان برای آگاهی چیست؟!

در پاسخ به چهار نکته اساسی و مهّم اشاره می کنیم:

۱- علم

۲- عقل

۳- وجدان

۴- غریزه

با بررسی کوتاهی درمی یابیم که علم با پای تجربه حرکت می کند و هنوز عالم هستی را تجربه نکرده، پس نمی تواند ضوابط جامع و آگاهانه در اختیار ما بگذارد و اگر منتظر تجربه بمانیم، قرن ها طول می کشد.

اما عقل نیز محدودیت دارد و مبتلا به همین اشکال است،

وجدان نیز تحت تأثیر غریزه و محیط و عادت است.

و غریزه که کور و سرکش است.

لذا تنها راه، علمی بی نهایت است که از منبعی نامحدود به دست آید و این جاست که انسان به ضرورت وحی می رسد و خود را مضطرّ این آگاهی می بیند؛ زیرا خدا نامحدود است و مشرف و مسیطر بر همه خلقت؛ پس: «اللّه یعلم و انتم لاتعلمون».(۱)

از طرفی او علمی را می آموزد که هرگز در حوزه آگاهی ما نبود، چنانکه می فرماید: «علّمکم ما لم تکونوا تعلمون»؛(۲) یعنی به شما چیزی می آموزد که نمی توانستید بدانید.

۱- ۵۹. سوره بقره، آیه ۲۳۲.

۲- ۶۰. سوره بقره، آیه ۲۳۹.

سپس این علم در اختیار پیامبرصلی الله علیه وآله قرار می گیرد و در نتیجه امر و نهی او اجتناب ناپذیر می شود، آنچه را پیامبر می آورد بگیرید و اطاعت کنید و آنچه را نهی می کند، از آن دست بردارید؛ زیرا عصیان او درگیری با قانونمندی و نظم هستی است و همین تفسیر صحیح گناه است.

سپس پیامبرصلی الله علیه وآله این علم را به امام علیه السلام وا می گذارد و هزار هزار درِ علم را بر او می گشاید.(۱)

«ان للّه جمع لمحمدصلی الله علیه وآله سنن النبین من آدم و هلم جراء الی محمّد قیل له و ما تلک السنن؛ قال: علم النبین بأسره و ان رسول اللّه صیّر ذلک عند امیرالمؤمنین علیه السلام»(۲)

این امام معصوم علیه السلام است که الگو و اسوه می شود؛ زیرا عصمت، ترکیبی از دو عنصر آگاهی و آزادی است.

و امام علیه السلام کسی است که با این آگاهی و پاکی از ما به خودمان دلسوزتر است: «و اللّه انّا لارحم بکم منکم انفسکم»؛(۳) به خدا قسم من از شما به خودتان مهربان ترم.

«إِنّی اریدکم للّه و انتم تریدوننی لِأنفسکم»؛(۴) او مرا برای خودش نمی خواهد، بلکه برای خدا می خواهد.

این تاریخ علم و طهارت و دلسوزی آنان، برای هدایت انسان است

ص:۳۲

۱- ۶۱. کافی، باب علم ائمه علیهم السلام؛ میزان الحکمه، ج ۱، در علم علی علیه السلام.
۲- ۶۲. فصول المهمه، حرّ عاملی، ص ۱۴۵، مع رجال الفکر، ص ۹۱.
۳- ۶۳. مدینه المعاجز، ج ۵، ص ۳۶۳، ح ۱۳۷؛ تحف العقول، کلمات امام صادق علیه السلام.
۴- ۶۴. علی علیه السلام، نهج البلاغه، خ ۱۳۶، صبحی صالح.

که به قتل و تبعید و اسارت می انجامد و هنگامی که قدر او شناخته نمی شود، در تدبیر بلند و متعالی خداوند حکیم، چنین چاره جویی می شود که آخرین ذخیره را در پس پرده غیبت محفوظ دارد، چنان که در حیات ائمه علیهم السلام نیز چنین سنتی جاری بود: «اذا غضب اللَّه علی خلقه نحّانا عن جوارهم»؛(۱)

با تجربه حکومت های جور و ستم و حتی رفاه که انسان و هویت او به وسیله آنها مسخ شده است، آدمی پس از ادبار به این طلب و تشنگی و عطش می رسد و امام در آرزو و اُمنیه انسان جای می گیرد،(۲) تا این عطش چگونه با آب گوارای وجود او سرشار گردد.(۳)

نمونه های آگاهی و مهر امام علیه السلام

آگاهی امام علیه السلام بر جسم و روح آدمی و همه هستی و حتی رؤیای ما توسعه دارد، وقتی زنی از امام صادق علیه السلام پرسش هایی از مسائل زنان می کند و سپس خارج می شود، می گوید: «و اللَّه لو کان امرءه مازاد علی

۱- ۶۵. کافی، ج ۲، ص ۱۴۵.
۲- ۶۶. اُمنیه شائقٍ یَتمنّی، من مؤمن و مؤمنه ذکرا فحَنّا؛ دعای ندبه.
۳- ۶۷. آیه آخر سوره ملک، ماء معین به وجود حضرت موعودعلیه السلام تفسیر شده است. نزلت فی الامام القائم علیه السلام یقول ان اصبح اماماکم غائباً عنکم لاتدرون این هو؟ فمن یاتیکم بامام ظاهر یأتیکم باخبار السموات و الارض و حلال اللَّه و حرامه، ثم قال: و اللَّه ما جاءَ تأویل هذه الایه و لابدان یجیئی تاویلها نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۸۷؛ نمونه، ج ۲۴، صص ۳۶۰ - ۳۵۹.

هذا»؛ به خدا قسم اگر زن هم می بود، بیش از این نمی توانست چیزی بگوید!(۱)

رُمیله از اصحاب علی علیه السلام نقل می کند: در زمان خلافت آن حضرت دچار بیماری شدیدی شدم. اما در روز جمعه ناگهان احساس خوبی و سبکی نمودم و گفتم بهتر است به نماز امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شوم، هنگامی که به مسجد رفتم و امام علیه السلام برای سخنرانی برفراز منبر رفت، دوباره بیماری ام عود نمود، امّا من تحمّل نمودم تا سخن امام علیه السلام تمام شد، سپس هنگام بازگشت با امام علیه السلام همراه شدم و به دارالخلافه رفتم.

امام علیه السلام فرمود: تو را دیدم که از درد به خود می پیچیدی.

گفتم: بله و داستان بیماریم را تعریف نمودم و علت حضورم را در نماز توضیح دادم.

امام علیه السلام فرمودند: ای رمیله! مؤمنی نیست که بیمار شود، مگر آن که با بیماری اش رنجور می شویم و غمگین نمی گردد، مگر با او غم خواریم؟!

دعایی نمی کند (مگر آن که برایش آمین می گوییم و هنگامی که ساکت است برایش دعا می کنیم.

به ایشان گفتم: ای امیرمؤمنان! خدا مرا فدایت کند، آیا این توجّهات شما برای کسانی است که با شما در این مکانند یا هر مؤمنی در هر جای زمین؟!

ایشان فرمودند: ای رمیله «لیس یغیبُ عنّا مؤمن فی شرق الارض لا فی غربها»؛ هیچ مؤمنی در شرق و غرب عالم از نگاه ما غایب نیست.(۲)

ص:۳۴

۱- ۶۸. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۳۷.

۲- ۶۹. سفینهالبحار، محدث کبیر شیخ عباس قمی رحمه الله، ج ۳، صص ۴۰۸ - ۴۰۷.

حبیب نیاجی گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را در خواب دیدم که در قریه ما اجلال نزول کرده است، به نزدش شتافته و سلام کردم، در حضورش ایستاده بودم که مشتی از خرمایی که نزد آن گرامی قرار داشت، برداشته و به من داد، آن ها را شمردم، هجده عدد بود، از خواب برخاستم. گفتم: تأویل خواب این است که هیجده سال دیگر عمر می کنم، بعد از بیست روز، مردی نزد من آمد و گفت: امام رضاعلیه السلام از مدینه به قریه و مسجد ما آمده است مردم به سویش می شتافتند؛ من نیز رفتم.

شبیه همان منظره در خواب را مشاهده کردم، آنجا پیامبرصلی الله علیه وآله بود و حصیری و طَبَق خرمایی و اینجا فرزندش علی بن موسی الرضاعلیه السلام، به او سلام کردم جوابم را داد و مرا به نزد خود خوانده و مشتی خرما به من داد.

آن را شمردم به تعدادی بود که پیامبرصلی الله علیه وآله در خواب به من هدیه کرده بود.

گفتم: قدری بیشتر بدهید، ای فرزند رسول خدا!

پاسخ داد: اگر پیامبرصلی الله علیه وآله افزوده بود، ما هم زیادتر می دادیم.(۱)

این گونه است که انسان شیدای امام علیه السلام می شود و تشنگی وجود او را درک کرده و در انتظار او نشسته است، این ندای سرشت درونی بشریت است، چنان که این حسّ در گفتار انسان غربی نیز دیده می شود.

همواره دوست داشتم دنیا را دگرگون کنم. اما حالا دریافته ام در زندگی، تنها پشت سرم کوهی از فیلم های مختلف انباشته ام و چه کسی اهمیت می دهد؟

۱- ۷۰. عیون الرضاعلیه السلام، شیخ صدوق رحمه الله، ج ۲، ص ۲۱۰.

هیچ کس! باید دنیای دیگری را خلق کرد، اما سؤال اینجاست که:

باید از چه کسی پیروی کرد؟!(۱)

آرتورمیلر گفته است: همواره انسان هایی پیدا می شوند که در هسته مرکزی وقایع جهانی ظهور می کنند و جایگزینی ندارند، نه تنها به خاطر شخصیت شان، بلکه در میان ترکیب وقایعی که هیچ کس نمی تواند آن ها را کنترل یا پیش بینی کند، زیرا آنها به سادگی اتفاق می افتند.

می دانیم که درباره ظهور موعودعلیه السلام آمده است: «توقعوا هذالامر صباحاً و مساءً»؛ هر صبح و شبانگاهی مترصّد ظهور باش!(۲)

آیات خلقت أحسن

آیاتی که نشان می دهد خداوند در عالم هستی کم نگذاشته و اگر نقصی هست از ما آدم ها می باشد:

الّذی احسن کل شی ءٍ خَلَقه؛(۳)

أحسن الخالقین؛(۴)

صنع اللّه الذی اتقن کل شی؛(۵)

ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت؛(۶)

۱- ۷۱. آنتونی کوئین، هنرمند مشهور، کتاب قدیس، مقدمه، ش - لامعی.

۲- ۷۲. کمال الدین، شیخ صدوق رحمه الله، ج ۲، ص ۱۳.

۳- ۷۳. سوره سجده، آیه ۷.

۴- ۷۴. سوره مؤمنون، آیه ۱۴.

۵- ۷۵. سوره نمل، آیه ۸۸.

۶- ۷۶. سوره ملک، آیه ۳.

ظهر الفساد فی البرّ و البحر؛(۱)

حتی إذا هلك قلتم لن یبعث اللّه من بعده رسولاً؛(۲) وقتی یوسف علیه السلام وفات نمود، امید داشتند که دیگر بعثتی نباشد.

خداونـد بـا این خلقت نیک، هـدایت همه مخلوقات هستی را، به همراه رسولان و اوصـیاء آنان و اولیاء عهـده دار می شونـد و آنـان را بـا بیّنات و کتاب و میزان(۳) همراه می کنـد و آنـان نیز با حکمت و موعظه و جـدال (راه و روش) احسـن(۴) با مردم سلوک می کنند، اما افسوس که آدمی... .

الحمدللّه رب العالمین

حمد: ستایش، تجلّی تسبیح، «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ»

تسبیح: پاک شمردن خداوند

ربّ: صـاحب اختیـاری که تـدبیر می کنـد، مالکی که امر مملوک خود را تـدبیر می کنـد، از ریشه رَبَبَ اسـت(۵) آن صاحب اختیاری است که هر گاه بخواهد بتواند در امور آن کس یا چیز دخالت کرده و به تدبیر آن بپردازد.

در این شروع با جمله «الحمدللّه رب العالمین» در جستجوی آنیم که

ص:۳۷

۱- ۷۷. سوره روم، آیه ۴۱.

۲- ۷۸. سوره غافر، آیه ۳۴.

۳- ۷۹. سوره حدید، آیه ۲۵ و سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۴- ۸۰. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

۵- ۸۱. از رَبیَّ و مُرَبّی که به معنی تربیت است گرفته نشده است.

به معنای جامعی در دعا برسیم که رساننده به مقصود دعا باشد؛ این دو «الحمد اللّه» در دعا (ابتداو اواخر) نشان می دهد که خداوند کار خویش را خوب انجام داده و برای خلقت و هدایت انسان (با ارسال رسل و آفرینش ائمه علیهم السلام و اهدای عقل و اختیار) کمبودی باقی نگذاشته است. پس او ستودنی و پاک است و مسؤولیت رفع مشکلات و عیوب بر عهده آدمی است که بر این نعمت های خداوند، ادبار نمود و باعث غیبت حجّت خدا شد، اکنون باید با طلب و تلاش به رهبری موعودعلیه السلام این نواقص را جبران کند و این مفهوم صحیح حمد است، زیرا تسبیح به این معناست که من اعتقاد دارم، خداوند، پاک از نیاز، ظلم، جهل، عبث و لغو است و حکمت، تقدیر، تدبیر و تنظیم او را پذیرفته ام و همین زمینه تسبیح است.(۱)

ولی حمد تجلّی تسبیح است(۲) یعنی وقتی باور کرده ایم که در تمام هستی و در جامعه و در خود انسان، با تمام کمبودها و کسری ها و درگیری هایی که هست؛ خدا چیزی را کم نگذاشته و از ناحیه او کمبود و ظلمی و اشتباه و فسادی نبوده است؛ پس به پاکی او شهادت داده ایم و ذرّه ای عیب از او ندیده ایم. حالا باید با حمد خودمان و با کارهای خودمان این کمبودها را پر کنیم و این تکلیف ماست، پس اینجا تسبیح در کلمه ها خلاصه نمی شود و به حمد ما راه می یابد؛ حمدی که

۱- ۸۲. تطهیر با جاری قرآن، استاد علی صفایی حائری، ص ۳۵.

۲- ۸۳. همان، ص ۳۳.

علی علیه السلام این گونه توصیف می نماید: «حمداً یملأَ ما خَلَقْتَ و یَبْلغُ ما أرَدْتَ»؛ سپاسی که آفریدگانت را سرشار سازد و تا آنجا که بخواهی تداوم یابد(۱) چنانکه می خوانیم: «فسبح بحمد ربک».(۲)

پس تسبیح آن است که در پرونده خدا، ظلم و ستمی، جهل و اشتباهی سراغ نگیرم و اعتراف کنیم: «ربنا ما خلقت هذا باطلًا سبحانك فقنا عذاب النار».(۳)

تسبیح آنجا مطرح می شود که من با بررسی و دیدن آسمان، جنگل و دریا و جنگ، فقر و جهل، خون و درد، حتی لحظه ای نسبت به خداوند، شک و اعتراضی نکنم و باور داشته باشم که او تمامی کارش را انجام داده و قبول داشته باشم که تمامی آن دردها و ستم ها در جامعه، و کمبودها در جهان از ماست و به عهده ماست، پس تسبیح کلمه نیست، چنان که شکر و استغفار با کلمه نیست و این ها فقط صیغه شکر و استغفار است و عتاب امام علی علیه السلام را در نهج البلاغه، قصار ۴۱۷ را می بینیم که وقتی فرد، فقط استغفار زبانی می کند، ۶ مرحله را یادآور می شود:

پشیمانی بر گذشته، عزم بر عدم بازگشت گناه، ادای حق مردم، جبران فرایض، ذوب گوشتی که از معصیت روییده با غم و غصه و چشاندن رنج طاعت در برابر لذت معصیت. دلیل این ادّعا در خطبه

۱- ۸۴. نهج البلاغه، صبحی صالح، خ ۱۶۰.

۲- ۸۵. سوره نصر.

۳- ۸۶. سوره آل عمران، آیه ۱۹۱.

۱۵۹، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۵۷، ۱۸۲، ۱۱۴ نهج البلاغه و دعای اوّل صحیفه سجادیّه آمده است که نشان می دهد، حمد وسیله شکر و رسیدن به رضای خدا و اراده او وسیله ادای حقوق و میزان انسانیّت و مرز بین حیوانات و انسان است.(۱)

چنان که در صحیفه سجادیّه می خوانیم: «الحمد للّه الذی لو حبس عن عباده معرفه حمده...لتصرّفوا فی منّه فلم یحمدوه و توسعوا فی رزقه فلم یشکروه و لو کانوا کذلک لخرجوا من حدود الانسانیه الی حد البهیمیه، فکانوا کما وصف فی محکم کتابه، ان هم الا کالانعام بل هم اضلّ سبیلا».

اگر چنین نبود و کار فقط بر عهده ولی خداوند می بود و همه کارها را به عهده او می گذاشتیم و هنگام پایان کار می گفتیم: «الحمد اللّه رب العالمین»؛ ما نیز هم صدا با یاران بی وفای موسی علیه السلام می شدیم که گفتند: «اذهب انت و ربک فقاتلا انا هیهنا قاعدون!»(۲) تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما اینجا نشسته ایم.

حال آن که شکل حقیقی ارادت و انتظار در تبعیت و نصرت جلوه می کند «و تجعلنی من المنتظرین و التابعین و الناصرین».(۳)

و در جایی دیگر صریحاً می خوانیم: «اللهم انصره و انتصر به لدینک

۱- ۸۷. تطبیر با جاری قرآن، صص ۳۹ - ۳۷.

۲- ۸۸. سوره مائده، آیه ۲۴.

۳- ۸۹. مفاتیح الجنان، زیارت روز جمعه؛ درباره شکل های نصرت امام علیه السلام کتاب های مفیدی چون: کیفیت یاری قائم علیه السلام از آقای فقیه ایمانی و.. به چاپ رسیده است.

و انصُر به اولیائک و اولیائه و شیعته و انصاره و اجعلنا منهم».(۱)

خدایا! امام را یاری کن و با او دینت را نصرت بده... و مرا هم از آنان قرار بده.

می بینیم امام صادق علیه السلام هنگامی که احول را در بازگشت از بصره می بیند، می پرسد: بصره بودی؟

با پاسخ مثبت او، امام علیه السلام می پرسد: کیفیت رجوع مردم را در گرایش به تشیع چگونه دیدی؟

و او قسم می خورد که بسیار کم رنگ بود! و اینجا امام علیه السلام بر او تکلیف می کند که «علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر»؛ بر تو باد تبلیغ نوجوانان، که آنان پر شتاب به سوی هر خوبی اند.(۲)

این گونه است که انتظار یک عمل است نه فقط یک حالت(۳) و امام علیه السلام اهتمام در امر اصلاح خویش (منتظر) و جامعه را می طلبد:

هر کس از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک سازد و از آنچه خوشایند ما نیست و باعث کراهت و خشم ما می باشد، دوری گزینند و آن کس که دوست دارد از اصحاب امام موعودعلیه السلام باشد، انتظار حقیقی اش با معیار ورع و نیکویی های اخلاقی توصیف شده است.(۴)

۱- ۹۰. دعای بعد از زیارت آل یس.

۲- ۹۱. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۷.

۳- ۹۲. انتظار، استاد علی صفایی حائری رحمه الله و حدیث آن، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۲.

۴- ۹۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

امام مهدی علیه السلام بشارت می دهد: هر کس در حاجت خدا (که همان حاجات مردم و دین خداست) کوشش کند، «کان اللّه فی حاجته»، خداوند پیگیر حاجت آن بنده خواهد بود.(۱)

راستی که خداوند کمبودی نگذاشته و فسادی که در خشکی و دریا می باشد از کار آدمیان ایجاد شده و نعمت امام علیه السلام را از ما دریغ داشته است.

نمونه روایات از تنزیه و تسبیح خداوند

امام صادق علیه السلام در توحید مفضل می فرماید: اینک برای تو از آفت ها و بلاها سخن می گویم که گاهی پدید می آید و گروهی از جاهلان آن را وسیله ساخته اند که تدبیر و تقدیر و آفرینش خدای متعال را انکار نموده و وقوع آن ها را برخلاف حکمت می پندارند، مانند وبا، طاعون و انواع بیماری ها، تگرگ و ملخ که کشتزارها و میوه ها را ضایع می سازد...

در پاسخ می گوییم: اگر خالق و مدبّری در جهان نمی بود، می بایست بیش از این فتنه و فساد و آفت و بلا در دنیا پدید آید و مثلاً نظام آسمان و زمین گسسته شود و ستاره ها بر زمین فرو افتند، یا زمین به آب فرو رود یا آفتاب دیگر طلوع نکند، یا رودها و چشمه ها خشک شوند یا آب دریا بر خشکی طغیان کند و همه جانداران را غرق سازد. همین آفت ها از قبیل طاعون و ملخ هم چرا دیر نمی پاید و دائمی نیست تا همه را بیچاره کند و نابود سازد و فقط گاهی بروز می کند و زود برطرف می گردد؟!

۱- ۹۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۹۳.

نمی بینی که جهـان از آن بلاهـای بزرگ که می توانـد همه اهل جهان را نابود سازد، محفوظ است و فقط گاهی مردمان را با آفت هـا و بلاهای کوچکی می گزد و می ترسانـد تا تأدیب شونـد و باز به زودی آن بلا را زائل می سازد تا وقوع آفت و بلا، پندی برای آنان باشد و برطرف کردنش رحمت و نعمتی بر آنان.

بی دینان درباره مصـیبت ها و ناخوشاینـدهایی که برای مردم رخ می دهد، می گویند: اگر جهان آفریدگار مهربانی دارد، چرا این گرفتاری ها پیدا می شود؟!

گوینـده چنین سـخنی گمان می کند که زندگی آدمی در جهان باید از هر رنج و کدورتی صاف و خالی باشد! اگر چنین می بود آن قدر شرّ و فساد و طغیان در مردم پدیدار می شد که نه به صلاح دنیای آنها بود و نه به کار آخرت شان می آمد، چنان که می بینی برخی را که به نـاز و نعمت برآمـده انـد و به امنیت و رفاه و توانگری پرورش یافته انـد؛ در طغیان و کفران بـدانجا رسیده اند که گویی فراموش کرده اند که از جنس بشر و مخلوق پروردگارند... .

آنان که این رنج ها و آزارها را در جهان نمی پسـندند، در واقع به کودکان شبیه اند که از دواهای تلخ و ناگوار، بدگویی می کننـد و ممنـوع نمـودن آنهـا از خـوردنی هـای لذیـذی که برای ایشـان زیانمنـد است، موجب خشم شـان می شود، آموختن و تحصـیل علوم بر آنان سـخت و ناگوار است، دوست دارند که پیوسته به بازی و بطالت بگذرانند و هر خوردنی و نوشیدنی که مایل هستند بخورند و بیاشامند و درک

ص:۴۳

نمی کنند که به بازی و بطالت گذارندن، چه زیان هایی برای دین و دنیای آنها دارد... .

بسا رنجی که آسودگی در پی دارد، بسا تلخی هایی که شیرینی ها به بار می آورد.(۱)

از امام رضاعلیه السلام سؤال شد: چرا خداوند در زمان حضرت نوح علیه السلام تمام مردم را غرق کرد در حالی که در میان آنان کودکان و افراد بی گناه بودند؟!

امام علیه السلام پاسخ دادند: در میان آنان کودک نبود، زیرا از چهل سال قبل از طوفان، خداوند آنان را عقیم نمود و هنگام طوفان، کودکی وجود نداشت و افرادی که غرق شدند دو دسته بودند: یک دسته نوح را تکذیب کرده و با او مبارزه کردند و گروهی هم در برابر ظلم و ستم گروه اول سکوت کردند و عملاً به کردار آنان راضی بودند.(۲)

روزی عُزَیر پیامبر به خداوند عرض کرد: خدایا! تمام کارهای تو را مورد مطالعه ودقت قرار دادم و عدل تو را در تمام امور به تشخیص عقلم درک کردم، اما یک موضوع را نمی دانم، چگونه با عدل تو

۱- ۹۵. بخشی از توحید مفضل، به نقل از کتاب پیشوای ششم، نشر مؤسسه در راه حق.
۲- ۹۶. بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۷۳.

می سازد، تو برای افرادی که مستحق کیفر و بلا هستند، خشم می گیری و بلا را بر تمام آنها می فرستی در حالی که در میان آنان کودکان بی گناه وجود دارند.

خداوند پاسخ داد: وقتی یک ملّت سزاوار بلا شد، بلا را هنگام فرا رسیدن مرگ کودکان قرار می دهیم و مقدّر می کنیم، بنابراین کودکان با مرگ طبیعی خود از بین رفته اند و بلا تنها برای افراد مسؤول است.(۱) (تقریب اجل ها می شود) یعنی کودکان همان مقدار عمر داشته اند و اجل شان هم زمان با نزول بلا می گردد.

فراز دوم دعا (سنت بلا)

بعد از حمد و سپاس خدا و درود بر محمد و آل محمدصلی الله علیه وآله و اظهار تسلیم، (وسلّم تسلیماً) به سپاس بر جریانی سخت، یعنی بلا و زهد که شرط خداوند است، مرور می کنیم: «اللهم لک الحمد علی ما جری به قضاؤک، فی اولیائک الذین استخلصتهم لنفسک»؛ سپاس تو را به خاطر آنچه از قضای تو بر اولیائت گذشت که آنان را بر خویش و دینت خالص نموده بودی، «اِذ اخترت لهم جزیل ما عندک من النعیم المقیم، الذی لازوال له و لا اضمحلال».

در برابر تحمل آن قضا، پاداشی بزرگ برای آنان برگزیدی که عبارت است از: نعمت پاینده و جاودانه ای که زوال و نابودی نپذیرد.

ص:۴۵

۱- ۹۷. بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۸۶.

چه شگفت است که این خاندان بر خداوند حق پیدا می کنند که در دعا می خوانیم: «الهی به حق محمد و آل محمد علیک».(۱)

البته تو نیز شرط نمودی که باید در این دنیا زهد بورزند و از زیور و زینت های آن چشم بپوشند، «بعد أن شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه الدّنیا الدَّنیَّه و زخرفها و زبرجها»؛ هنگامی که آن عهد را پذیرفتند و تو نیز بر وفای آنان واقف گشتی «و علمت منهم الوفاء» پس چند پاداش را بر ایشان از پیش تقدیر نمودی که عبارتند از:

قبول و قرب «فقبلتهم و قرّبتهم»

ذکر و نامی بلند و ابدی «و قدّمت لهم و الذکر العلّی» چنان که حضرت زینب علیها السلام به یزید «لعن» فرمودند: «فواللّٰه لاتمحوا ذکرنا و لاتمیت وحینا»؛(۲) به خدا قسم نمی توانی ذکر ما را محو کنی و وحی ما را خاموش کنی که مقامی ستودنی و پر ستایش آشکار خواهد شد «و الثناء الجلیّ»

و نزول ملائک بر آنان «وَ اَهْبَطْتَ علیهم ملائکتک»

و کرامت بی بدیل وحی «وکَرَّمْتَهُم بوحیک» که ائمه علیهم السلام حامل علوم وحی اند.

و بر سفره علم الهی نشاندن «و رَفَدْتهم بعلمک» و این علم نصرت آنان است.

۱- ۹۸. از تعقیبات نماز صبح، مفاتیح الجنان.

۲- ۹۹. لهوف، سیدبن طاووس، ص ۲۵۰، ترجمه عباس عزیزی.

و دستگیره به سوی خویش «وجعلتهم الذریعه»(۱) و دلیل قرآنی آن آیه ۶۴ از سوره نساء است.

و وسیله خشنودی و رضای الهی «و الوسیله الی رضوانک».

این مجموعه برای زهـد و تحمـل بلاـست، که زهـد نیز ابتلا و امتحان است، زهـد در مفهومی روشن یعنی آزادی، مفهومی که علی علیه السـلام از قرآن اسـتنتاج نموده و می فرمایـد: به تمامی دست آوردها خوشـحال نباش و بـدون همه این ها رنجی نبر، زهـد به معنی ترک نیست، بلکه زهـد دینی اخذ و گرفتن است «خذوا من ممرّکم لمقرّکم» برداشـتن و آوردن، نه رها کردن و رفتن، زهـد با نداشـتن برابر نیست، چه بسا فقیری که زاهد نیست و بی نیازی که راغب نیست بلکه منتظر ادای امانت و رساندن بـار مسؤولیت است، زهـد این است که تو از محرّک هـا، غریزه و عادت فراتر بیایی، تنها به خودت محـدود نشوی، مادامی که در نجد و یمامه گرفتاری هست، آرام نباشی. زهد، کم کار کردن نیست، کم برداشتن است.

زاهد از یهودی بیشتر می کوشد و از درویش کمتر برمی دارد و همین است که توسعه می آورد و رشد صنعت و رشد عدالت را همسازی می نماید.(۲)

۱- ۱۰۰. در حدیث آمده: هرگاه مشـکلی بر شـما نازل شد، پس با ما از خدا یاری جویید و هو قول اللّه عزوجل و للّه الاسـماء الحسنی فادغوه بها؛ {بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۸۵}؛ ای جابر هرگاه خواستی خدا را بخوانی و اجابت شود، پس خدا را با اسماء آنان بخوان که محبوب ترین نزد خداست. (بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۲۱)

۲- ۱۰۱. شبهات حکومت دینی، استاد علی صفایی حایری، ص ۱۴۹، چاپ اطلاعات.

این مجموعه، همه برای این زهد و تحمّل بلاهاست.

این سنت اجتناب ناپذیر است و در شکل های مختلف ترس، گرسنگی، نقص جان، مال و ثمره های زندگی،(۱) موافق استعدادها و صلاحیت ها عرضه می شود.

هرکس به انبیا و اهل بیت علیهم السلام و رهپویان حق نزدیک تر باشد، امتحانی سخت تر خواهد داشت. «ان اشدّ الناس بلاءً الانبیاء ثم الذین یلونهم ثم الامثل فالامثل».(۲)

چرا که:

سلسله موی دوست حلقه دام بلاست

هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست

گرچه هدف این بلا برای افراد مختلف است و اولیاء خداوند شامل مقاصد عمومی نمی شوند، چنان که فرموده اند: «ان البلاء للظالم ادب و للمؤمن امتحان و لِلْأنْبِیاءِ درجه».(۳)

که همین دوران غیبت و انتظار نیز امتحانی برای مؤمنان منتظر می باشد، امام موسی بن جعفرعلیه السلام می فرماید: آنگاه که دست از پنجمین نفر از فرزند هفتم ائمه کوتاه شد، پس خدا را در دینتان!، کسی شما را از آن جدا نکند... برای صاحب این امر غیبتی است، این فقط امتحانی از

۱- ۱۰۲. سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۲- ۱۰۳. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۸۲.

۳- ۱۰۴. همان، ص ۴۹۳، ح ۱۹۵۹.

سوی خداست که آفریدگان را با آن می سنجد.(۱)

معنای بلا چیست؟

بلا و ابتلا سنجیدن است، به بوته آزمایش انداختن است(۲) و از آنجا که خداوند بصیر، خبیر و لطیف است، آدمی را در نقطه ضعف او امتحان می کند و این لازمه پاداش در سلوک است، پس در پیچ های سفت و محکم ما را نمی پیچانند چون در آنجا محکم هستیم، بلکه در آنجا که نقطه اصلی درد و ضعف است و همین سرّ تفاوت امتحان افراد است، حاتم را با پول و بخشش نمی سنجند و این است که بلاها به حسن و سیئه و خیر و شرّ تنوّع می یابند، بلاهای حسن همانا مال، فرزند، نعمت ها، رزق ها و موارد مشابه، و بلاهای شرّآمیز، جنگ، بیماری، گرفتاری و حاکمیت ستمگران می باشد.(۳)

تردیدی نیست که این بلا به استثنای فرد ظالم، نشانه دوستی و عنایت است که احادیث می گویند، وقتی خداوند بنده ای را دوست داشت او را غرق بلا می کند(۴) و از غمی در نیامد، در غمی دیگر می نشاند(۵) و حتّی اگر شده در خراش، لطمه، لغزش و پریدن چشم

ص:۴۹

۱- ۱۰۵. غیبت شیخ طوسی رحمه الله، ص ۳۳۷، ح ۲۸۴ - ۲۸۳.

۲- ۱۰۶. امام حسین علیه السلام درباره یاران باوفایش می فرماید: وللّه لقد بلوتهم فما وجدت فیهم الا الاشوس الاقعس؛ به خدا سوگند آنها را آزمودم و نیافتم مگر دلاور و غرّنده همچون شیر؛ سخنان امام حسین علیه السلام، صادق نجمی، ص ۱۷۲.

۳- ۱۰۷. سورهای انفال، آیه ۱۷۰؛ انبیاء، آیه ۳۵؛ اعراف، آیه ۱۶۸ و فجر آیات ۱۶ - ۱۵.

۴- ۱۰۸. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۹۱.

۵- ۱۰۹. همان.

و حتی در پاره شدن بند کفش،(۱) او را پالایش می کند و چنین است که می بینیم رسول اکرم صلی الله علیه وآله و امام علیه السلام هم از گرسنگی و بیماری در امان نیستند، آن هم در شکل هایی بسیار رنج آور.

علی علیه السلام می فرماید: با پیغمبرصلی الله علیه وآله مشغول کندن خندق بودیم و در این هنگام فاطمه علیها السلام آمد و همراهش قطعه ای نان آورده بود که به پیامبرصلی الله علیه وآله تقدیم نمود و گفت: قرص نانی را برای حسن و حسین پخته بودم و این قطعه را برای شما آوردم.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: ای فاطمه! این اولین غذایی است که بعد از سه روز (گرسنگی) نصیب پدر تو می شود!(۲)

در روایتی آمده که امیرالمؤمنین علیه السلام بیمار گردید و عدهٔ ای برای دیدار ایشان رفتند و گفتند: چگونه صبح نمودی یا امیرالمؤمنین؟

امام علیه السلام پاسخ داد: «اصبحت بشرٍ»؛ با شرّی صبح نمودم!

گفتند: سبحان اللَّه مانند تو چنین سخنی می گوید.

امام علیه السلام فرمود: خدا می گوید: «و نبلوکم بالشرّ و الخیر فتنه»؛ شما را با خیر و شرّ می آزماییم.(۳)

در هر گرفتاری سه نعمت وجود دارد:

۱. شناخت نقطه ضعف ها؛

۲. قطع تعلق و وابستگی؛

۱- ۱۱۰. همان، ص ۴۹۰.

۲- ۱۱۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۰.

۳- ۱۱۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۷۹؛ سوره انبیاء، آیه ۳۵.

۳. انکسار و دلشکستگی؛(۱)

این پاکسازی ها و آزمایش ها موضوعی است که امام حسین علیه السلام به زیبایی از آن سخن گفته است:

«انت الذی ازلت الاغیار عن قلوب احبائک حتی لم یُحبّوا سواک و لم یلجئوا الی غیرک»؛(۲) اینهاست که سالک را به تفویض و اعتماد به تدبیر خداوند می کشاند و از غیر می رهاند.

خلق را با تو کج و بد خود کند

عاقبت روی تو را آن سو کند

و شهریار سروده است:

جبین گره مکن ز هر چه پیش آید

که تو ز سکّه یک روی آن می خوانی

به روی دیگرش نعمتی نهفته خدای

که شکر آن تا به قیامت نتوانی

و امامت نیز از بستر همین ابتلا و شکیبایی می گذرد.(۳)

برخورد با بلاء

در برابر بلا و گرفتاری سه گونه می توان رفتار کرد:

جَزَع؛

صبر؛

شکر؛

۱- ۱۱۳. روزهای فاطمه علیها السلام، استاد علی صفایی حائری، ص ۳۵.

۲- ۱۱۴. مفاتیح الجنان، دعای عرفه.

۳- ۱۱۵. سوره بقره، آیه ۱۱۸ و سوره سجده، آیه ۲۴.

شکر مخصوص کسانی است که می توانند صورت نعمت های خدا را حتی در بلاها ببینند و زیادتی شکر، لازمه اش شناخت چهره نعمت در بلاهاست، وقتی تو در نعمت ها (بلا) ذکر ببینی، زیادتی شکر خواهی داشت.(۱)

چه شگفت است که جابر می گوید: حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله نگاهش به فاطمه علیها السلام افتاد در حالی که او عبایی از موی شتر بر سر افکنده بود و با دو دست خود آرد می کرد و فرزند خود را شیر می داد.

پیامبرصلی الله علیه وآله از چشمان اشک ریخت و فرمود: ای دخترم! قبل از شیرینی آخرت، تلخی دنیا را بنوش.

فاطمه علیها السلام عرض کرد: «یا رسول اللّه، الحمدللّه علی نعمائه و الشکرللّه علی آلائه»؛ خدا را ستایش می کنم بر نعمت هایش و سپاگزارم بر داده هایش.(۲)

رهنمود بینش دینی ما برای مقابله با بلاها، ظرفیت دادن و انشراح صدر است که با ذکر رفیع و شکر حاصل می شود، ذکر رفیع همان آیه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً» است که نشان می دهد، هر سختی، سه آسانی دارد «سَیَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ یُسْراً»(۳) و آیه شکر که می فرماید: «لَئِن شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ»؛(۴) اگر شکرگزار باشید، توسعه می یابید.

ص:۵۲

۱- ۱۱۶. دعاهای فاطمه علیها السلام، استاد علی صفایی حائری، صص ۳۶ - ۳۵.

۲- ۱۱۷. اخلاق فاطمه علیها السلام، تاج لنگرودی، ص ۴ به نقل از سفینهالبحار، ج ۱، ص ۵۷۱.

۳- ۱۱۸. سوره طلاق، آیه ۷، سه آسانی: اشتغال، ورزیده شدن و مزد پایان است.

۴- ۱۱۹. سوره ابراهیم، آیه ۷.

آثار بلا

در آیات و روایات آثار مختلفی بیان شده که عبارتند از:

۱. آگاهی و شناخت صابر، مجاهد و پاک از ناپاک؛

۲. تواضع و انکسار؛

۳. بازگشت از گناه؛

۴. تضرّع و توسل؛

۵. نزول برکات و صلوات و رحمت؛

۶. بیداری و تنبیه؛

۷. ترک گناه؛

۸. تصحیح ایمان؛

و... .

نتیجه درک سنت جاری بلا این است که منتظرین اگر مال و جان خویش را در دوران غیبت آماج بلا ببینند، به امامان علیهم السلام و اسوه های خویش اقتدا کرده و استقامت کنند و به عجله و تردید و یا وادادگی دچار نگردند و چنان که فرمود: دعای غریق را در این دوره بخوانید: «یا اللّٰه یا رحمان و یا رحیم یا مقلّب القلوب ثبّت قلبی علی دینک».(۱)

باید که طلب شکیبایی نمایند «و صبّرنی علی ذلک»؛ مرا بر این امر شکیبا نما(۲) که صبر برای ایمان، مانند سر برای بدن است، بدون دست،

۱- ۱۲۰. اکمال الدین، شیخ صدوق رحمه الله، ج ۲، ص ۳۵۱ و کافی، باب دعا.

۲- ۱۲۱. مفاتیح الجنان، دعای غیبت امام زمان.

پا، چشم و حتی با قلب پیوندی هم می توان زنده ماند، اما بدون سر هرگز!

مروری بر حرکت واحد انبیاءعلیهم السلام

«فبعض اسکنته جنتک الی ان اخرجته منها» از این بخش به یادآوری سابقه و تاریخ انبیاء پرداخته می شود که از آدم علیه السلام، نوح علیه السلام، ابراهیم خلیل علیه السلام و موسی کلیم علیه السلام و برادرش هارون (که وزیر او می شود) و مسیح علیه السلام که با بیّنات می آید، همه آنان دارای شریعت و آدابی بودند «و کل شرعت له شریعةً و نهجت له منهاجاً» و برنامه و روش حرکت داشته اند و از همه مهمّ تر برای آنان اوصیایی مقرّر می شود تا نگهبان دین بعد از آنها باشند؛ چنان که هارون علیه السلام برای موسی علیه السلام و حواریون برای عیسی علیه السلام و اینان اقامه دین را عهده دار می شوند تا اتمام حجت گردد و جبهه حق در پایگاهش سست نشود و باطل پیروز نگردد و دیگر کسی اعتراضی نکند که چرا پیامبر آگاه کننده نیامد و پرچم هدایت را به احتزاز در نیاورد تا ما پیروی کنیم و خوار و خفیف نگردیم!

تا این که زمان به ظهور تاج سر انبیاء، سرور کائنات، محمّد رسول اللَّه صلی الله علیه وآله می رسد.

آری!

خداوند این جریان مستمرّ هدایت یعنی سلسله متصل هدایتگران واوصیاء را برای بشریت در تاریخ تمهید می نماید تا کسی حق اعتراضی نداشته باشد.

نکات قابل بررسی در این فراز عبارتند از:

۱. انسان حجتی بر علیه خداوند ندارد، چرا که «وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ»(۱) و اگر خداوند کسی را نفرستد، عذاب هم نخواهد داشت.(۲)

۲. انسان نمی تواند عذر ناآگاهی بیاورد، زیرا که توانایی برای آگاهی یافتن داشته است، از او می پرسند: «هلّا تعلمتَ» یعنی وقتی عذر بیاورد که نمی دانستم، می گویند: می توانستی بدانی.(۳)

۳. ایمان صادق و کامل آن است که بین هیچ کدام از رُسُل تفاوتی نگذاریم (از لحاظ مأموریت) و به همه ایمان آوریم.(۴)

۴. جریان اخراج حضرت آدم علیه السلام از بهشت، نشان دهنده نقص برای حضرت آدم علیه السلام نیست، زیرا آن بهشت، بهشت معروف نیست، امام صادق علیه السلام می فرماید: آن باغی از باغ های دنیا بود که خورشید و ماه بر آن می تابید و اگر بهشت جاودانی بود، هرگز از آن رانده نمی شد.(۵)

حتی پذیرفتن حضرت آدم علیه السلام از شیطان، چنان که در روایات آمده به این دلیل بود که آدم علیه السلام فکر نمی کرد، کسی دروغ بگوید و اصولاً خلقت شیطان نیز در مجموعه نظام هستی بد نبوده، چنان که قرآن خود می فرماید: شیطان بر آنان سلطه ای نداشت مگر این که می خواستیم (بیازماییم) تا کسی که به قیامت ایمان داشته از آن که در شک و تردید است، بشناسیم.(۶)

۱- ۱۲۲. سوره رعد، آیه ۷.

۲- ۱۲۳. سوره اسراء، آیه ۱۵.

۳- ۱۲۴. مسؤولیت و سازندگی، استاد علی صفایی، نشر لیلهالقدر، ص ۲۷.

۴- ۱۲۵. سوره بقره، آیه ۲۸۶ و سوریه شوری، آیه ۱۳.

۵- ۱۲۶. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۳۵ به نقل از بحارالانوار، ج ۱۱.

۶- ۱۲۷. سوره سباء، آیه ۴۴.

تـاین بی می گویـد: هیـچ تمـدّن درخشـانی در جهـان پیـدا نمی شود، مگر آن که ملّتی مورد هجوم یـک نیروی خـارجی قرار گرفتند و بر اثر این تهاجم نبوغ و استعداد خود را به کار انداختند و آن چنان تمدّن درخشانی به وجود آوردند.(۱)

۵. درباره حضرت ابراهیم علیه السلام که چرا خلیل شد، روایاتی داریم که می گوید:

او زیاد بر محمّد و آل محمّدعلیهم السلام صلوات می فرستاد،اطعام و نماز شب داشت؛ به جای ثمن غذا به میهمانان می گفت: شروع غذا با بسم اللّه باشد و پایان با الحمدللّه.(۲)

همچنین بایـد سـاحت ابراهیم علیه السـلام از این نکته پـاک باشـد که آیه اطمینـان قلب را به معنی آرامش قلب در وقوع زنـده کردن اموات بگیریم بلکه در حدیث آمده است که حضـرت ابراهیم علیه السـلام از عبد صالحی شنید، خداوند عبدی دارد که او را دوست خود گرفته است، پس نشانه آن عبـد را پرسـید، پاسخ داد: او کسـی است که اگر از خدا بخواهد مرده زنده کند، برایش چنین می کند.

پس ابراهیم، از خدا خواست که مرده گان را زنده کند، «لیطمئن بالخلّه» تا مطمئن شود، خلیل خود اوست.(۳)

ادامه دعا از جریان رسالت می گوید که به محبوب خدا و نجیب او

۱- ۱۲۸. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۳۸.
۲- ۱۲۹. علل الشرایع، ج ۱، صص ۳۵ - ۳۴.
۳- ۱۳۰. همان، ص ۳۶.

(با کرامت و برگزیده) یعنی محمدصلی الله علیه وآله می رسد، که آقای همه آفریدگان و زبده و برگزیده گان، افضل انتخاب شـدگان، گرامی ترین در معتمدان خدا، مقدّم بر همه پیامبران و مبعوث بر جن و انس است و چنان خواسـتنی است که مشارق و مغارب عالم را زیر پایش نهاده و مرکب برق آسا را در خـدمتش گزارده و او را به معراج سـیر می دهـد و آنگاه، علم اول و آخر تـا نهـایت آفرینش را در اختیـارش می گـذارد و دشـمنانش را مرعـوب نمـوده و جبرئیـل و میکائـل در خـدمتش و همه فرشـتگان در رکابش، وعده پیروزی نهایی دین او و سرزمین مبارک مکّه مرکز و پایگاه حرکت و در نهایت طهارت مطلقه در او و در خاندانش، در این دعا گزارش می شود.

در حدیث آمده: مکّه را بکّه گفته اند؛ زیرا مردم در آنجا می گریند.(۱)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چرا کعبه را کعبه نامیدند؟!

فرمود: چون در طول و مقابل بیت المعمور بود که مربع است.

پرسیدند: چرا بیت المعمور مربع است؟!

پاسخ داد: چون در طول عرش است که آن هم مربع است.

پرسیدند: چرا عرش مربع می باشد؟!

فرمود: چون کلماتی که اسلام بر آن بنا شده، ۴ کلمه است:

«سبحان اللَّه و الحمداللَّه و لا اله الا للّه و اللَّه اکبر».(۲)

۱- ۱۳۱. علل الشرایع، ص ۳۹۷.

۲- ۱۳۲. علل الشرایع، ص ۳۹۶.

جایگاه ویژه محمدصلی الله علیه وآله و علم و کمال خاصّ او

پیامبرصلی الله علیه وآله در قرآن به:

رحمه للعالمین؛(۱)

بشیر و نذیر همه مردم عالم؛(۲)

منّت بر مؤمنین؛(۳)

دارای خُلْقِ عظیم؛(۴)

شاهد و شهید بر امّت؛(۵)

خاتم انبیاء؛(۶)

وعده پیروزی حتمی دین او؛(۷)

نرمش و لطافت در اخلاق.(۸)

توصیف شده است، او کارنامه بسیار بزرگی دارد:

۱. آوردن آخرین دین و پیروزی و حاکمیت آن در سخت ترین جامعه و سپس در عالم؛

۲. تشکیل حاکمیت نوین و جامع، رشد همه جانبه اندیشه، اخلاق، سیاست و اقتصاد؛

۳. ایجاد وحدت بین قبایل پراکنده و تبدیل خصلت ها و خصومت های دیرین به اُخوت و فداکاری؛

۱- ۱۳۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

۲- ۱۳۴. سوره سباء، آیه ۲۸.

۳- ۱۳۵. سوره نحل، آیه ۸۹.

۴- ۱۳۶. سوره قلم، آیه ۴.

۵- ۱۳۷. سوره نحل، آیه ۱۸۹.

۶- ۱۳۸. سوره احزاب، آیه ۴۰.

۷- ۱۳۹. سوره صف، آیه ۹.

۸- ۱۴۰. سوره آل عمران، آیه ۵۹.

۴. اجرای قوانین دین خویش در همه ابعاد.(۱)

مناقب رسول اکرم صلی الله علیه وآله آن قدر زیاد است که از سوی بیگانگان ستوده می شود و عذر تقصیر به پیشگاه محمدصلی الله علیه وآله و قرآن(۲) نگاشته می گردد و چه کسی نمی داند که علّت حملات ناجوانمردانه در دنیای غرب و حتی برخی مسلمانان مرتد به ساحت آن گرامی به دلیل جذبه شخصیت و سرعت نفوذ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در عالم است، چنان که آقای راب ویکس تازه مسلمان، گفته است: اسلام دینی عقلانی بود که پر از راز و نیاز برای هدایت انسان بود و از دانش هم حمایت می کرد، در حالی که مبلّغان مسیحی با علم و دانش مخالف بودند، گویی خداوند نادانی را دوست دارد، انگار اسلام برای من ساخته شده بود، مسلمانِ خوب بودن، شخصیتی بود که من دوست داشتم باشم، بعد از مطالعه و عبادت به مدّت یک ماه دیگر، دریافتم که اگر محمّدصلی الله علیه وآله، پیامبر نبود، نباید وجود پیامبران دیگر را هم باور کرد، بعد، لحظه تصمیم گیری رسید.(۳)

آقای کریستو فزشلیتون می گوید: با چند تن از دوستانم در مورد مذهب بحث می کردیم که آنها از من خواستند، یک قرآن بخرم و من هم این کار را کردم، به نزدیک ترین کتاب فروشی رفتم و ترجمه ای روان و ساده از قرآن خریدم، اما این اولین نگاه من به اسلام ناب بود، در

۱- ۱۴۱. معارف و معاریف، سیدمصطفی حسینی رشتی، ج ۹، ص ۱۸۲.
۲- ۱۴۲. جان دیون دپورت انگلیسی، ترجمه غلامرضا سعیدی.
۳- ۱۴۳. مجلّه کانون خانواده، ش ۱۶۲، ص ۲۹.

عرض چنـد هفته با این که شـهادتین را نگفته بودم، اما عقایـد مسـلمانان را پـذیرفتم... مادرم از هر چه در توانش بود، اسـتفاده کرد، تا جلوی مسلمان شدن مرا بگیرد.

او سه بـار مرا نزد واعظ خود بُرد، اما این کار نتیجه ای نـداشت.(۱) شـگفت آور است در چند دهه اخیر که حملات به ساحت آن گرامی بیشتر شده، تازه مسلمانان با خواندن سیره او و تحت تأثیر شخصیت وی مسلمان تر شدند.(۲)

راستی حضرت محمدصلی الله علیه وآله چه کرده است؟

او شـراب طهور حقیقت به کـام انسـان ریخت، آدم را بـا شـراب حضور معیت «هو معکم ایْنَ ما کنتم»(۳) آشـنایی داد و گفت مرگی در کار نیست که مرگ خود مخلوق(۴) است و آغاز دویدن هاست.(۵)

سودای سـر بالا را در انسان شـعله ور کرد که از حقارت های زمینی تا ارتفاع (رسـیدن به) خدا رشد کرد، چنان که در زیارت رسول صلی الله علیه وآله از بعید می خوانیم: «حتی رفعتَ به نواظر العباد و أَحییتَ به میت البلاد»؛

خـدایا! تو بـا رسول اللَّه به آدم ها، با رفعت نظر داری و سـرزمین های مرده را با او زنـده کردی، همان آرمانی که در سـلام بر امام زمان علیه السلام آمده است: «السلام علی ربیع الانام»؛(۶)

ص:۶۰

۱- ۱۴۴. مجله ی کانون خانواده، ش ۱۵۱، ص ۵۱.

۲- ۱۴۵. همان، شماره ۱۷۸، خرداد ماه ۱۳۸۶.

۳- ۱۴۶. سوره حدید، آیه ۴.

۴- ۱۴۷. سوره ملک، آیه ۲.

۵- ۱۴۸. قطعه ای از شعر استاد صفایی حائری رحمه الله.

۶- ۱۴۹. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۲.

سلام بر تو ای بهار مردمان، بهار انسان!

آری!

این شعله خاموش شدنی نیست.

او قوانینی آورد که دانش آن در حیطه آگاهی آدمی نبود؛ «علمک ما لم تکن تعلم».(۱)

زیرا که احکام و قواعدش همه بر اندازه ها و اقدار هستی بنا شده و این است حقوق اسلامی مترقی ترین حقوق است. زیرا در این بینش حق براساس حدّ و حدّ از قدر و اندازه هایی سرچشمه گرفته که مُقدّر آن خداوند هستی است.(۲)

با این که خدا به جان او قسم یاد کرد(۳) و اگر او نبود هستی به پا نمی شد(۴) و جبرئیل به او اقتدا نمود(۵) و حتی سجده ملائکه بر آدم به خاطر آنان بود، اما چنان در عبادت خود را به سختی انداخت که خداوند به او مشفقانه یادآوری کرد، قرآن را نفرستادیم که این قدر خود را به رنج دچار کنی.(۶)

آنقدر پی در پی روزه می گرفت که مردم می گفتند، دیگر افطار نخواهد کرد و سپس مدتی افطار می کرد که خیال می کردند روزه

۱- ۱۵۰. سوره نساء، آیه ۱۱۳ و سوره بقره، آیه ۲۳۹.

۲- ۱۵۱. سوره طلاق، آیه ۳؛ سوره قمر، آیه ۴۹ و از معرفت دینی تا حکومتی دینی، استاد علی صفایی حائری، صص ۱۵۱ - ۱۴۹.

۳- ۱۵۲. سوره حجر، آیه ۷۲.

۴- ۱۵۳. لولاک لما خلقت الا فلاک.

۵- ۱۵۴. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۴۰۴.

۶- ۱۵۵. سوره طه، آیه ۲.

نخواهد گرفت، نماز شب را به یک مرتبه نمی خواند و بخش بخش می نمود.

به او گفتند: چرا نماز شب را یک مرحله نمی خوانی؟!

می فرمود: نمی خواهم لذت خواب را به چشمانم بچشانم!

چنان بر مردم دل سوزاند که خداوند فرمود: داری خودت را دق مرگ می کنی از این که ایمان نمی آورند.(۱)

آن هم مردمی که به او بی احترامی نمودند تا جایی که خون از پیشانی اش سرازیر شد، ولی مراقبت می کرد مبادا خون بر زمین بریزد و هنگامی که خدیجه علیها السلام از او پرسید: «بابی انت و امی» به چه سبب نمی گذاری خون بر زمین برسد؟

فرمود: مبادا این خون موجب خشم خدا بر اهل زمین گردد.(۲)

چنان متواضعانه عبادت می کرد که اُمّ سلمه گوید: شبی او را در تاریکی دیدم که می گریست و می گفت: «الهی لاتنزع عنّی صالح ما اعطیتنی ابداً و لا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابدا و تشمت بی عدواً و لاحاسداً و لاتردّنی فی سوءٍ استنفذتنی منه ابداً»؛

هنگامی که گفتم: شما با این جلالت و مقام، چنین می گویید؟

پاسخ داد: چرا نگویم که خداوند یونس را یک لحظه بر خود واگذاشت و چنان شد که شد(۳) و چگونه با قناعت زیست که فرمود: می خواهم روزی سیر

۱- ۱۵۶. سوره شعراء، آیه ۳ و سوره کهف، آیه ۶.

۲- ۱۵۷. معارف و معاریف، ج ۹، ص ۱۸۷.

۳- ۱۵۸. خاندان وحی، استاد سیدعلی اکبر قریشی، ص ۴۲ به نقل از تفسیر برهان، ج ۳، ص ۶۸.

باشم و سپاسگزار و روزی گرسنه و لطف خدا را خواستار، دعای ندبه در واقع به بیان اصالت مهدویت و رابطه اش را با رسول اللَّه صلی الله علیه وآله و اخلاق و عظمت و علم او نشان می دهد تا جایگاه اصیل امام موعودصلی الله علیه وآله روشن گردد.

اجر مودّت آل البیت علیهم السلام

«ثم جعلت اجر محمدصلی الله علیه وآله مودّتهم فی کتابک... ».

با سیری کوتاه به عظمتی دیگر در شخصیت پیامبرصلی الله علیه وآله می رسیم که با همه رنج هایش فرمود: «ما اوذی نبیٌ بمثل مـا اُوذیتُ»؛ اما اجری نمی خواهـد جز مودّت اهل البیت علیهم السـلام؛ مودّت، محبتی است همراه تمنّا و خواسـتن(۱) و شگفتا که فایـده این اجر نیز به خود انسان ها می رسـد «ما سـئلتکم من اجر فهو لکم» زیرا به سـعادت دوسـتداران می انجامد. چرا که انتخابی مطابق با شأن انسانی خود داشته است.

الّا مَنْ شاءَ اتخذ الی ربه سبیلاً؛

اوّلاً) تردیـدی نیست که منظور از قربی اهـل بیت علیهم السـلام و نزدیکـان و خاصّان پیامبرنـد؛ زیرا در کتاب های اهل سـنت چون:

فضائل الصحابه؛

مستدرک الصحیحین؛

سیوطی در درّ المنثور؛

تفسیر طبرسی؛

ص:۶۳

۱- ۱۵۹. التحقیق، ج ۱۳، ص ۱۴.

شواهد التنزیل حاکم حسکانی و در برخی موارد حتی نام علی علیه السلام و فاطمه و ابناهما را آورده اند(۱) و آثاری که بر حبّ آل محمدصلی الله علیه وآله مترتب شده، براساس روایت چنین فهرست نموده اند که هر کس بر حبّ آل محمّدعلیهم السلام بمیرد، شهید، مغفور، توبه کار با ایمان کامل، با بشارت مثبت، مزار شدن قبر او برای فرشتگان و مرگی براساس سنّت است و اعتراف نموده اند، هر کس با بغض آنان بمیرد، روز قیامت مأیوس از رحمت خدا، کافر و بوی بهشت را نمی شنود.(۲)

ثانیاً) روشن است که این حبّ، چگونه در سلوک تربیتی مؤمن اثر می گذارد، زیرا قلب، جای اشتیاق است و شوق، اعضاء و جوارح را به کار می گیرد و به حرکت وا می دارد.

پس محبّت داشتن به خوب ها و خوبی ها، بی تردید کار تربیتی را آسان نموده و به نتیجه می رساند، چنان که عکس آن صحیح است و رها نمودن اندیشه در گناه، منجرّ به اشتیاق و در نهایت به گناه می کشاند، امام باقرعلیه السلام فرمود: «من کثر فکره فی المعصیه دعته الیها».(۳)

امّا آنچه در این مودّت دنبال می شود، همانا انتخاب و اتخاذ راه است، این گونه نکته ها در دعای ندبه نشانه دیگری بر حقیقت این دعای عظیم الشأن است، زیرا با دیگر معارف دین، یعنی کتاب و سنت هماهنگ است، در واقع هدف دین در طرح اندیشه متعالی و محبّت

۱- ۱۶۰. تفسیر نمونه، ج ۲۰، صص ۴۱۸ - ۴۱۰.

۲- ۱۶۱. همان، ص ۴۱۴ - ۴۱۳.

۳- ۱۶۲. میزان الحکمه، مادّه فکر، ج ۷، ص ۵۴۴.

اسوه ها این است که زمینه را برای انتخاب یکی از دو راه «وَهَدَیْناهُ النَّجْدَیْنِ»(۱) آماده کند.

«انا هدیناه السبیل اما شاکراً واما کفوراً»؛(۲) مقصد فقط یک انتخاب است. فقط همین!

به همین دلیل است که قرآن می گوید: «لاکراه فی الدین»(۳) و به پیامبرصلی الله علیه وآله می گوید: تو بر آنها مسلّط نیستی(۴) وکیل آنها هم نمی باشی(۵) و گاه می گوید: رهایشان کن.(۶)

با این بینش این شبهه نیز پاسخ می یابد که برخی می گویند: پس چرا جبهه دین که حقیقت است، همیشه شکست خورده و در انزوا و تبعید قرار گرفته؟ پاسخ این است اگر مقصد رسالت و هدف حکومت دینی، تسلّط، قدرت، اصلاح و تحول آدم ها می بود، شکست را پذیرفتیم که با این اهداف، دین دچار تزلزل و بدعت و انحراف شد، اما اگر هدف، ایجاد زمینه تحوّل و امکان انتخاب و اتخاذ باشد، انبیاء و اولیاء دین، موفق بوده اند، چون دو راه حقّ و باطل، خوبی و بدی را مشخص کرده و امکان انتخاب و راه سلوک را فراهم نموده اند.(۷)

مقام امام علی علیه السلام و مناقب او و تحلیل مقصد امامت و ولایت

اشاره

فکانوا هم السبیل الیک و المسلک الی رضوانک؛ پس اهل بیت

۱- ۱۶۳. سوره بلد، آیه ۱۰.

۲- ۱۶۴. سوره انسان، آیه ۳.

۳- ۱۶۵. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۴- ۱۶۶. سوره غاشیه، آیه ۲۲.

۵- ۱۶۷. سوره ی انعام، آیه ی ۶.

۶- ۱۶۸. سوره انعام، آیه ۹۱.

۷- ۱۶۹. از معرفت دینی تا حکومت دینی، صص ۱۰۰ - ۹۹.

پیامبرصلی الله علیه وآله، راه به سوی خدایند و رشته ای که به سوی رضوان و خشنودی خداست، «و رضوان من اللَّه اکبر»(۱) و این مقام رضوان چه مقامی است که بعد از توصیف بهشت که می فرماید: «وعد اللَّه المؤمنین و المؤمنات جنات تجری من تحت ها الانهار خالدین فیها و مساکن طیبه فی جنات عدن»؛ سپس افق وعده را بالاتر می برد و می فرماید: «و رضوان من اللَّه اکبر ذلک هو الفوز العظیم» و حال آن که همان جنّات عدن چیزی است که فوق توصیف است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید: عدن آن خانه ها پروردگار است که «لم ترها عین و لم یخطر علی قلب بشر» یعنی هیچ چشمی آن را ندیده و بر قلب بشر خطور نکرده «لا یسکنها غیر ثلاثه النبیین و الصدّیقین و الشهداءِ» و تنها سه گروه در آن ساکن می شوند، پیامبران، صدیقین و شهداء(۲) و بعد از این در روایتی از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله به توضیحی روشن تر می رسیم که می فرماید: هر کس دوست دارد که حیاتش همچون زندگی من و مرگش نیز مانند من بوده باشد و در بهشتی که خداوند به من وعده داده در جنّات عدن ساکن شود «فلیوال علی بن ابیطالب علیه السلام و ذریته علیهم السلام من بعده» پس باید ولایت و دوستی علی و فرزندانش را به عهده گیرد.(۳)

با این توصیف شکوهمند می بینیم، رضوان خداوند بزرگ تر

ص:۶۶

۱- ۱۷۰. سوره توبه، آیه ۷۲.
۲- ۱۷۱. تفسیر مجمع البیان و تفسیر نمونه، ج ۸، صص ۷۲ - ۷۱.
۳- ۱۷۲. همان، ص ۳۹.

توصیف می شود که این مقصد با رشته ولایت و محبّت اهل بیت علیهم السلام به نتیجه می رسد، زیرا آنان برای خود جز تسلیم و رضایت خدا را نخواستند و به همین سبب، مسیر و رشته ارتباط به سوی خشنودی حق شده اند، چنان که امام صادق علیه السلام فرموده اند: خدا رحمت کند ابوذر را که مریض را بر سلامتی و فقر را بر دارایی ترجیح می داده، اما ما آنچه را خدا بخواهد، می خواهیم.

و رضوان خدا چیست؟ رضوان چیزی جز، بهره مندی های متعالی، عشق و انس با خداوند نیست که مزاج خاصّی را می طلبد، چنان که در دعای امام سجادعلیه السلام آمده است: «اللهم اجعلنا من الذین ترسّخت اشجار الشوق فی حدائق صدورهم»؛(۱)

خدایا! مرا از کسانی قرار بده که درخت های شوق در باغ های سینه هاشان ریشه دوانده و سوز محبّت تو سراسر دل هاشان را فرا گرفته، کسانی که می گویند: «الهی من ذا الذی ذاق حلاوه محبتک فرام منک بدلاً» کیست که شیرینی محبت تو را بچشد، آنگاه بدلی غیر تو را بخواهد.(۲)

«فلمّا انقضت ایامه اقامه ولیّهَ علیَ بن ابی طالب صلواتک علیهما و آلهما هادیاً»؛ هنگامی زمان مأموریت پیامبرصلی الله علیه وآله پایان یافت، پس علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان هدایت گر کشتی اُمت قرار داد.

زیرا پیامبرصلی الله علیه وآله انذار دهنده بود و برای هر قومی، هدایت گری هست

۱- ۱۷۳. مناجات خمس عشره، مناجات عارفین، مفاتیح الجنان.

۲- ۱۷۴. مفاتیح الجنان، مناجات محبین.

(یعنی باید بعد از خودش کسی را برای امت تعیین می کرد.)

پس در حالی که نخبگان (مَلَاءُ(۱)) حضور داشتند، چنین اتمام حجت نمود؛ «من کنت مولاه فَعلیٌ مولاه...»(۲) تا آنجا که می فرماید: «ثُمَّ أَودَعه علمه و حکمته، فقال انا مدینه العلم و علیٌ بابها، فمن اراد المدینه و الحکمهَ فلیأتها من بابها»؛ یعنی گذشته از فضیلت هایی، چون شجره واحده بودن علی و پیامبر و وزارت، چون هارون برای موسی، و ازدواج با دختر بزرگوار پیامبرصلی الله علیه وآله که سیّده همه زن های عالم است و بستن همه درها به مسجد، غیر از در خانه علی علیه السلام که بسته نشد، علی علیه السلام میراث دار دانش رسول اللّه است و از اینجاست که حتی از پیوند جسمانی یکدیگر سخن می گوید: «لحمک من لحمی و دمک من دمی»(۳) و سپس مشروعیت راه شیعیان علی علیه السلام ریشه می گیرد «و شیعتک علی منابر من نور...»؛ درباره عظمت شیعه، احادیث زیادی

۱- ۱۷۵. ملاء آنها که چشم پرکن هستند.
۲- ۱۷۶. واقعیت این است که جریان غدیر آن قدر ثابت و مبرهن است که کسی نمی تواند در آن خدشه کند. زیرا در حدود ۱۹ تفسیر از اهل سنّت ذیل آیه مربوطه، اعتراف به جریان غدیر کرده اند و مرحوم علامه امینی، ۳۰ سند در الغدیر، ج ۱۰، ص ۲۱۴ نقل نموده است.
۳- ۱۷۷. علی علیه السلام می فرماید: پیامبرصلی الله علیه وآله مرا در دامن خویش نهاد و من کودک بودم که همچون فرزند مرا در آغوش می فشرد «و کان یمضغ الشی ثُم یلقمنیه» غذا را می جوید و در دهانم می گذاشت. «نهج البلاغه، خ ۱۹۲» و در پیوند روحی پیامبرصلی الله علیه وآله فرموده اند: علیٌ نفسی، علیٌ منی، علیٌ بمنزله رأسی؛ «هزار حدیث در فضائل امیرالمؤمنین، علی رضا صابری، صص ۱۹۴ - ۱۹۰ به نقل از منابع اهل سنت، کنزل العمال، احقاق الحق».

هست که به دو مورد آن اکتفا می شود:

امام رضاعلیه السلام از پدران خود نقل می کند که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«اَنَا وَ هذا، یَوْمَ الْقِیامَهِ کَهاتَیْنِ، وَ ضم بین اصبعیه شِیعَتُنا مَعَنا»؛(۱)

من و علی علیه السلام در روز قیامت، مثل این دو انگشت به هم پیوسته هستیم و شیعیانمان با ما هستند.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: تُوضَعُ یَوْمَ الْقِیامَهِ مَنابِرُ حَوْلَ الْعَرْشِ لِشِیعَتی وَ شِیعَهِ اَهْلِ بَیْتِیَ الْمُخْلِصِینَ فِی وَلایَتِنا...؛(۲) در روز قیامت، منبرهایی در اطراف عرش برای شیعیانم و شیعیان اهل بیت من که درباره ولایت ما اخلاص دارند، نهاده می شود و خداوند به آنها می فرماید: ای بندگانم، بیایید تا کرامتم را بر شما سرازیر کن، شما در دنیا مورد آزار قرار گرفتید.

تا جایی که علی علیه السلام معیار شناخت ایمان و کفر، مؤمن و منافق می گردد، «و لولا انت یا علیّ لم یُعرف المؤمنون بعدی» و رسول اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید: «یا علی حبک ایمان و بغضک کفر» و در روایات اهل سنّت آمده است که پیامبرصلی الله علیه وآله نقل فرمودند: «لایُبغضک مؤمن و لا یحبّک منافق»؛(۳) حتّی پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله علی علیه السلام را بعنوان تقسیم کننده بهشت و جهنّم معرّفی می کند.

چیزی که مهمّ است، علم و دانش امام علیه السلام است، امام مبین در قرآن(۴) از

۱- ۱۷۸. عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۵۸.

۲- ۱۷۹. عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۶۰.

۳- ۱۸۰. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۰۳ از کنزالعمال، ح ۳۲۸۷۸.

۴- ۱۸۱. سوره یس، آیه ۱۲.

ناحیه رسول اکرم صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام تأویل شده و هموست که نور وحی و رسالت را می بیند، رایحه نبوّت را استشمام می کند،(۱) پیامبرصلی الله علیه وآله علم خود را در هنگام وفات به علی علیه السلام منتقل نموده و هزاران باب علم بر امام علیه السلام گشوده گردیده است(۲) و پرندگان تیز پرواز به ستیغ قلّه بلند علم او دست نمی یابند(۳) و تا به آنجا می رسد که می فرماید: «لو کشف الغطا ما زدت یقیناً».(۴)

تنها اوست که می تواند بگوید: «سلونی قبل ان تفقدونی»؛ زیرا که راه های آسمانی را بهتر از زمین می شناسد.(۵)

می فرماید: به خدا سوگند اگر بخواهم می توانم هر کدام شما را از آغاز تا پایان کارش و از تمام اوضاع زندگی اش آگاه کنم، اما می ترسم به رسول خدا کافر شوید. آگاه باشید من این اسرار را به افرادی خاصی که مورد اطمینان اند، خواهم سپرد.(۶)

اوست که دنیا را تحقیر می کند: «إنّا الّذی أَهنت الدنیا».(۷)

اوست که دنیا را با صورت به زمین زده است.(۸)

او آن چنان بر کتاب خدا آگاه است که به انضمام دو آیه، اقلّ حمل

۱- ۱۸۲. نهج البلاغه، خ ۱۹۲.

۲- ۱۸۳. بحارالانوار، ج ۲۶ - ۲۲، ص ۵۰۷؛ الحکم الزاهره، ج ۱، ص ۸۳.

۳- ۱۸۴. نهج البلاغه، خ ۳.

۴- ۱۸۵. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۲۰۳ و غررالحکم، ص ۶۰۳ و الحکم الزاهره.

۵- ۱۸۶. نهج البلاغه، خ ۱۸۹.

۶- ۱۸۷. نهج البلاغه، خ ۱۷۵.

۷- ۱۸۸. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۱۶.

۸- ۱۸۹. همان، ص ۲۱۶.

(۶ ماه) را نشان می دهـد و زنی را از سـنگسار می رهاند(۱) و بـاعث می شود خلیفه ۷۰ بار بگویـد: اگر علی نبود، هلاک می شدم.(۲)

چه بهتر که با این کلام از ابن ابی الحدید این بخش را مزین کنیم که می گوید: فضایل علی علیه السلام در آن حدّ از عظمت و شـموخ شـهرت است که نویسـنده و گوینده در برابر آن، خود را ضـعیف، زبون و شرمسار می بیند، چه بگویم درباره مردی که دشمنانش به فضایل او اعتراف نموده و در عین دشمنی، نتوانستند آن را پنهان کنند.(۳)

امـا ویژگی مشترکی که علی علیه السـلام گشاینـده این باب است و می توانـد اصـیل ترین شاخصه امامت باشـد، همان کلامی است که رسول اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید: من بر تنزیل قرآن جنگیدم و علی بر تأویل آن می جنگد.(۴)

تأویل، تعبیر احکام و باز گرداندن سـخن ها به اصول آن است، او دارای قدرت و وسـعتی است که می تواند اصالت را در متن دین نشان دهد.

پیامبرصلی الله علیه وآله می فرماید: «علی باب علمی و مبیّن لِاُمّتی»؛(۵)

علی علیه السلام در علم من و تبیین کننده برای امت من است؛ با بررسی و توجّه، می بینیم وحدتی آشکار بین ولایت علی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام می باشد، آنجا که می گوییم: «السلام علیک حین تقرء و تبیّن».(۶)

مقام رفیع امامت، دارای مقاصد و اهداف مهمّی است که عبارتند از:

۱- ۱۹۰. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۶.

۲- ۱۹۱. تاریخ الخلفاء سیوطی.

۳- ۱۹۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، مقدمه.

۴- ۱۹۳. شرح ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۰۷.

۵- ۱۹۴. الحکم الزاهره، ج ۲، ص ۱۰۱ به نقل از الغدیر، ج ۳، ص ۹۶.

۶- ۱۹۵. زیارت آل یاسین.

۱. تبین و تفسیر دین؛

۲. هدایت و جهت دادن به سوی خداوند؛

۳. تربیت باطنی (هدایت بالامر)؛

۴. اقامه حقّ؛

۵. انقلاب در انسان و عقلانیت؛

۶. ناب ترین خاصیت امامت تضمین حیات ابدی و راه بی نهایت انسان است؛

الف) تبیین و تفسیر دین

در تبیین و تفسیر دین یا همان تاویل که رجوع به اصل و پرده برداری از رموزات می باشد، ما نمونه شگفتی داریم که ائمه علیهم السلام معارف و احکام دین را روشن می کنند، کاری که هرگز از مکتب خلافت ساخته نیست.

۱. ما می بینیم که چگونه علی علیه السلام از ترکیب دو آیه حولین کاملین و حمله و فصاله ثلاثون شهراً، یعنی مادران دو سال فرزندان را شیر دهند و دوران حمل و جدا کردن از شیر را ۳۰ ماه اعلام می کند، اقلّ حمل را نشان می دهد و زنی بی گناه را از تهمت زنا می رهاند(۱) و در روایات اهل سنّت آمده که اگر علی علیه السلام حکم مسلمانان باغی را نمی گفت، نمی دانستیم چه باید کرد، حکمی که امام علیه السلام از غنیمت گرفتن لشکر عایشه منع نمود.

۱- ۱۹۶. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۶ آیات: سوره بقره، آیه ۲۳۳، سوره احقاف، آیه ۱۵.

۲. در توضیح آیه «سنستدرجهم من حیث لا یعلمون» آنان را از جایی که نمی دانند به تدریج مواخذه می کنیم(۱)...، امام صادق علیه السلام با سه تعبیر زیبا چنین می فرماید: «هو العبد یذنب الذنب فیجدّد له النعمه معه تلهیه تلک النعمه عن الاستغفار من ذلک الذّنب»؛ این حالتی است که بنده گناه می کند و خدا مجدداً به او نعمت می دهد و او استغفار را رها کرده و فراموش می کند و زمینه عذابش آماده می گردد.(۲)

۳. زراره می گوید: به حضرت امام باقرعلیه السلام عرض نمودم: به من خبر نمی دهید که از کجا دانستید، مسح سر به قسمتی از آن و مسح پا نیز چنین است؟!

امام علیه السلام فرمود: «قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله و نزل به الکتاب من اللَّه عزّوجّل... فعرفنا حین قال: برؤوسکم، ان المسح ببعض الرأس لمکان الباء...».(۳)

با توجّه به مباحثی که مطرح شد به این نتیجه می رسیم که هم اکنون نیز این سلسله نورانی در امام مهدی علیه السلام تجسّم یافته آنجا که می گوییم: «السلام علیک حین تقرء و تبین».(۴)

ب) هدایت و جهت دادن به سوی خداوند

گفتار و رفتار و مناجات های ائمه اطهارعلیهم السلام، پیوسته آدمی را از ظاهر هستی به سوی خداوند می کشاند و نام او را در دل ها، بزرگ

۱- ۱۹۷. سوره اعراف، آیه ۱۸۲.

۲- ۱۹۸. الکافی، ج ۲، ص ۴۵۲.

۳- ۱۹۹. وسائل الشیعه، ج ۱، صص ۲۹۱ - ۲۹۰.

۴- ۲۰۰. مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

می کند تا دیگران حقیر و کوچک باشند و انسان راه تعالی را به سادگی بپیماید، دعوتی با بصیرت کامل، چنان که ثقل اکبر رهنمود داده بود.(۱)

علی علیه السلام در غوغای بیعت فرمود: «دعونی و التمسوا غیری...» مرا رها کنید و غیر مرا بجویید، هدف من و شما یکی نیست، من شما را برای خدا می خواهم و شما مرا برای خود (هدف های شخصی) می خواهید.(۲)

ج) تربیت باطنی (هدایت بالامر)

هربرت اسپنسر گفته است: بزرگ ترین آرمان نیکان، این است که در آدم سازی شرکت کنند؛ یعنی مکتب صالح سازی بیاورند.(۳)

تربیت باطنی همان هدایت بالامر است که با هدایت عمومی و تشریعی متفاوت است، یعنی افرادی که قابلیت و زمینه های خوبی دارند به وسیله جذبه و محبّت ائمه علیهم السلام به هدایت می رسند، علامه طباطبایی رحمه الله درباره آیه مربوطه «جعلناهم ائمهً یهدون بامرنا»(۴) می نویسد: چنان که امام علیه السلام وظیفه راهنمایی صوری مردم را به عهده دارد، همچنان ولایت و رهبری باطنی اعمال آنان را برعهده دارد و اوست که حیات معنوی مردم را تنظیم می کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می دهد.(۵)

۱- ۲۰۱. سوره یوسف، آیه ۱۰۸؛ سوره مدثر، آیات ۴ – ۳.

۲- ۲۰۲. نهج البلاغه، خ ۱۳۶، قصه هایی چون ابوهاشم جعفری و امام هادی علیه السلام رهنمود خوبی هستند.

۳- ۲۰۳. نهضت حسینی، شهید مطهری، ج ۳، ص ۷۶.

۴- ۲۰۴. سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۵- ۲۰۵. شیعه در اسلام، ص ۱۵۲.

امام علیه السلام می فرماید: ما اهل بیت، آن روح را به وسیله اطاعت و عمل برای خدا تأیید می کنیم.(۱) نمونه های زیادی در تاریخ گذشته و عصر ائمه علیهم السلام و در زمان حاضر موجود است که به وسیله اهل بیت علیهم السلام (از رسول اللّه صلی الله علیه وآله گرفته تا امام موعودعلیه السلام) به اسلام و ایمان راه یافته اند. (کتاب هایی چون اثبات الهداه، معجزات و کرامات ائمه علیهم السلام را در گذشته گزارش کرده و هم اکنون، کتاب های زیادی این موضوع را بازگو نموده و در جراید هر روزه به چشم می خورند. خانمی به نام سیلویا که نام هاجر را برای خود برگزیده و می گوید: آنچه مرا بر اسلام پایدار ساخت، خواندن زندگی مردی به نام حسین بن علی علیه السلام است، به نظر من کسی که زندگی حسین علیه السلام را بخواند، دیگر گمراه نمی شود، درست همان گونه که اگر کسی شنا یاد بگیرد، دیگر غرق نمی شود.(۲)

د) اقامه حقّ

اقامه حقّ که در شکل برقراری عدالت، محدود نمی شود، بلکه هدف برپایی تمامی سنّت های حاکم بر هستی، سنّت هایی که قابل تغییر و تحول نیستند،می باشد، این مقصد جز با حکومت آنان میسّر نمی گیرد، البته شیعیان در دوران غیبت امام علیه السلام نیز مُهْمَل و رها گذاشته نمی شوند و فلسفه سیاسی و حکومتی تشیع، ولایت را به نایبان عام می سپارد تا زمینه ساز حکومت امام موعودعلیه السلام گردند.

۱- ۲۰۶. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶۹، در توضیح أَیَّدهُم بروح منه {مجادله، ۲۲}.

۲- ۲۰۷. روزنامه جام جم.

ه) انقلاب در انسان و عقلانیّت

انقلاب در انسان، مقصد و آرمانی است که برتری دین و رهبری آن را بر دیگر عقاید و ایدئولوژی ها و همه مکاتب فلسفی سیاسی معاصر نشان می دهد، تاکنون، انقلاب های غیردینی، محتوایی جز تحول در امکانات اقتصادی و دانش مادّی به همراه نداشته اند، اما پیامبران، ثوره و انقلاب را در انسان و عقل او متمرکز کرده اند، امام علی علیه السلام در توصیف این آرمان می فرماید: «و یثیروا لهم دفائن العقول»؛ پیامبران در گنجینه عقل ها انقلاب می کنند.(۱) آن گرامیان در قوت ارزیابی و سنجش انسان ها، تحول و ثوره ایجاد نموده و آدمی را از اهداف پست و حقیر و منازعات خونین و تجاوزگرانه نجات داده و به مقاصد عالی که هماهنگ شأن آدمی است، رهنمون نموده اند.

آیا این همان وحدت آرمان انبیاء و ائمه علیهم السلام با کار سترگ و فوق العاده امام موعودعلیه السلام نیست که با نوازشی مهرآمیز، عقل آدمی را سرشار می کند و در بالاترین قله کمال می نشاند؟

هنگامی که قائم ما برخیزد، دستش را بر سر بندگان گذارده و عقل آنان را به کمال می رساند و اخلاق شان را کامل می کند.(۲)

در ادامه دعا به فضیلت های امام علی علیه السلام پرداخته می شود که هر کدام قابل تأمّل است، «و کان بعده هدی من الضّلال» بعد از رسول

۱- ۲۰۸. نهج البلاغه، خ ۱.

۲- ۲۰۹. منتخب الاثر، آیهاللّه صافی گلپایگانی، ص ۶۰۷.

اکرم صلی الله علیه وآله او پرچم هدایت بود که انحرافات را نشان می داد و نوری بود که رشته محکم خداوند و صراط مستقیم بود و هماهنگ و همانند رسول اللَّه صلی الله علیه وآله (در طی طریق حق) که درود خداوند بر هر دو آنان باد... سپس دعا به مجاهدات علی علیه السلام می پردازد که چگونه پهلوانان (مخالف اسلام و ستمکار) را به خاک ذلّت نشاند و کینه های بدر و خیبر و جنگ های دیگر در دل آنان شعله کشید(۱) که باعث طرد و مخالفت با امام علیه السلام می شود، (منابذته) تا این که ناکثین (عهدشکنان، طلحه و زبیر) و قاسطین (نافرمانان، معاویه و عمر و عاص لعنه اللَّه علیهم) و مارقین (منحرفان بر اثر جهل یا خوارج) برابر او صف آرایی می کنند و مظلومیت امام علیه السلام در مقایسه با جنگ های رسول اکرم صلی الله علیه وآله دو تفاوت دارد:

۱. جنگ رسول اکرم صلی الله علیه وآله با کفّار بود و این ها به ظاهر مسلمان بودند؛

۲. جنگ های پیامبرصلی الله علیه وآله غنیمت داشتند و این جنگ ها غنیمتی نداشتند.

چنین است که در نهایت «و قتله اشقی الاخرین یَتْبع اشقی الاوّلین» او را در محراب به خون می نشاند(۲) و می بینیم که امر رسول اللَّه صلی الله علیه وآله به

۱- ۲۱۰. حضرت فاطمه علیها السلام: ولاکنها احقاد بدریه و وتراث احدیه کانت علیها قلوب النفاق مکتمنه و خود امام علی علیه السلام می فرماید: من در دوران جوانی بزرگان و شجاعان عرب را به خاک افکندم و پهلوان های ربیعه و مضر را در هم شکستم. {نهج البلاغه، خ ۱۹۳} و در روز عاشورا علت کشتن امام حسین علیه السلام را بغض پدرش عنوان کردند و روزی پیامبر گریه کرد و فرمود: ای علی! برای کینه هایی که در سینه مردم پنهان شده و بعد از من آشکار می شود، می گریم. (بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۴ و ۵ به نقل از چشمه در بستر).

۲- ۲۱۱. این اشقی الاخرین ابن ملجم {لعنه اللَّه} است واشقی الاولین باید پی کننده ناقه صالح علیه السلام باشد، امّا ابن ملجم به این صفت توصیف شده، چون امامی را کشت و به دست امام علیه السلام؛ یعنی امام حسن علیه السلام کشته شد.

محبّت خانواده اش، هرگز پاسخ داده نمی شود، بلکه به فرموده امام سجادعلیه السلام اگر خداوند دستور به آزار داده بود، بیش از این نمی توانستند آزار دهند. پس این خانواده الهی دچار قتل، اسارت و تبعید می گردند و قضا یا جریان تاریخ برای آنان جزای جزیل را رقم می زند که عاقبت از آنِ پرهیزکاران و پارسایان است «و العاقبه للمتقین» و صالحان وارثان زمین خواهند شد و این وعده ای است که در آن تخلّف نخواهد شد؛ زیرا این یک سنت ثابت و حقّ است.

به راستی در جامعه سه دست بیشتر نیستند و سه فرجام خواهند داشت: مؤمن پارسا که هماهنگ با قانونمندی عالم است، به فلاح و رویش دست می یابد، کافر که ناهماهنگ با نظم هستی است، به هلاکت می رسد و منافق که بازیگر و مذبذب است، بازیچه می شود، یعنی یا مؤمن از او سود می برد یا کافر او را بازی می دهد.(۱)

این همان وعده ای است که در قرآن می خوانیم: «وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»(۲) و تأویل آیه نیز همانا عصر امام زمان علیه السلام است، چرا که مصداق کامل «مستضعفین» آل البیت علیهم السلام می باشند که در حدیث آمده، این گروه آل محمدصلی الله علیه وآله هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که

۱- ۲۱۲. درس هایی از انقلاب، استاد علی صفایی حائری.

۲- ۲۱۳. سوره قصص، آیه ۵.

بر آنان وارد می شود، برمی انگیزد و به آنان عزّت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند.(۱)

شگفتا که این حرکت مهم بـا نـدبه، گریه و اقـامه عزای آن گرامیـان، رابطه ای ناگسسـتنی دارد که بعـد از یـادآوری پیروزی نهـایی «إِن کانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولًا» می فرمایـد: «فعلی الاطائب من اهل بیت محمـد و علی صـلی الله علیه وآله فلیبک الباکون و ایـاهم فلیَنـدبِ النادبون»؛ پس بر پاکان از اهل بیت محمـد و علی علیهم السـلام که درود خداونـد بر آنان و آل شان باد، گریه کنندگان بگریند و ندبه کنند... .

در ایـــن فراز از لزوم گریه(۲)، نـدبه و شـیون، سـخن به میـان آمـده، «فلتـذرف الـدموع و لیَصـرخ الصـارخون» (فریاد، کمک خواستن) ضجّه (فریاد کشیدن)، از امر به گریه معلوم می شود «فلیبک» اقامه عزای ائمه علیهم السلام چه تأثیر مهمّی دارد که ما می بینیم، پیامبرصـلی الله علیه وآله خود بر کودکش می گرید و امر به گریه برای حمزه شـهید می نماید و فاطمه علیها السـلام گریه را افشـا می کنـد، امام شـهدا، کشـته اشک و «قتیل العبرات» نام می گیرد و امام باقرعلیه السـلام امر به اقامه عزا برای خود می نماید و امام رضاعلیه السلام هنگام حرکت از مدینه، فضایی را برای گریه ایجاد می کند.

این یک گریه عاطفی از یک غم فردی نیست، امام خمینی رحمه الله در این

۱- ۲۱۴. تفسیر نمونه، ج ۱۶ به نقل از غیبت شیخ طوسی، ص ۱۸۴ و در حـدیث دیگری از شـیعیان نیز نام برده شـده است. {مجمع البیان، ذیل آیه مورد بحث}.

۲- ۲۱۵. در اهمیت اشک و گریه به باب بکاء اصول کافی، ج ۴ مراجعه کنید.

موضوع، چنین می فرماید:

این مراسم یک جلسه دعای ساده نیست؛ چرا که ادب دعا آهسته نجوا کردن است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در مرور به افرادی که هنگام دعا زیاد فریاد می کردند، عتاب نمود که شما شخص کری را نمی خوانید و نه فردی را که پنهان و دور از شما باشد «و انّما تدعون سمیعاً قریباً»؛ شما کسی را می خوانید که شنوا و نزدیک است.

شما را چه شده است آن که می خوانیدش نزدیک است.(۱)

پیامبرصلی الله علیه وآله می فرماید: «خیر الدعا الخفی و خیرالرزق ما یکفی».

و) ناب ترین خاصیت امامت تضمین حیات ابدی و راه بی نهایت انسان است:

یونس بن عبدالرحمن می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پیروی من از شما و معرفتی که خدا نسبت به حقّ شما دارم از همه زندگی دنیا برایم بالاتر است! ناگهان در چهره امام علیه السلام خشم را مشاهده کردم و فرمود: ای یونس! اشتباه مقایسه کردی. دنیا و آنچه در آن است چیزی جز رفع گرسنگی و پوشاندن خویش (نیازهای مادّی) نیست و حال آنکه تو با محبّت ما به زندگی جاودانه و بی نهایت می رسی.

«وأنت لک بمحبتنا الحیاه الدائمه»؛(۲) آری! اگر حتی اندیشه های سیاسی اجتماعی بتواند حیات فردی و اجتماعی را ساماندهی کند، برای حیات ابدی و بی نهایت آدمی حرفی ندارد.

ص:۸۰

۱- ۲۱۶. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۸۱ به نقل از تفسیر مجمع البیان ذیل آیه ۶۳ انعام.

۲- ۲۱۷. تحف العقول، چاپ اسلامیه، ص ۴۰۱.

آثار اقامه عزا ائمه اطهارعلیهم السلام

اقامه عزای ائمه علیهم السلام به اقامه امر آنان می انجامد، زیرا:

۱. باعث پیوند قلبی و اجتماعی شیعیان و منتظران می شود؛

چنان که امام موعودعلیه السلام فرمودند: «و لو ان اشیاعنا علی اجتماع من القلوب لما تاخر عنهم الیمن بلقائنا»؛ اگر شیعیان ما اجتماع قلبی داشتند، میمنت دیدار ما به تأخیر نمی افتاد.(۱)

۲. همدلی؛

۳. همراهی؛

زیرا تأثّر قلبی و اشک باعث همسویی رفتار و عمل می گردد.

امام خمینی رحمه الله می فرماید: ملّتی که اکنون طعم شیرین شهادت را چشیده است و پیرو مولای خود امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد عظیم القدر او که شهادت را فوز عظیم می دانسته و در محراب شهادت و میدان نبرد، ندای فزت و رب الکعبه را سر می دادند از سازمان های نوکر ابرقدرت ها نمی هراسند.(۲)

۴. طهارت؛

گریه و اشک شستشوی باطنی ایجاد می کند و از بدی ها و کاستی های اخلاقی می کاهد، در حدیثی ارجمند و شگفت آمده است: داوودعلیه السلام به خداوند عرض کرد: خدایا! تو به من یاد دادی که

۱- ۲۱۸. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶۰۲، چاپ اُسوه.

۲- ۲۱۹. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۳۸۰.

صورت، بدن و پایم را با آب بشویم، پس با چه چیز دلم را تطهیر کنم؟

قال: بالهموم و الغموم؛ خداوند پاسخ داد: با غم و اندوه.(۱)

آری!

این غم ها، ارجمند و متعالی هستند که ما را از پله های تعالی بالا می برند، چه غمی و حزنی به بلندی غم های علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام می رسد؟ تا به حال کرامات زیادی در تحول اخلاقی افرادی که در هیأت های عزاداری بوده اند؛ ثبت شده است.

۵. هدایت و سازندگی؛

مرثیه و روضه ابی عبداللّه علیه السلام معجزه می کند و چه بسیار کسانی که از همین گذرگاه راه یافته اند، هم اکنون به گوشه ای از این نمونه ها بنگرید:

استاد دکتر صائب عبدالحمید در کتاب «منهج فی الانتماء المذهبی» می نویسد: با حسین علیه السلام کشتی نجات شروع شد، شروعی که من آن را قصد نکرده بودم. بلکه او مرا قصد نمود... و آن روزی بود که صدایی حزین به گوشم خورد. چه بسا آن صدا قبل از آن به گوشم رسیده بود. ولی از آن بی توجه گذر کرده بودم و بر روی آن صدا، پرده ها انداخته بودم، ولی این بار مرا به خود دعوت نمود، آن صدا مرا به سوی خود جذب کرد و امواج متلاطم و زبانه های شعله پراکنده اش هر لحظه به من اصابت می نمود... .

آن واقعه، قصه مقتل امام حسین علیه السلام با صوت شیخ عبدالزهرا کعبی در روز دهم از ماه محرّم الحرام سال ۱۴۰۲ هجری بود، من به تمام

۱- ۲۲۰. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۰۱، ح ۳۸۱۷.

نـداهای امـام حسـین علیه السـلام گوش می دادم و تمـام جوارحم می لرزیـد و این همراه اشک و عبرت بود و چیزی در خونم گویا انقلاب و ندایی در جوارحم... که لبیک یا سیدی، یابن رسول اللّه! در ذهنم سؤال هایی بی پایان بود و گویا نوری که از قبل محجوب و مستور بوده است؛ این نور را برانگیخت(۱) و یک دفعه تمام فضا را می شکافت، فروزشی که اقتدا به حسین را در برداشت، حسینی که یادگار مصطفی و بزرگ امت و از رهبران دین بود، فروزشی از اسلام به تمام معنا که از نو برانگیخت و پیـامبر خداصلی الله علیه وآله آن را توسط شـخص ریحانه (فاطمه علیها السـلام) و سـبطش حسـین علیه السـلام از نو رهبری نمود.

این نداهای اسلام است که هر کجا فرود آید، پراکنده می شود و همه آنها را می شناسند!

آری! مکان های بر زمین خوردن فرزندان رسول خداصلی الله علیه وآله(۲).

۲. استاد ادریس حسـینی مغربی در کتاب «لقد شیّعنی الحسـین علیه السـلام» می نویسد: یک نفر از نزدیکانم به من گفت: چه کسی تو را شیعه نمود و به چه کتابی اعتماد نمودی؟

در جواب گفتم: آن شـخص، جـدّم حسـین علیه السـلام و فاجعه ناگواری بود که بر او اتفاق افتاد... به جان خودم سوگنـد این شهید کسی است که

ص:۸۳

۱- ۲۲۱. چقـدر زیبا گفته است، آقای جامیسون {۱۹۹۳} گاهی واقعیت های انسانی به وسـیله عمیق ترین انـدوه ها روشن می شوند در این مواقع، نوری در دل تاریکی محض می درخشید.

۲- ۲۲۲. واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات آن، علی اصغر رضوانی، صص ۲۳۳ – ۲۳۲.

همیشه فریاد او در مقدس ترین مقدسات من به صدا درآمده و در حرکت است و در تمام حالات و حرکاتم را محزون نموده است.

من از قرائت کشتار کربلا- با تفاصیل جان کاهش، خلاصی نیافتم، جز آن که کربلا در نفس و فکرم قیام نمود و از این جا نقطه انقلاب شروع شد، انقلابی بر ضدّ تمام مفاهیم و مسلّمات به ارث گذاشته برای من از گذشتگان، آری، انقلاب حسین علیه السلام داخل روح و عقلم... .

آری، این حسین بود که مرا از لابلای این مصیبتی که او و اهل بیتش به آن مبتلا شدند، شیعه نمود، مرا با خون های تازه اش شیعه نمود، خون های تازه ای که بر روی سنگ ریزه های زرد در سرزمین طف (کربلا) برزمین ریخت، او مرا با صدای اطفال و نوحه های زنان، شیعه نمود. من به یاد آن روز فریاد بر آوردم در حالی که از دیدگانم اشکی همراه با حزن و رقّت قلب جاری بود و با قلبی که اندوه ها آن را پاره می نمود، گفتم:

ویَرثی ربابک دنیا السّجون

و دمع النواح و فیض الدما

ای اباعبداللّه! من همیشه تو را در چشم تاریخ بزرگ می بینم.(۱)

۴. دکتر محمد تیجانی تونسی، در کتاب «آن گاه که هدایت شدم» می نویسد: دوستم منعم آمد و با هم به کربلا مسافرت کردیم و در آنجا به مصیبت سرورمان حسین علیه السلام - مانند شیعیان - پی بردم و تازه فهمیدم که حضرت حسین علیه السلام نمرده است، مردم گرداگرد آرامگاهش،

۱- ۲۲۳. واقعه عاشورا، استاد رضوانی، ص ۲۳۶.

پروانه وار می چرخیدند... من هم گریستم و گریستم و آن قدر گریستم که گویی سال ها غصّه در گلویم مانده بود و اکنون منفجر می شود.

پس از آن شیون، احساس آرامشی کردم که پیش از آن روز چنان چیزی ندیده بودم؛ تو گویی در صف دشمنان حسین علیه السلام بوده ام و اکنون در یک چشم به هم زدن منقلب شده بودم و در گروه یاران آن حضرت قرار می گرفتم و (به داستان حرّ اشاره کرده) که به حضرت امام علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! آیا راه توبه، برایم باز است؟!

درست در همین لحظه بود که نتوانستم طاقت بیاورم و شیون کنان خود را بر زمین افکندم و گویا نقش حرّ را پیاده می کردم و از حسین علیه السلام می خواستم که: ای فرزند رسول خدا، آیا توبه ای برایم هست؟!

صدای واعظ چنان تأثیری در شنوندگان گذاشته بود که گریه و شیون مردم بلند شد، لحظاتی بود که در آنان گریه واقعی را درک کرده بودم و احساس می کردم اشک هایم قلبم را شستشو می دهند و تمام بدنم را از درون تطهیر می کنند... از دوستم خواستم که داستان شهادت امام حسین علیه السلام را برایم تکرار کند؛ زیرا چیزی از آن - نه کم و نه زیاد - نمی دانستم.(۱)

در کتاب واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات، نمونه های دیگر از این احساس شورانگیز را از استاد مصری ابوشریف، احمد حسین یعقوب اردنی، علامه دکتر محمدحسن شحّاته و دیگران می توان یافت.

ص:۸۵

۱- ۲۲۴. همان، ص ۲۳۸.

بیهوده نیست که مبارز لبنانی، شیخ راغب حرب می گوید: در طول سال های زندان در اسرائیل بیشترین سؤال از منظور و مقصود مجالس روضه و مرثیه امام حسین علیه السلام بود!

آقای آنتوان بارا، نویسنده مسیحی کتاب «المسیح فی الفکر المسیحی» می گوید: اسلام محمدی الحدوث و حسینی البقاست و عاشورا حسینی الحدوث و زینبی البقاست.(۱)

نتیجه ای که از این فرازها گرفته می شود، حاکی از رابطه ناگسستنی چهار برهه تاریخ اسلام و تشیع است که عبارتند از: بعثت، غدیر، عاشورا و مهدی علیه السلام و مهدویت از ضرورت گریه و ندبه و برپایی مجالس ماتم و عزا و هیأت ها سخن می گوید؛ در این مجالس، مذاکره حدیث و زیارت اخوان و در نهایت احیاء امر را به دنبال دارد، چنان که به برپایی این مراسم، تشویق و حتّی دستور داده شده است.

روایات این فراز

امام حسین علیه السلام می فرماید: به خدا سوگند، خونم از جوشش نخواهد افتاد تا خداوند مهدی علیه السلام را برانگیزد.(۲)

در تفسیر آیه «وَ مَنْ قُتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یُسرف فی القتل انه کان منصوراً»(۳) آمده است: امام باقرعلیه السلام فرمودند: این فرد

ص:۸۶

۱- ۲۲۵. مصاحبه با کیهان، محرم الحرام، ۱۴۲۸.

۲- ۲۲۶. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۹.

۳- ۲۲۷. سوره اسراء، آیه ۳۳.

مظلوم، حسین بن علی است که مظلومانه به شهادت رسید و ما اولیاء او هستیم و قائم ما آنگاه که قیام کند، خون به ناحق ریخته اش را مطالبه کند.(۱)

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله می فرماید: «تذاکروا و تلاقوا و تحدّثوا، فان الحدیث جلاء للقلوب»؛ مذاکره کنید و دیدار نمایید و حدیث ما را بگویید که دل هایتان جلاء یابد.(۲)

«رحم اللّه عبداً اجتمع مع آخر، فتذاکرا امرنا فان ثالثهما ملک یستغفر لهما، فاذا اجتمعتم فاشتغلوا بالذکر فان فی اجتماعکم و مذاکرتکم احیاء لامرنا و خیرالناس من بعدنا من ذاکر بامرنا و دعا الی ذکرنا»(۳) و شگفت است که این دیدارها دیدار خداست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید: «ما من مسلم زار مسلماً فلیس ایاه یزور بل ایای یزور و ثوابه الجنّه»؛

هیچ مسلمانی، مسلمان دیگر را دیدار نمی کند، مگر این که خدا می فرماید: مرا دیدار کرده و ثوابش بهشت است(۴) و برکات این دیدارها چه بسا نابسامانی های روحی و ناآرامی ها را می زداید و همچنین می فرماید: «المؤمن لیسکن الی المؤمن»؛ مؤمن با مؤمن به آرامش می رسد و در روایتی دیگر به استراحت و راحتی اشاره می نماید(۵) و این مجموعه از برکات مجلس امام حسین علیه السلام و مآتم ائمه علیهم السلام است؛ گرچه

۱- ۲۲۸. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۸.

۲- ۲۲۹. الکافی، ج ۱، ص ۴۱.

۳- ۲۳۰. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۵۴.

۴- ۲۳۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۵۵.

۵- ۲۳۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۴۵ و بحارالانوار، ج ۷۴.

باید شرایط و ضوابط نیز مراعات گردد و استاد گرامی حقیر می فرمود: در روضه نیز باید ذکر، تحلیل و تطبیق باشد و منظور از تطبیق این است که من بـا خودم کلنجـار بروم و ببینم در صورت حضور در کنـار امـام علیه السـلام چه می کردم و خودم را با یاران او محک بزنم.

ویژگی های امام موعودعلیه السلام در پیروان راستین او

قسمت اول

بعـد از شـناخت امـامت (دانـایی، طهارت و دلسوزی او) انسان به جسـتجوی او برمی خیزد. به ویژه آن که مظلومیت، حـذف و تبعید و رنج های او را می بیند(۱) و این جستجو در کلمه أین أین کجاست؟ کجاست؟ تبلور می یابد؛ همانند فرزندی که مادر مهربانش را گم کرده است، نمی دانم دیـده اید که گاه کودکی پدر یا مادرش را گم می کند و چگونه ضـجّه می زند و هیچ حرفی را نمی شنود و فقط مضطربانه اطراف را می گردد؟!

این جسـتجو امروز با بن بست های انسان در سه بُعـد به وضوح دیـده می شوند که عبارتند از: علم و صـنعت و فاجعه تمدّنی و همچنین جنـگ و درگیری و از همه سـخت تر، نیروهـای پنهـانی که در انسـان همواره (وسواس الخنـاس) تحریک و سـماجت دارند و استعدادهای آدمی را در صورت غفلت و کوته فکری به رکود و احتکار یا اسراف می کشاند(۲)

ص:۸۸

۱- ۲۳۳. علی علیه السلام فرموده است: مازلت مظلوماً، میزان الحکمه، ج ۱.

۲- ۲۳۴. شرح در کتاب تطهیر با جاری قرآن، استاد علی صفایی حائری، صص ۳۵ - ۳۲.

این اژده هایی که هرگز نمرده و داد انسان را در آورده که:

این نفس بد اندیش به سامان شدنی نیست

این کافر بد کیش به مسلمان شدنی نیست

امام سجادعلیه السلام چنین آموزش می دهد که از شرّ او پناه ببریم و می فرماید: «الهی اعوذ بک من هیجان الحرص و سوره الغضب... و شکاسته الخلق و الحاح الشهوه و متابعهِ الهوی»؛

خدایا! به تو پناه می برم از افروختگی شعله حرص و سلطه خشم و ناسازگاری اخلاق و التماس شهوات و پیروی هوس.(۱)

نفسی که چنین توصیف شده: «مملوّهً بالغفله و السهو، تُسرع بی الی الحوبه و تسوّفنی التوبه» سرشار از غفلت و فراموشی که مرا به سوی گناه بزرگ با شتاب می برد و توبه را به تأخیر می اندازد.(۲)

شیطانی که امام علیه السلام توصیف می کند: «و شیطاناً یُغوینی...» مرا می فریبد و پشتیبانی از خواهش ها می کند و حبّ دنیا را زینت می دهد، «و یحول بینی و بین الطاعه» و بین من و اطاعت خدا مانع می گردد و در نتیجه قلب به قساوت و چرک تیرگی آلوده و چشم از گریه خشک و جامد می گردد.(۳)

به صورت معمول، هر کسی با احسان و برآوردن حاجتهای نیکوی او، مطیع و عبد می شود، مگر نفس آدمی تنها کسی است که با احسان

۱- ۲۳۵. صحیفه سجادیه، دعای ۸.

۲- ۲۳۶. مفاتیح الجنان، مناجات الشاکین.

۳- ۲۳۷. مفاتیح الجنان، مناجات الشاکین.

و برآوردن خواسته اش بدتر می شود، برآورده نمودن خواهش های نَفْس مثل خاموش کردن آتش با نفت و بنزین است.

براستی که این مطلب را چاره ای نیست، جز محبوبی بزرگ تر تا از کشش های حقیر نجات بخشد(۱) و این محبوب کسی نیست جز خدای متعال و واسطه های فیض و رحمت او (اهل بیت علیهم السلام) که جز آنان نمی توانند، حبیب دل باشند که فرمود: «لاحبیب الا هو و اهله»؛(۲) و این درماندگی است که آدمی را شیدای صفت های مورد نیاز مؤمنان و انسان ها می نماید و با بقیه اللّه پیوند می زند، و از اعماق وجود چنین طلب می کند: کجاست حسن و حسین. کجایند فرزندان حسین، مردان صالح بعد از صالح و راستگو بعد از راستگو، کجاست راه حقیقت پس از یکدیگر، کجایند نیکان بعد از نیکان، کجایند خورشیدهای تابان، کجایند ماه های فروزان، کجایند ستاره های درخشان، کجایند پرچم ها و مناره های دین. (اعلام جمع عَلَم به معانی جالبی آمده که عبارتند از: پرچم، پیشوا، تیر راهنما، فلش راهنمایی، کوه بلند، نشان و اثر؛ امام زمان علیه السلام هم به نام عَلَم منصوب نامیده شده است.)

کجاست بقیهاللّه که خارج از مجموعه خاندان رهبری نیست؟!

بقیهاللّه به چه معناست؟!

۱. این صفت در سوره هود آیه ۸۶ آمده است که عنوان کلّی برای حجّت خداست و زمین خالی از حجّت نمی ماند.

ص:۹۰

۱- ۲۳۸. عظم الخالق فی انفسهم فصغر مادونه فی اعینهم، خطبه متقین یا همام نهج البلاغه.

۲- ۲۳۹. زیارت آل یس.

۲. مقصود از این لقب برای امام زمان علیه السلام می باشد که در روی زمین ثابت بوده و دوام وجودی دارد.

۳. در لغت(۱)، بقیهاللّه در جایی گفته می شود که انسان کسی را مراعات کرده و به انتظار او نشسته است، همچنان که امام علیه السلام در رعایت و مراقبت خداست و دارای شأنی است که مردم در انتظار اویند.(۲)

۴. در معانی این تعبیر گفته شده که به مفهوم سود حلال است، چون سود حلال باعث دوام نعمت الهی است و باعث بقای برکات می شود و تعبیر «ان کنتم مؤمنین»؛ اگر ایمان داشته باشید؛ اشاره به این است که این واقعیت را تنها کسانی درک می کنند که ایمان به خدا و حکمت او و فلسفه فرمان هایش داشته باشند.

۵. روایات نیز بقیهاللّه را به وجود حضرت مهدی علیه السلام تفسیر نموده اند، امام باقرعلیه السلام فرموده اند: نخستین سخنی که مهدی علیه السلام پس از قیام خود می گوید: این آیه(۳) است، سپس می گوید:

منم بقیهاللّه و حجت و خلیفه او در میان شما.

سپس هیچ کس بر او سلام نمی کند، مگر این که می گوید: «السلام علیك یا بقیه اللّه».

پس مصداق سود یا پاداش الهی، هر موجود نافعی است که از طرف

۱- ۲۴۰. مقایس، ص ۱۲۸.
۲- ۲۴۱. موعودشناسی، علی اصغر رضوانی، صص ۴۱۳ - ۴۱۲.
۳- ۲۴۲. سوره هود، آیه ۸۶.

خداوند باقی مانده و مایه خیر و برکت و سعادت او گردد، بقیه اللّه محسوب می شود، در نتیجه، تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ و رهبران راستین که پس از یک مبارزه با دشمن سرخت برای یک قوم و ملت باقی می مانند، همان منفعت و خیر و سعادت الهی می باشند.

همچنین سربازان مبارزی که پس از پیروزی از میدان جنگ باز می گردند، بقیه اللّه اند و از آنجا که مهدی علیه السلام آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله است، یکی از روشن ترین مصادیق بقیه اللّه می باشد و از همه به این لقب شایسته تر است به ویژه که تنها باقی مانده بعد از پیامبران و امامان است.(۱)

گفت پیغمبر رسول اُنس و جان

گر بماند یک روز از عمر جهان

حق کند طولانی آن یک روز را

تا بیابد مهدی صاحب زمان

کجاست آماده شده برای قطع ریشه (اعداء) ستمگران؟!

کجاست منتظر برای هموار نمودن (کجروی ها) پستی و بلندی؟!

أمْت = خفض و ارتفاع(۲)

کجاست آن که زایل کند جور و دشمنی؟!

أین المدّخر لتجدید الفرائض و السنن؟!

کجاست تازه کننده فریضه ها و سنت ها؟!

این تجدید به معنای احکام جدید نیست، زیرا در دعای دیگر صاحب الزمان علیه السلام به جریان افتادن احکام تعطیل شده قرآن و تشبیه

۱- ۲۴۳. تفسیر نمونه، ج ۹، صص ۲۰۴ - ۲۰۳.

۲- ۲۴۴. مختار الصحاح.

و تحکیم دستورات و سنت های پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله است که تضعیف و سست گردیده است.

در دعای عهد می خوانیم: و مجددّاً لما عُطِلَ من احکام کتابک و مشیدّاً لما ورد من اعلام دینک و سنن نبیّک صلی الله علیه وآله

أین المتخیر لاعاده الملّه و الشریعه؛

کجاست برگزیده شده برای بازگشت دین و شریعت به صحنه زندگی.

أین المؤَمل لاحیا الکتاب و حدوده؛

کجاست آن آرزو شده برای احیاگری کتاب و حدودش؛

أین محیی معالم الدین و اهله؛

کجاست زنده کننده آثار دین و دینداران؛

أین قاصم شوکه المعتدین؛ کجاست درهم شکننده قدرت و جسارت تجاوزگران (که با اسلحه قدرت نمایی می کنند، نه آن که واقعاً قدرتی باشند، (شوکت = اسلحه و لبه تیز)

أین هادم ابنیهِ الشرک و النفاق؛

کجاست منهدم کننده بناهای شرک و نفاق (سازمان هایی مثل: ملل متحد یا بانک جهانی و... که فقط برای سلطه اند و فریبکارانی بیش نیستند.)

«أین مُبید اهل الفسوق و العصیان و الطغیان»؛ کجاست نابودگر جبهه فسق و نافرمانی و طغیان گری (امروز آمار و اطلاعاتی در دست است که عاملین تجارت فحشا و کودکان و گسترش شرابخواری و قمار

و حتی موادّ مخدّر، خود قدرت های سلطه گر هستند، مثل: آمریکا و ...)

طاغوت، همان جبهه سرکشی و از حدّ گذشتن و حدّ شکستن و ستمگری زیاد و ارتکاب گناهان زیاد می باشد، مثل آبی که بالا می آید و همه چیز را نابود می کند؛ این یاغی گری سه علت دارد:

قدرت؛

ثروت؛

لذت.(۱)

و این چهره های کفر در عناوینی چون:

قارون؛

فرعون؛

مترفین، عیّاشان و یا مرفهین بی درد به بیان امام خمینی رحمه الله ظهور می کنند، آمارهای بدست آمده در جهان، بازگو کننده مطالب شگفت انگیزی از سِیرِ زندگی و جامعه کشورهای استکباری دارد.

در آمریکا ۳۹۸ ثروتمند برجسته وجود دارد که ثروت آنها معادل ثروت تمامی جمعیت آمریکاست، یعنی ۸۰٪ ثروت بدست آمده در جهان نصیب ۲۰٪ جمعیت آمریکاست.

آمریکا در ۱۴۰ کشور جهان نزدیک به ۵۰۰ پایگاه نظامی دارد، بودجه نظامی آمریکا سالانه حدود ۳۹۶ میلیارد دلار یعنی حدود ۳۶٪

۱- ۲۴۵. درس هایی از انقلاب، استاد علی صفایی حائری.

کل همه هزینه های نظامی جهان است.(۱)

با آن که آقای نیکسون اعلام می کند که ما سه چیز جذاب برای جهان داریم: فرهنگ، اقتصاد و سیاست.

اما خود او اعتراف می کند که آمریکا در سراشیب بی سوادی علمی و فنّی افتاده است نه به این سبب که آمریکایی ها بیان استعداد علمی خود را از دست داده اند؛ بلکه به این علّت که نوع انضباطی که برای این کار لازم است، مدّت هاست مورد پسند نیست. در حلبی آبادهای! داخل شهرها و نیز در حومه شهرها که محل سکونت طبقات متوسط می باشد، نسل جدیدی را پرورش می دهیم که می توان نامش را نسل تلویزیون موزیکال گذاشت، جهل دردناک بسیاری از افراد این نسل به علّت کم هوشی نیست، بلکه به این علّت است که از هوششان استفاده نمی شود، این نسل، ساکن جهنمی است که آکنده از آهنگ های راک که با صدایی گوش خراش نواخته می شوند و تصاویر تلویزیونی که با سرعتی بر پرده می درخشند که چشم نمی تواند تعقیب شان کند و محرّک های حسّی (جنسی و مصرف غذا و ...) که به سرعت یکی پس از دیگری می رسند؛ در این جهان برای اندیشه جز سخیف ترین نوع آن جایی نیست.(۲) پایین آمدن سطح آموزش که نظر آن سیاست، نمره مفت دادن و قبولی خود به خود است، مدارس ما را تباه کرده است.(۳)

ص:۹۵

۱- ۲۴۶. آمارها سخن می گویند، علی اصغر جدایی، صص ۲۴۵ - ۲۴۴.

۲- ۲۴۷. فرصت را دریابیم، نیکسون، ص ۳۴۷.

۳- ۲۴۸. همان، ص ۳۴۸.

او در حالی که مزوّرانه عربده می کشد که آمریکا مظهر سه ارزش است: آزادی، فرصت، احترام به فرد بشر.

و به تقلید از دمکراسی آمریکایی دعوت می کند، در یک صفحه بعد اعتراف می کند: امروزه ما ظهور استبداد جدید را زیر نقاب مزایای استحقاقی به چشم می بینیم؛ آمریکا مسائل وحشتناک داخلی دیگری هم دارد... .(۱)

۳۸ میلیون نفر مردم ما از بهداشت و درمان کافی برخوردار نیستند.(۲)

مبلغی که در آمریکا خرج مواد مخدّر غیرمجاز می شود، برابر با کل هزینه کشورهای دیگر است؛ بیشترین نرخ جنایت در جهان را داریم و شمار مردمی از آمریکا که در مدّت جنگ خلیج فارس کشته شدند، بیست برابر کسانی است که در میدان جنگ به قتل رسیدند... .(۳)

ثروتمندترین کشور جهان نباید به این حقیقت تن در دهد که یک طبقه محروم همیشگی به وجود آید... .

ما به اسم جامعه بزرگ چک سفید کشیدیم، اما چک ما برگشت خورد(۴) در کتاب چهره عریان آمریکا آمده است: فلانی چند می ارزد؟

۲۰۰/۰۰۰ دلار.

قسمت دوم

این مکالمه ای نیست که از بازار برده فروشان شنیده شده باشد، بلکه از نوع گذشت و شنیده های رایج آمریکاست، هنگامی که بازرگانی

ص:۹۶

۱- ۲۴۹. همان، ص ۳۶۰.

۲- ۲۵۰. همان، ص ۳۶۰.

۳- ۲۵۱. همان، ص ۳۶۰.

۴- ۲۵۲. همان، صص ۳۶۲ - ۳۶۱.

آمریکایی راجع به شخصی که نمی شناسد، پرس و جو می کند، برای شناخت و ارزیابی یک آدم در آمریکا؛ ابتدا باید دانست چند دلار می ارزد و چقدر دلار می سازد.(۱)

«أین حاصد فروع الغّی و الشقاق»؛

کجاست دروکننده شاخه های انحراف و شکاف و جدایی (که باعث اختلاف می شود).

غیّ در برابر رشد آمده،(۲) رشد، راه یابی و رسیدن به واقع و حقیقت است و غّی، منحرف گردیدن و دوری از حقیقت است و اکنون فرهنگ غالب در دنیا چه در جهان غرب و سلطه و چه در جهان اسلام (به خاطر دوری از اصل امامت) همانا فرهنگ غیّ و انحراف و شقاق است؛ به اعتراف مردان روشن بین برخاسته از جامعه غربی که آگاهی کامل از آن جا دارند در هیچ تمدّنی همانند تمدّن جدید، این گونه کامل و نظام واره از این نکته ها غفلت نشده است:

دنیا برای چیست؟

ما از کجا آمده ایم؟

آمدنمان بهر چه بوده است؟

به کجا می رویم؟

چرا بایدمان رفت؟

۱- ۲۵۳. چهره عریان آمریکا، روژه کان، ترجمه جمشید ارجمند، ص ۱۴.

۲- ۲۵۴. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

تمـدّن جدیـد که به هنگام حرکت آغازین خود، می خواست انسان گرا باشـد و به انسان اصالت (اُمانیزم) و ارزش بدهد، ولی اکنون به مـاجرایی این چنین شـگفت دچار شـده است؛ در روزگار ما مفهوم انسان از هم گسسـته است، مکتب تطورگرایی از آدمی، میمونی والاـ تبـار و پیشـرفته ساخته، آنگاه فلسـفه پوچی و عبث گرایی گام به میـدان نهاده است، تا باقیمانـده همسازی آدمی را ازوی بگیرد و این چنین شـده است: در تمـدّن جدید، موجود انسانی، به سان آدمکی کوکی شده، به حرکت درآمده و بنـد را ز گسسـته است، طرفه آن که خـود انسـان، ماشـین این آدمـک را کوک کرده، امـا از مهـار کردن جنبش نابسامـان و حرکت شـتابگرش ناتوان مانده اسـت(۱) و جـالب اسـت کـه بـا ایـن انحراف و غیّ بزرگ و آشـکار، دجّال وار همگـان را به فرهنگ خویش دعوت می نماید، چنان که آقای دوپاسکیه می گوید: با این همه، تمدّن جدید را سرِ آن نیست که از میدان به در رود، حتّی می بینیم که به انحای مختلف با بوق و کرنا اعلام می کند که برای نوع انسان خوشـبختی و سعادت را به ارمغان آورده است. انقلاـب فرانسه وی، اعلاـمیه حقوق بشـر را صـحّه نهاده و قانون اساسـی آمریکایی اش مـدعی آن شـده است که خوشبختی و بهروزی یک یک شهروندان را تضمین کرده است!

در زمینه مسائـل روانی و روحی نیز یـک نظریه روان شناسـی گـام به میـدان نهاده و مـدعی شـد که سـرانجام مرکز ثقل واقعی شخصیت بشر را

ص:۹۸

۱- ۲۵۵. اسلام و بحران عصر، روژه وپاسکیه، ترجمه دکتر حسن حبیبی، ص ۱۸.

کشف کرده است و گفت: این پایگاه، همان جنسیت است(۱) (منظور زیگموند فروید است).

به هرحال تمدّنی که خود را انسان گرا می نامید، نظامی از آب در آمده که آدمی را تحقیر می کند و می فریبد و سرانجام، نابودش می سازد.(۲)

در سبب یابی این انحراف و جدایی که فرهنگ غرب ایجاد کرده، متفکر ارزشمند آقای روژه گارودی می نویسند: این نکته با معناست که ثروتمندترین کشورها نظیر ایالات متحده یا سوئد رکود خودکشی های نوجوانان را برای خود حفظ می کنند؛ در جنوب به علّت نداشتن امکانات می میرند و در شمال به علّت نداشتن هدف.(۳)

به عقیده وی این همه انحراف، کژی و فساد، آثار تک صدایی در بازار و نظام سود محور است: در نظامی که همه چیز در آن خریده و فروخته می شود نه تنها فساد بلکه فحشا نیز از حالت انحراف های فردی به در می آید تا به قوانین زیر بنایی نظام مبدّل شود(۴) فحشای سیاسی آشکارترین تصویرهاست؛ مبارک در ازای پنج میلیون دلار وارد جنگ خلیج فارس می شود، ملک فهد ده ها هزار سرباز آمریکایی را به سرزمینی که او آن را مقدس می شمارد، فرا می خواند و در آنجا نگه می دارد ادعا می کند که ورود به آن برای هر غیرمسلمانی ممنوع است،

۱- ۲۵۶. همان، صص ۲۰ - ۱۹.

۲- ۲۵۷. همان، ص ۲۱.

۳- ۲۵۸. آمریکا پیش تاز انحطاط، روژه گارودی، ترجمه قاصم صنعوی، ص ۲۰.

۴- ۲۵۹. همان، ص ۲۲.

همان طور که دیگران در پیاده رو به پشتیبان خود مزد می دهند؛ یلتسین با خوابیدن در برابر صندوق بین المللی پول، کشورش را ارزان می فروشد.(۱)

در این بلبشوی انحراف، این اسلام است که می تواند امر هدایت و راهیابی برای انسان باشد، زیرا که با ساختار و فطرت و سرشت آدمی سخن می گوید و بازگشت به هویت خویش را تمهید می نماید، دشمنان انسان، او را از اسلام دور می کنند تا به مطامع خود دست یابند و رمز وحدت و نجات از شقاق و اختلاف، همانا امامت است، زیرا با پذیرفتن و تعیین به امامت، همانا به هدایت قرآن و وصایت پیامبرصلی الله علیه وآله و رهبری در دست فردی امین، عمل شده، (در واقع امام کسی است که) دعوت کننده به سوی خدا (و نه خویشتن)، پاک از همه گناهان و آلودگی ها، سرشار از دانش، بردبار، همان آب گوارا برای تشنگان، کسی که رفیق و همچون پدری مهربان و برادری دلسوز، مانند مادری نیکی کننده به کودک و پناهگاه مردم در سختی های روزگار و او کسی است که بدل و مثل و نظیری ندارد.(۲) کسی که می تواند، محور وحدت جامعه انسانی باشد.

بهترین توصیف که حضرت زهراعلیها السلام می فرماید: «و طاعتنا نظاماً لِلمله، و امامتنا اماناً للفرقه»؛(۳) با یک بررسی جامع می بینیم که در

ص:۱۰۰

۱- ۲۶۰. همان، ص ۲۲.

۲- ۲۶۱. کافی، باب نوادر نادر، جامع فی فصل الامام و صفاته، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳- ۲۶۲. احتجاج طبرسی، ج ۱، صص ۱۰۷ - ۹۸.

کلمات امام خمینی رحمه الله رهبر بزرگ انقلاب اسلامی که در دامن امامت پرورش یافته، واژه وحدت کلمه و وحدت اجتماعی و سیاسی مسلمانان، بیشتر از همه واژه ها تکرار شده و سزاوار است که چنین بسرایند: شیعه علی بودن، نه علی را دوست داشتن که فقط علی را دوست داشتن است(۱) یعنی همه گرداگرد شمع وجود امامت و اکنون مهدیِ منصورِ موعودعلیه السلام تا نجات همه بشریت.

أین طامس آثار الزیغ و الاهواء؛ کجاست محو کننده آثار کج دلی و هواپرستی، براستی که دل های منحرف و سلطه هوس ها بسیار آشکار است؛ به صورتی که به گفته برخی اندیشمندان این عصر، عصر تبلور نفس و هواهای متنوّع است.

أین قاطع حبائل الکذب و الافتراء؛ کجاست بُرنده ریسمان های دروغ و افتراء، گویی این دعا هم اکنون و با آگاهی از همه اوضاع بشریت سلطه جو نازل شده، چنان که می بینیم حکومت ها و رژیم ها خود را به آزادی زینت می دهند و دیگران را به نقض حقوق بشر محکوم می کنند؛ اما براساس آمار اعلام شده در کتاب چپاول جهانی، تعداد بردگان در دنیا به بیست میلیون نفر رسیده که نسبت به دوران برده داری (قرن هفدهم) ۶۰۰ درصد افزایش نشان می دهد. همچنین دامنه قاچاق مواد مخدر در جهان هم اکنون از حجم فعالیّت صنعت خودروسازی و پارچه بافی فراتر رفته و قاچاقچیان عمده برای راه اندازی جنگ های داخلی در ۳۰ کشور جهان سرمایه گذاری می کنند.(۲)

ص:۱۰۱

۱- ۲۶۳. غدیر، استاد علی صفایی حائری.

۲- ۲۶۴. کیهان.

هم اکنون تجارت فحشا و قاچاق کودکان از کسب های تهوّع آوری است که میلیاردها دلار نصیب قاچاقچیان می کند.

دنیایی که در کمک های خود به کشورهای ضعیف به نام بانک جهانی فقط نقابی از امداد به خود زده است و در برابر هر دلار، سه دلار سود می برد و کشورها نه تنها توسعه ای نمی یابند، بلکه روند وابستگی بیشتر می شود.(۱)

آنگاه بارش تهمت و افترا به اسلام و به جبهه مؤمنان و حتی به اندیشه مهدوی چنان گسترش یافته که به محض ایمان آوردن یک جوان اروپایی یا از هر جای دیگر، او را بایکوت می کنند و با واژه بنیادگرا و ضدّ تمدّن، او را به انزوا می کشاند.

«أین مُبیدُ العتاه و المرده»؛ کجاست نابود کننده سرکشان و متمرّدان، سرکشانی که جنگ های اول و دوم جهانی را با کشتارهای میلیونی به راه می اندازند و هم اکنون نیز برای فروش اسلحه و ادامه سلطه آتش، جنگ را بر افروخته اند و جالب اینکه دیگران را به محورهای شرارت متهم می کنند.

«أین مستأصل اهل العناد و التضلیل و الالحاد»؛ کجاست ریشه کن کننده اهل عناد و گمراه کنندگی و الحاد و بی دینی.

در حال حاضر و بنابر گزارش و توصیف های وحشتناک و ناامید کننده از خود ناظران و ساکنان فرهنگ سلطه، حکایت از آن می کند که چگونه عوام فریبی می کنند و آثاری پوک و بی معنا را به نام هنر با

ص:۱۰۲

۱- ۲۶۵. آمریکا پیش تاز انحطاط، ص ۱۰۱.

قیمت های هنگفت به فروش می رسانند که حتی کسی جرأت نقد هم نمی کند و نمی تواند بگوید: «شاه برهنه است»(۱) و در اینجا هدف، مطلقاً بیداری نیست، بلکه بیهوشی است(۲) و به تعبیر دعا همان تضلیل و به بیانی دیگر امر بی چون و چرا همان خالی کردن مسأله فلسفی وجود از علّت غایی است و این حرکت به جایی منتهی می شود تا در تمام زمینه ها، موضوع انسان از فرهنگ طرد شود.(۳)

این گمراه نمودن از زمان کریستف کلمب آغاز شده و ریاکاری تا روزگار رونالد ریگان (و حتّی در حال حاضر هم) ادامه دارد، رونالد ریگان اعلام می داشت که رفاه و قدرت ایالات متحده نشانه این است که ملّتی تقدیس شده از جانب خداوند دارد، یک اسقف اسپانیایی جرأت کرد، این گفته را کفر بداند، زیرا ثروت و قدرت ایالات متحده ناشی از برکت پروردگار نیست، بلکه حاصل استثمار جهان و به خصوص جهان سوم است و آن هم از طریق مبادله های نابرابر، وارد است... .(۴)

«أین معزّ الاولیاء و مُذلّ الاعداء»؛ اینجاست که عاجزانه می طلبی؛

کجاست عزّت دهنده اولیاء و خوارکننده دشمنان که مستضعفان، مسلمانان و شیعیان را تحقیر می کنند.(۵)

ص:۱۰۳

۱- ۲۶۶. اشاره به قصه ای که یک بافنده فریبکار لباس برای پادشاه را وعده داد، اما در حقیقت چیزی نبافته بود و همان نبافته را به تن پادشاه نمود!

۲- ۲۶۷. آمریکا پیشتاز انحطاط، ص ۸۷.

۳- ۲۶۸. همان، ص ۸۸.

۴- ۲۶۹. آمریکا پیش تاز انحطاط، ص ۸۹.

۵- ۲۷۰. به قضاوت ها و گفته های رهبران سلطه و کتاب هایی چون پوست سیاه صورتکهای سفید نوشته فانون مراجعه شود.

کلمه اولیاء در واقع تمامی دل های مزیّن به ایمان را دربر می گیرد و بهره وجود آن گرامی، موسّع برای همه مردم است. عمّار ساباطی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: عبادت کردن با امامی از شما که ظاهر نبوده و در زمان دولت باطل باشد، افضل است؛ یا عبادت کردن در زمان ظهور دولت حق با امام ظاهر از شما؟!

حضرت پاسخ داد: ای عمّار! به خدا قسم صدقه دادن در پنهانی افضل است از صدقه دادن در آشکارا و به خدا قسم عبادت شما در پنهان با امام غیر ظاهر در دولت باطل، افضل و بهتر است از این که خدا را در زمان ظهور حق با امام ظاهر عبادت کنید... .

عمّار دوباره می پرسد: جان من فدای تو باد، اگر چنین باشد، پس ما چرا آرزو کنیم که از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشیم، با آن که ما امروز در زمان امامت شما و مشغول طاعت هستیم و اعمال ما بهتر از اعمال اصحاب دولت حق است؟

امام علیه السلام پاسخ داد: «سبحان اللَّه»، آیا نمی خواهی که خدای عزّوجل حق و عدل را در سرزمین ها ظاهر کند و حال همه نیکو گردد و همه مردم بر دین حق اجتماع نمایند و اُلفت در میان قلب های پراکنده ایجاد شود و کسی در زمین گناه نکند و حدود خدا در میان مردم جاری گردد و حقّ به اهلش رسیده و آن را آشکار نمایند و چیزی از حق و حقیقت به خاطر ترس از مردم پنهان نگردد؟!

به خدا قسم، ای عمّار بدان! کسی از شما با دوستی ما نمی میرد، مگر

آن که او در نزد خدای عزّو جلّ از بسیاری از کسانی که در جنگ بدر و اُحد حاضر شدند، برتر است.

پس بشارت باد شما را.(۱)

«أین جامع الکلمه علی التقوی ؛ کجاست جمع کننده سخن بر پارسایی.

این جمله نشان از حرکتی سترگ در سنت اخلاقی جهانِ انسانی است؛ زیرا مبانی اخلاق در جهان، چنان دچار سستی است که فیلسوفان اخلاق در مفهوم خوب و خوبی مانده اند و بسیاری از آنان آن را مساوی لذّت گرفته اند! جرمی بنتام می گوید: هر عملی که لذّت آور باشد، از جنبه اخلاقی خیر است؛ سنجش و ارزش هر چیز براساس درجه سودمندی آن و جلب نفی شخصی است؛ این همان Egoism یا خودمحوری است.(۲)

لیبرالیزم، اندیشه ای است که توانایی تعریف درست و ثابت از اخلاق ندارد و مسأله را به قضاوت آدم ها و جامعه و زمان وامی گذارد و در نتیجه، فاجعه از نظر سیاستمداران مشهور لیبرال چنین تصویر می شود که خلأ اخلاقی، تعبیر دقیق تری از پوچی معنوی است، همان پوچی معنوی که بخش بزرگی از تمدّن غرب را فراگرفته است.(۳) البته

ص:۱۰۵

۱- ۲۷۱. کمال الدین، صدوق، ص ۶۴۵ به نقل از کتاب شیوه های یاری قائم علیه السلام، محمدباقر فقیه ایمانی، صص ۱۲۹ - ۱۲۸.

۲- ۲۷۲. غرب شناسی، سیداحمد رهنمایی، ص ۱۷۳.

۳- ۲۷۳. خارج از کنترل، برژینسکی، ص ۱۰۴.

این نتیجه جهان بینی غرب است که جهان را خود پیدایش یا Selfe Existing و آدمی را حاصل یک فرایند تحولی مداوم می داند.(۱)

برخی از این ناهنجاری های جامعه لیبرالی چنین فهرست شده است:

حرص و طمع طبقه ثروتمند؛

گسترش جنایت و خشونت؛

گسترش فرهنگ اعتیاد؛

رشد روحیه ناامیدی اجتماعی؛

بی بند و باری جنسی و ایدز؛

تبلیغ گسترش فساد اخلاقی.(۲)

تلویزیون آمریکا رسانه ای است که محتوای برنامه هایش به قدری پیش پا افتاده است که ابتذال در فرهنگ جدید آمریکا را به اصول و هنجارها تبدیل کرده است، پُر بیننده ترین برنامه های تلویزیونی خاص جوانان آمریکا، عموماً والدین آنها را دارای احساس منحرف، طلاق گرفته از مجرمین سفید پوست، آلوده به مشروب الکلی یا کوکائین و زرق و برق های فریبنده عصر جدید معرفی می کنند، با توجه به چنین پدیده هایی، والدین مشکل بتوانند ارزش های اجتماعی را به فرزندان خود انتقال دهند.(۳)

ص:۱۰۶

۱- ۲۷۴. Conimuqus - Process، غرب شناسی، ص ۲۲۸.

۲- ۲۷۵. خارج از کنترل، صص ۱۲۰ - ۱۲۲.

۳- ۲۷۶. همان، ص ۱۲۸.

طرح این گونه مباحث از جامعه اروپا و آمریکا به معنی تطهیر جوامع شرقی و حتی اسلامی نیست و ما منکر نابهنجاری های اخلاقی و فساد اخلاقی و اجتماعی و اداری، حتی در جوامع اسلامی نیستیم؛ ما معتقدیم این رفتارها هرگز مناسب شأن نام جامعه اسلامی نیست. اما نکاتی را باید یادآور شویم که عبارتند از:

۱. در نظام اسلامی و دوران غیبت کوشش این است که زمینه انتخاب آماده شود، نه آن که آدم ها را به زور، مسلمان نماییم.

۲. دولت و نهادهای مسؤول باید با شناسایی، محاصره و کنترل عاملین بی بند و باری های اخلاقی و اقتصادی به تلاش خود ادامه دهند.(۱)

قسمت سوم

۳. در جوامع غربی آن قدر کار از کار گذشته که حتی مصلحین و مسؤولین اخلاق به شدت آلوده اند، چنان که در گزارش آمده است بیش از ۴ هزار کشیش آمریکایی در بین سال های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۲ مرتکب سوء استفاده جنسی از کودکان شده اند!(۲)

در چنین اوضاعی پیام وحدت بخش اخلاق و در یک کلمه پارسایی و تقوی آدمی را سرشار از شور و نشاط می کند؛ زیرا تقوی مقابل گناه و آلودگی است و گناه در بینش دینی، زمانی معنا پیدا می کند که به یک جهان نظام مند معتقد باشیم و در این نگاه، گناه درگیری نظم جهان هستی است و کار امام علیه السلام گسترش اخلاق در وسعتی است که انسان

۱- ۲۷۷. درس هایی از انقلاب، استاد صفایی حایری، کتاب قیام.

۲- ۲۷۸. آمارها پرده برمی دارند، علی اصغر جدایی، ص ۲۵۳ به نقل از همشهری، ش ۳۳۱۵.

باید حرکات خویش را مطابق ضوابط نظام هستی قرار دهد. چیزی که فراتر از خوشایند و لذّت و قراردادهاست و تحوّلی عمیق در نظام اخلاقی ایجاد می کند؛ بینشی که در آن با شناخت و عشق به اللّه، اعمال تبدیل (سنجیده) می شوند و اکسیری به میان می آید که سیئات را به حسنات مبدّل می نماید که: «یبدّل اللّه سیئاتهم حسنات».(۱)

در این بینش، انسان از خوشی ها بالاتر آمده و به خوبی ها می رسد؛ زیرا در چنین ایده والایی است که خوشی با خوبی متفاوت است، انگور برای سرماخورده گرچه خوش است، اما خوب نیست، همان گونه که دارو برای مریض خوش نیست، اما خوب است، به همین دلیل به ما می آموزند چه بسا چیزهایی که برای شما خوشایند نیست؛ اما «خیرٌ لکم» و چه بسا چیزهایی که برای شما خوشایند و محبوب است، اما شرّ می باشد(۲) و دین عهده دار چنین رهنمودهایی می شود.

«أین باب اللّه الذی مِنْه یُؤْتی ؛ کجاست آن درگاهی که از آنجا به سوی خدا بروند؟

اینجا محل ورود به رضایت ها و عبادت های رشد دهنده است و درهای کفر و الحاد را می بندد و بازارشان را از رونق می اندازد و دوستان خداوند به وجه خداوند می نگرند، وجه خدا همان ذات خداوند و در روایت به امام علیه السلام نیز تفسیر شده است.(۳)

۱- ۲۷۹. سوره فرقان، آیه ۷۰.

۲- ۲۸۰. سوره بقره، آیه ۲۱۶.

۳- ۲۸۱. تفسیر برهان.

«أين وجه اللَّه الذی الیه یتوجّه الاولیاء»؛

«أين السبب المتصّل بين الارض و السماء»؛

کجاست علّت اتصال و پیوند دهنده بین زمین و آسمان.

امام خلیفه الهی و انسان کامل است؛ زیرا مهیای همه کمالات (علم، طهارت و قدرت) می باشد و سبب آن همانا عبودیت و تسلیم و زهدی است که از آن سخن به میان آمد و در مراتب نازله نیز می توان به مراتبی دست یافت، همان طور که روایت قرب نوافل دلالت بر این مدعا دارد که می فرماید: وقتی بنده من مطیع بوده و بعد از فرائض، نوافل را به جای آورد، او را دوست می دارم و در این هنگام چشم و گوش و دست او خواهم بود.(۱)

به همین دلیل، امام علیه السلام وسیله پیوند انسان زمینی به آسمان معنویت خواهد بود، چرا که مجرای فیض الهی؛ «و داعی الی اللَّه» است و در زمستان سرد جدایی انسان از آسمان، او پیوندی دوباره برقرار خواهد کرد.

«یقبل الناس علی العبادات و الشرع و الدیانه و الصلوه فی الجماعات»؛ در زمان ظهور مردم با رغبت به عبادات روی آورده و خدا را با هدایتِ شرع و ضوابط دین می پرستند و نماز را با جماعت (به دور از فردیت و پراکندگی) برپا خواهند داشت.(۲)

ص:۱۰۹

۱- ۲۸۲. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۱۰ به نقل از محاسن، ج ۱، ص ۴۵۴.
۲- ۲۸۳. منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۵۹۲.

با کمال تأسف می بینم که سرمایه ها از سوی جهان کفر برای نوشتن کتاب علیه رسول خداصلی الله علیه وآله اختصاص داده می شود و به قول روژه گارودی خدای آنان همان سرمایه و بازار می گردد که یکی از اندیشمندان غرب گفته است خدا در نظر ما همان رئیس شرکت سهامی کائنات است![1] و ریگان می گوید: من به خدا ایمان دارم. اما ایمان من برای نگهداری اسرائیل از ایمان به خدا بیشتر است.[2]

در چنین فضایی با پیوند به دستان مبارک و پر قدرت امام موعودعلیه السلام، روز پیروزی و برافراشتن پرچم هدایت را از خداوند متعال مسئلت می نمایم.

«أینَ صاحب یوم الفتح و ناشر رایه الهدی ؛ اینجا نشر و گسترش رایت هدایت است و راهیابی انسان محدود و محکوم نخواهد شد و پراکندگی های فکری و رفتاری به تألیف و اجتماع می رسد.

«أینَ مؤلّفُ شمل الصلاح و الرّضا»؛ کجاست آنکه پریشانیِ خلق را اصلاح و دل ها را خشنود می سازد.

اکنون انسان دچار تشتت و پراکندگی در اندیشه و شناخت صلاح و سعادت خویش است و متأسفانه حتی در بین مسلمانان نیز هفتاد فرقه شده اند و از آنجا که کار امام علیه السلام جهانی می باشد، برکاتش هر دو جهان را خواهد گرفت. زیرا جهان غرب حتی راه کلّی (اسلام) را هم نمی داند

۱- ۲۸۴. اریک فروم، روانشناس و نویسنده کتاب هنر عشق ورزیدن.

۲- ۲۸۵. زندگی یک آمریکایی، روزنامه اطلاعات.

و به اعتراف منتقدان آگاه که برخاسته از جامعه غرب هستند، مورد سرزنش واقع شده، چنان که آقای ویلیام چیتیک بسیار زیبا توصیف نموده است:

فلسفه جدید و روش های جدید غرب، نامش «تشتُّت و تشعّب» است. هر کس برای خودش مکتب و پیروانی دارد؛ مثل لباس زنانه مُد روز هم هست.

ما در دانشگاه آمریکا این را شاهد هستیم، آدم ها نگاه می کنند به پاریس که الان در آن جا چه چیزی مُد است. پنج سال بعد در آمریکا هم مُد می شود. بالاخره استادان آمریکایی هر لحظه که مُد جدید تفکّر ظاهر می شود، توجهشان به آن جلب می گردد، این ها همه مقلّدند.(۱)

راستی که این فرازهای دعای ندبه نیازهای انسانی را شناخته و مرکز تأمین آن را شناسانده است تا کجا کِی انسان بیدار شود. پس بر ان گرامی درود می فرستیم.

«السلام علی ربیع الانام و نضره الایام»؛(۲) درود بر تو ای بهار انسان ها و تازگی و طراوت ایام.

سزاوار است که در این بخش به برکات ظهور امام علیه السلام مراجعه گردد و سیر این پیروزی و سرکوبی دشمنان حقّ به آنجا می رسد که انتقام خون مصلحان الهی تاریخ از انبیا تا اوصیایی چون شهید کربلا که در

۱- ۲۸۶. مصاحبه با پرفسور چیتیک، استاد دانشگاه هاروارد، کیهان شماره ۱۶۵۴۶.

۲- ۲۸۷. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۲، چاپ اسلامیه.

مظلومانه ترین شرایط در سرزمین کربلا به وقوع پیوست، گرفته می شود.

«أین الطالب بذُحُول الانبیاء و ابناء الانبیاء، أین الطالب بدم لمقتول بکربلاء»؛ این جنبش خونخواهانه دست هر متجاوز و افترا زننده را کوتاه می کند.

«أین المنصور علی من اعتدی علیه و افتری ؛ این پیروزی و شگفتی، محقق خواهد شد، زیرا امام موعودعلیه السلام مردی منصور است.

نصرتی با اقتدار و بی بدیل چون یاری خدا همراه او می باشد و این سرود وعده های اوست: «انا لننصُرُ رسلنا و الذین آمنوا فی الحیاه الدنیا»؛

ما پیامبران و کسانی که ایمان آورده اند در زندگی دنیا یاری خواهیم کرد(۱) که امام موعودعلیه السلام سپاه منصور خداست(۲) چرا که او به یاری دین خدا برخاسته(۳) و خداوند یاری دل های باورمند را حقی بر گردن خود می داند.(۴)

«حقاً علینا نصر المؤمنین»؛ کدام دل سرشارتر از دل اولیا خدا، در داستان لطیفی آمده است وقتی حضرت یوسف علیه السلام را برای فروش به بازار بردند، گفتند: خریداران باید به وزنش طلا بدهند ولی کسی قدرت چنین خریدی را نداشت، تا پادشاه مصر آمد و هر چه طلاـ در طرف دیگر ترازو گذاشتند، یوسف سنگین تر می شد و خلاصه نتوانستند به اندازه وزنش طلا بگذارند.

۱- ۲۸۸. سوره غافر، آیه ۵۱.

۲- ۲۸۹. سوره صافات، آیه ۱۷۲.

۳- ۲۹۰. سوره محمد، آیه ۷.

۴- ۲۹۱. سوره روم، آیه ۴۷.

وقتی سبب را پرسیدند؛ یوسف گفت: من دارای متاعی هستم که اگر آسمان ها و زمین طلا باشد، متاع من از تمام آنها سنگین تر است.

پرسیدند آن چیست؟!

گفت: کلمه «لا اله الا للّه».(۱)

نصر و یاری خدا نزدیک است(۲) و هیچ یاری و پیروزی نیست، مگر آن که از سوی خداوند باشد، «و ما النصر الا من عنداللّه العزیز الحکیم»(۳) و دعای آن بزرگوار اجابت می شود که از سر اضطرار است.

«أین المضطرّ الذی یُجاب اذا دعی ؛

زیرا دعای اضطرار برای کسی است که امیدی به غیرخدا ندارد و اعتماد بر او نموده، پس انقطاع حاصل می شود و این یعنی شرط اساسی استجابت که اخلاص است، چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «و بالاخلاص یکون الخلاص».(۴)

در حدیث آمده: خداوند به حضرت عیسی علیه السلام وحی نمود: مثل انسان غمگین و غریقی دعا کن که هیچ فریاد رسی ندارد، آنگاه از تو دعا و از من اجابت و امام صادق علیه السلام می فرماید: وقتی یکی از شما اراده کرد از خدا چیزی نخواهد مگر آن که اجابت شود.

پس باید از همه مردم مأیوس شود و امیدی جز به خدا نداشته باشد،

۱- ۲۹۲. شفاء الصدور، شیخ هادی بروجردی، ص ۱۳.

۲- ۲۹۳. سوره بقره، آیه ۲۱۴.

۳- ۲۹۴. سوره انفال، آیه ۱۰.

۴- ۲۹۵. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۲۱.

پس اگر از قلب خود چنین ندایی فهمید، چیزی نخواهد خواست مگر آن که اجابت می شود.(۱)

مهدی موعودعلیه السلام تجلّی توحید وانقطاع از غیرخداست، گرچه در این دعا نیز او هماهنگ با حکمت خداوند است؛ چنان که امام سجادعلیه السلام از این راز پرده برداشته می فرماید:

یا من لاتبدّل حکمته الوسائل؛

ای کسی که حکمت تو را وسیله ها تبدیل و تغییر نمی دهد.(۲)

در واقع باید صلاح کار را به خسروان سپرد و در حقیقت امام علیه السلام صدرنشین آفریدگان است و نیکی و پارسایی هم نشین و همراه اوست و اگر او را می خواهیم باید که با برّ و نیکی مأنوس شویم.

أین صدر الخلائق ذوالبرّ التقوی

اصالت و نجابت مقام امام زمان علیه السلام

قسمت اول

شگفتا که در این فراز دوباره بر پیوند امام موعودعلیه السلام با پیامبرصلی الله علیه وآله و علی مرتضی علیه السلام و خدیجه کبری علیها السلام و فاطمه زهراعلیها السلام تأکید می شود.

این ها تأکیدی بر رابطه ناگسستنی نبوت و امامت و تحکیمی بر حقیقت امامت علی علیه السلام دارد که پیوسته دشمنان در تفریق و تضعیف و تشکیک بلکه تکذیب این پیوند بوده اند و می باشند.(۳)

۱- ۲۹۶. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷۴.

۲- ۲۹۷. صحیفه سجادیه، دعای شماره ۱۳.

۳- ۲۹۸. به تاریخ حملات و افتراها در گذشته و اکنون مراجعه شود.

«أین ابن النّبی المصطفی و ابن علی المرتضی»؛ کجاست فرزند مصطفی و علی و مرتضی «و ابن خدیجه الغرّاءِ»؛ که نجیب و بزرگوار و روسفید (در مزاوجت با پیامبرصلی الله علیه وآله و مقاومت در برابر دشمنان اسلام و نصرت دین) در برابر روسیاهانی که او را پیرزنی نامیدند.(۱)

«بابی انت و اُمّی»؛ پدر و مادرم فدای تو باد «و نفسی لک الوقاء»؛ پیش مرگ تو شوم.

شخصی می گفت: گاه من این جمله: «بأبی انت و اُمّی» را در زیارات دیگر می خواندم اما برایم سنگین بود، اما وقتی به شناخت رسیدم که امام از خودم به خودم مهربان تر و دلسوزتر است، برایم آسان شد و همین سرّ بزرگی اصحاب امام حسین علیه السلام است که فدایی می شوند و در نماز امام علیه السلام تیرها را به جان خود می خرند «و بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام» و خون دل خویش را قبل از ولی امر فدا می کنند و چنین است رسم شیدایی.

«یابن الساده المقرّبین»؛ ای فرزند سادات مقرّب درگاه خداوند.

«یابن النجباء الاکرمین»؛ ای زاده نجیبان گرامی.

«یابن الهداه المهدیین»؛ ای فرزند راهنمایان راه یافته.

«یابن الخیره المهذّبین»؛ ای فرزند برگزیدگان پاکیزه.

همچنین در زیارت آن عزیز می گوییم: «السلام علیک ایها المهذّب الخائف»؛ درود بر تو ای پاک نهاد... !(۲)

۱- ۲۹۹. منظور عایشه است.

۲- ۳۰۰. مفاتیح الجنان، زیارت روز جمعه.

«یابن الغطارفه الانجبین»؛ ای زاده آقا منشان (سخاوتمند و با مروت، بزرگوار، مفرد آن غِطراف) با نجابت.

هارون «لعنه اللّه علیه» برای امام هفتم در زندان برای به سازش کشیدن امام علیه السلام چرب زبانی نمود و در نهایت گفت: هر انسان غذایی مورد طبع اش را لازم دارد، من ربیع را فرستاده ام هر دستوری داری بگو و آنچه میل داری بی پرده بخواه.

امام علیه السلام می فرماید: من مالی در اینجا ندارم که سودم دهد «و ما خُلقتُ سَؤلاً»؛ من خواهش کننده ساخته نشده ام(۱) با این کلام هم مال هارون را حرام اعلام کرد و هم چیزی نخواست و حسرت خواهش را بر دل طاغوت گذاشت.

شرح این بزرگواری ها و آقامنشی ها را باید در تاریخ جست که چگونه با دشمنان نیز محبت و گذشت داشته اند و در هنگام قدرت نیز انتقام نگرفتند.

«یابن القماقمه الاکرمین»؛ ای فرزند مردان بزرگوار و بخشنده.

داستان بخشش های اهل بیت علیهم السلام از رسول گرامی تا علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام که سه روز گرسنگی کشیدند و یتیم، اسیر و مسکین را می نوازند و اراده سپاس و تشکر آنان را نمی نمایند. «لانرید منکم جزاءً و لاشکورا»(۲)، نیاز به تأمّل دارد.

۱- ۳۰۱. انوارالبهیه، مرحوم محدث قمی، ص ۹۶ و خاندان وحی استاد قرشی، ص ۵۶۲.

۲- ۳۰۲. سوره انسان، آیه ۹.

«یابن الاطائب المطهّرین»؛ ای فرزند پاکیزگان تطهیر شده.

از پاکی های ائمه علیهم السلام قصّه های شگفتی است که می توان به موارد کوچکی اشاره نمود.

در تاریخ زندگانی امام هفتم می بینیم به دستور هارون، زنی که کنیز بسیار زیبایی بود را به زندان امام علیه السلام وارد نمودند و سپس امام علیه السلام می فرماید: حاجتی ندارم، هارون می گوید: با میل تو نیست و بعد از چندی، کنیز را در حال سجده و ذکر «قدوس و سبحانک سبحانک» می بیند.

هارون می گوید: موسی بن جعفر او را جادو کرده و وقتی کنیز را می آورند، چنین می گوید: او روز و شب به نماز ایستاده بود و از نماز که فارغ می شد، خدا را تسبیح می کرد.

گفتم: مرا برای خدمت به اینجا فرستاده اند.

امام علیه السلام فرمود: پس این ها چه کاره اند؟

کنیز باغی را می بیند، بهشتی با خادمان و با دیدن آن صحنه به سجده می افتد.

هارون می گوید: ای خبیثه شاید خواب دیده ای و کنیز تکذیب می کند.

هارون می گوید: این خبیثه را ببر و نگذار کسی سخن او را بشنود. کنیز در محل خود شروع به نماز کرد و هر وقت از او می پرسیدند می گفت: آن عبد صالح را در چنین حالی دیده ام و چندی در همین حال

بود تا از دنیا رفت.(۱) جرجی زیدان یک نمونه یا قطره ای از این اقیانوس طهارت را در کتابِ خود، درباره امام حسین علیه السلام آورده است.

«یابن البدور المنیره»؛ ای زاده ماه های تابان.

«یابن السرج المضیئه»؛ ای فرزند چراغ های فروزنده که هر چه دشمن کوشید که خاموش کند، اما نتوانست.

«یابن الشهب الثاقبه»؛ ای زاده ستارگان نافذ که به دل های آدم ها نفوذ می کنند، و عشق و ارادتی مکتوب که نمونه های آن را در کتاب های نویسندگان غیر مسلمان، درباره علی علیه السلام می بینیم و بنابر تحلیل آیه ۸ تا ۹ سوره جنّ همان شهاب های حارس و محافظی می باشند که وقتی فرقه های منحرف به آسمان دل مؤمنان قصد سویی می کنند، ائمه علیهم السلام آنان را هدف قرار می دهند و در طول تاریخ، دین را از شیاطین حفظ می کنند، یکی از نمونه های جالبی که در این زمینه می توان بیان نمود، از عنایت های امام زمان علیه السلام است که خوانندگان خود قضاوت کنند؛ در مصاحبه با یکی از راه یافتگان فرقه پوشالی بهائیت می خوانیم: آنها (سران بهاییت) کلاس های آموزشی و اردوهایی برای همه بهایی ها داشتند تا اینکه طرح روحی به وجود آمد، برای بهایی کردن مسلمان ها؛ یعنی هدف اصلی طرح فقط تبلیغ است و آموزش تبلیغ و اتفاقاً اشاره کرده اند که روی بچه ها چگونه کار کنید. البتّه واقعاً ناموفق بوده اند.

چرا؟!

ص:۱۱۸

۱- ۳۰۳. خاندان وحی، ص ۵۶۱، به نقل از مناقب، ج ۴، ص ۲۹۷.

نمی دانم! شاید دست غیبی در کار بود، همیشه ناموفق بوده اند این هم یکی دیگر از ناکامی هایشان.(۱)

«یابن الانجم الزاهره»؛ ای زاده اختران درخشنده.

«یابن السبیل الواضحه»؛ ای فرزند راه های واضح.

این معجزه کلام و سیره ائمه علیهم السلام است که راه های خوبی را به سادگی نشان می دهند با یک جمله کوتاه راهی بلند را طیّ می نمایند، وقتی فردی به امام جوادعلیه السلام می گوید مرا راهنمایی کن که جامع و منحصر باشد، می فرماید: «صُن نفسک عن عار العاجله و نار الاجله»، نفس خویش را از ننگ آماده (دنیا) و آتش آینده، مصونیت ببخش!(۲)

این امام علیه السلام ماست که در ۷ - ۶ سالگی به امامت می رسد و درماندگی فقهاء کهنسال را در اندازه قطع دست که در قرآن مجمل است بیان می نماید و حتی استناد قرآن را بیان می کند و ابن ابی داود می گوید: معتصم جواب محمّد بن علی علیه السلام را پسندید و دستور داد انگشتان دزد را قطع کردند و من همانجا (از شرمساری) آرزوی مرگ کردم.(۳)

«یابن الاعلام اللائحه؛ ای زاده نشانه های روشن و راهنما.

«یابن العلوم الکامله»؛ ای زاده علوم کامل، اینجا نفرموده عالمان کامل یا شاید از باب زیدٌ عدل باشد که مبالغه در علم جامع باشد بلکه

ص:۱۱۹

۱- ۳۰۴. کیهان، شماره ۱۸۶۴۳.

۲- ۳۰۵. پیشوایان معصوم، مؤسسه در راه حق، ص ۴۶۱، به نقل از احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۴۳۹.

۳- ۳۰۶. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۵.

همه ابعاد زندگی انسان را شامل می شود؛ زیرا ولایت امام، انسان را در محدوده دنیا نمی بیند بلکه ابدیت انسان را تضمین می کند.

در هر صورت علم آنان بسیار گسترده است؛ به یک نمونه دلنشین از امام مجتبی علیه السلام توجه کنید:

امام صادق علیه السلام می فرماید: روزی امام حسن علیه السلام با معاویه «لعنه اللّه علیه» در نخیله نشستند و معاویه گفت: ابا محمد! به من گفته اند که رسول خدا (خرمای) نخل ها را تخمین می زد آیا شما چنین علمی داری؟ شیعیان شما عقیده دارند که هیچ دانشی، نه در زمین و نه در آسمان از شما پنهان نیست.

سپس پرسید: این نخل چقدر خرما دارد؟!

امام حسین علیه السلام فرمود: چهار هزار و چهار خرمای نارس!

معاویه دستور دارد تا خرماها را از درخت کندند و شمردند چهار هزار و سه دانه بود.

امام حسن علیه السلام فرمود: سوگند به خدا به من دروغ نگفته اند؛ من نیز دروغ نگفته ام؛ پس نگریستند و دیدند آن یک دانه در دست عبداللّه بن عامر بن کریز است. سپس امام حسن علیه السلام فرمود: معاویه! اگر کافر نمی شدی به تو می گفتم در آینده چه کارهایی خواهی کرد.(۱)

«یابن السنن المشهوره»؛ ای زاده روش های معروف که رفتارها و سیره ائمه علیهم السلام چنان شناخته شده بوده اند که جای تردید و تکذیبی

۱- ۳۰۷. فرهنگ جامع سخنان امام حسن علیه السلام، ص ۱۴۶، به نقل از بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۲۹.

نیست، زیرا همه بر آمده از کتاب خدا و سنّت رسول بوده است.

«یابن المعالم المأثوره»؛ ای فرزند آموزه های روایت شده، یعنی سینه به سینه. زیرا علوم ائمه علیهم السلام سینه به سینه از امام زمان علیه السلام تا علی علیه السلام و سپس مستند به رسول اکرم صلی الله علیه وآله و رسول صلی الله علیه وآله نیز از وحی می گوید: که «ما ینطق عن الهوی ،ان هو الا وحی یوحی».(۱)

در حقیقت روایات ائمه علیهم السلام بیانی از وحی اند، چنان که قرآن خود این حقیقت را به صراحت نشان داده است، «انزلنا الیك الذکر لتُبینَ للناس ما نُزِّل الیهم»؛ قرآن را به تو فروفرستادیم تا برای مردم تبیین و تفسیر نمایی(۲) و این روایات به تعبیر علامه عسکری: «وحی بیانی هستند».

«یا من المعجزات الموجوده»؛ ای زاده معجزات موجود.

یک معجزه موجود همان قرآن و بقیه نمونه هایی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام نوشته اند و تاریخ گواه آن است و هم اکنون نیز با توسلات، ناشدنی ها شدنی می شوند؛ کافی است کسی با ایمان از آنها بخواهد.(۳)

«یا بن الدلائل المشهوده»؛ ای فرزند دلایل مشهود که مردم به راحتی شاهد دین مستحکم و منطقی هستند.

۱- ۳۰۸. سوره نجم، آیه ۳،۴.

۲- ۳۰۹. سوره نحل، آیه ۴۴.

۳- ۳۱۰. به راحتی می توان به قصّه امام هادی علیه السلام، امام رضاعلیه السلام در اشاره به تصاویر شیرها مراجعه کرد که چگونه تصاویر جان می گیرند و مرد جسور را می بلعند و خلیفه بی هوش می شود.

ای پسر صراط مستقیم یعنی امیرمؤمنان علی علیه السلام(۱).

«یابن النباء العظیم»؛ ای پسر خبر بزرگ که همان علی علیه السلام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله هنگام تلاوت این آیه فرمود: «إِنَّ ولایه علی یتسائلون عنها فی قبور هم...» ولایت علی آن چیزی است که در قبرها از آن سؤال می شوند.

پس هیچ مرده ای در شرق و غرب عالم و نه در خشکی و دریاست، مگر آن که نکیر و منکر از او درباره ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می پرسند و به مرده می گویند: کیست خدای تو، دین تو چیست، پیامبر تو کیست و امامت چه کسی می باشد؟!

این روایت از اهل سنّت، حافظ ابونعیم نقل شده است.(۲)

«یابن من هو فی ام الکتاب لَدَی اللَّه، علی حکیم»؛ ای پسر کسی که در دفتر کُلّ نزد خداوند، (علی) حکیم و (فرزانه) شمرده شده که مقصود از علی امیرالمؤمنین علیه السلام است.

«یابن الایات و البینات»؛ ای پسر نشانه ها و دلایل روشن.

«یابن الدلائل الظاهرات»؛ ای پسر دلیل های آشکار.

«یابن البراهین الواضحات الباهرات»؛ ای پسر برهان های واضح خیره کننده.

«یابن الحجج البالغات»؛ ای زاده حجت های رسا.

«یابن النعم السابغات»؛ ای فرزند نعمت های گسترده.

۱- ۳۱۱. و صراطه المستقیم، زیارت روز غدیر.

۲- ۳۱۲. شرح دعای ندبه، مرحوم ادیب، ص ۲۶۵.

«یابن الحجج البالغات»؛ ای فرزند حجت های رسا.

قسمت دوم

حجّت آن چیزی است که با آن احتجاج می شود، حجّت دین و بیان و سیره رسول اللَّه صلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام آنان چنان رسا می باشد که کسی دچار تردید نمی شود، چون آن بزرگواران از بینشی سخن می گفته اند که پایگاه درونی در انسان دارد، چنان که قرآن می گوید: «حبّب الیکم الایمان».

خدا ایمان را محبوب شما قرار داده «و زیّنه فی قلوبکم»؛ و دل هاتان مزیّن به آن است.(۱) در حقیقت، دلیل ها و نشانه های روشن و آشکار، فقط باید کسانی باشند تا با هدایت خویش زمینه ساز انتخابی صحیح باشند و چنین است که می بینیم گفتار امام علیه السلام با کسانی که در نهایت الحاد بودند به جایی می رسد که می توان معنی حجج بالغه را فهمید.

ابومنصور می گوید: یکی از دوستانم نقل کرد: که با ابن ابی العوجاء و عبداللَّه بن مقّفع (از سر کردگان، الحاد) در مکه، در مسجد الحرام نشسته بودیم، ابن مقفع گفت: این مردم را می بینید؟

هیچ یک شایسته نام انسان نیستند مگر آن مرد بزرگ که نشسته است.

ابن ابی العوجاء گفت: چرا از این همه، آن مرد را انسان می دانی؟!

زیرا در او چیزهایی دیده ام که در غیر او نیافتم.

ابن ابی العوجاء گفت: باید صحت ادعای تو را جویا شوم و خودم بفهمم.

۱- ۳۱۳. سوره حجرات، آیه ۷.

ابن مقفع: از این کار صرف نظر کن، چرا که بیمناکم اگر با او سخن بگویی آنچه داری (دلائل الحادی) تباه سازد... .

سرانجام ابن ابی العوجاء به دیدار امام می رود و وقتی باز می گردد، می گوید: وای بر تو، تو گفتی او انسانی است، اما من دیدم او از جنس بشر نیست. اگر در جهان یک تن باشد که هرگاه بخواهد، روح محض است و هرگاه بخواهد، در بدن جسمانی دیده می شود، تنها اوست!

سپس استدلال های امام علیه السلام را درباره خدا توضیح می دهد تا آنجا که می گوید: ... همچنین آثار قدرت خدا را که در وجود من است و نمی توانم انکار کنم، پیوسته بر من می شمرد، چنان که گمان کردم هم اکنون خدا میان من و او آشکار می گردد.(۱)

«یابن النعم السابغات»؛ ای فرزند نعمت های گسترده.

اهل بیت علیهم السلام نعمتی جامع اند که پاسخ گوی همه ابعاد آدمی می باشند، برخی نعمت ها برای جزئی از وجود ماست، اما نعمت آنان هم تمامی وجود آدمی را سرشار می کند و هم تا گستره بعد از مرگ ادامه دارد.

«یابن طه و المحکمات»؛ طه نام پیامبر است و از امام باقرعلیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت است که پیامبرصلی الله علیه وآله برای عبادات آنقدر بر سر پا می ایستاد که قدم های او ورم کرد، آیات سوره طه نازل شد که خطاب نمود: «طه ما انزلنا علیك القرآن لِتشقی ؛ ای پیامبر! ما قرآن را نفرستادیم که این قدر خود را به زحمت اندازی و طه به معنی محمّد

۱- ۳۱۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۷۴. سوره طه، آیه ۱،۲.

است و امام صادق علیه السلام فرمود: «طه» یعنی ای طالب حقّ و هادی به سوی حقّ.(۱)

محکمـات در مقابل محملات و متشابهات است.(۲) زیرا ائمه علیهم السـلام خود تجلّی هـدایتی هسـتند که تردیدی در آن راه ندارد و به اصول و سـننی هدایت می کنند که اسـتحکام لازم را دارد، پس رفتار آنان اسوه است، چنان که رسول اللَّه صلی الله علیه وآله چنین بود.

«یابن یس و الذاریات»؛ ای زاده یس و ذاریات.

یس، نام پیامبرصلی الله علیه وآله است که در ابتدای سوره یس مخاطب قرار گرفته است و امام صادق علیه السلام فرمود: یس، اسم رسول اللَّه صلی الله علیه وآله است و دلیل بر آن، آیه بعد است که می فرماید: «انک لمن المرسلین».(۳)

از آنجا که یس قلب قرآن است،(۴) پس می توان جایگاه رسول اکرم صلی الله علیه وآله و بالتبع مقام ائمه علیهم السلام و امام زمان علیه السلام را دانست چرا که حیات قرآن با اهل بیت علیهم السلام است.

ذاریات جمع ذاریه به معنی بادهایی می باشـد که اشـیاء را به پرواز در می آورد، شایـد وجه تشبیه این باشد، همان طور که باد است و هوا را لطیف می نمایـد و بـذر گیاهـان را به اطراف می رسانـد و باروری گیاهان (لقاح) را تمهیـد و تسـهیل می کنـد، چنان که قرآن می فرماید: «ارسلنا الریاح لواقح»؛ بادها را می فرستیم تا ابرها را آبستن و بارور نمایند(۵)

۱- ۳۱۵. شرح دعای ندبه، مرحوم ادیب، صص ۲۶۹ - ۲۶۸.
۲- ۳۱۶. سوره آل عمران، آیه ۳.
۳- ۳۱۷. تفسیر نمونه، ج ۱۰۸، ص ۳۱۵ به نقل از نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۷۵. سوره یس، آیه ۳.
۴- ۳۱۸. تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه اول.
۵- ۳۱۹. سوره حجر، آیه ۲۲.

و موجب ریزش باران و حیات و نشاط می شوند(۱) و نشانه ریزش رحمت الهی هستند؛ پس همه این برکات در اهل بیت علیهم السلام هست که هر جا شناسانده شوند و معارف آنها برسد، آدم ها را تولدی دیگر می بخشند و شور و نشاط و حیات را در دل ها می دمند.

«یابن الطور و العادیات»؛ ای زاده طور و عادیات.

کوه طور محل وحی بر موسی علیه السلام و شروع دستور برای مبارزه با فرعونیان است و در این آیه، منظور پیامبرصلی الله علیه وآله است که همچون کوهی استوار برای ابلاغ و نشر دین خود ایستاد(۲) و همچنین می تواند اشاره به حرکت امام زمان علیه السلام باشد که او نیز این سنت مبارزه را شروع خواهد کرد و انسان ها را از طوفان ها و امواج نیل سختی ها نجات خواهد داد.

«و العادیات» چنان که در تفاسیر آورده است: مربوط به جنگ ذات السلاسل است که در سال هشتم هجرت پیامبرصلی الله علیه وآله خبردار شد که دوازده هزار نفر در سرزمین یابس جمع و متحد شده اند که رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله و علی علیه السلام را کشته و مسلمانان را متلاشی نمایند، پیامبرصلی الله علیه وآله عدّه ای از اصحاب را فرستاد که بی نتیجه بازگشتند و سرانجام علی علیه السلام با گروهی کثیر از مهاجر و انصار حرکت نمود و با تدبیری ویژه آنها را شکست داد و گروهی را اسیر و به غنیمت آورد، هنوز سربازان به مدینه بازنگشته بودند که پیامبرصلی الله علیه وآله در نماز صبح این سوره

۱- ۳۲۰. سوره اعراف، آیه ۵۷؛ سوره فرقان، آیه ۴۸ و سوره فاطر، آیه ۹.

۲- ۳۲۱. شرح دعای ندبه، مرحوم ادیب، ص ۲۷۲.

را تلاوت نمود و خبر پیروزی علی علیه السلام را بشارت داد.(۱) در این جنگ ۱۲۰ نفر از شجاعان دشمن به شمشیر علی علیه السلام هلاک شدند.

پس امام زمان علیه السلام را از این جهت فرزند عادیات (اسبان دونده ای که نفس زنان به میدان جهان رفتند) می دانند، چون یادآور سابقه درخشان جدّ بزرگوارشان می باشد.

یـابن من دنی فتـدلّی فکـان قـاب قوسـین أو أدنی دنوّاً و اقترابـاً من العلیّ الاـعلی؛ ای زاده کسـی که به (حضور و شـهود الهی) نزدیک شد و در آویخت تا به اندازه دو سر کمان یا نزدیک تر رسید به آن خدای علیّ اعلی.

این چنین قرب و حضوری برای چه کسی حاصل شده است وچگونه می توان آن را تصوّر نمود و به همین دلیل بوده است که برخی گمان مکان برده بودند و از امام سـجادعلیه السـلام پرسـش نمودند، امام علیه السلام فرمود: خدا برتر از مکان است ولی پیامبرصـلی الله علیه وآله را سِیْر داد تا به شـگفتی های عالم هستی و ملکوت پی ببرد و حجاب ها را براندازد؛ پس پیامبرصـلی الله علیه وآله به آن حجاب های انوار حق نزدیک شـد و ملکوت آسـمان و زمین را مشاهده نمود، حقایق اشـیاء را دید و به آن انوار آویخته شد.(۲)

ایـن فراز از دعـا که نمایشـگر نهـایت علـوّ مقـام رسـول اللَّه صـلی الله علیه وآله در قرب خـداست، تـابلویی است که به انسـان، گذشته، حال و آینده را می فهماند، شما هر چه تصرّف داشته باشید، نمی توانید به اندازه رسول اللَّه صلی الله علیه وآله

۱- ۳۲۲. بحارالانوار، ج ۲۱؛ مجمع البیان، ج ۱۰ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۴۰.
۲- ۳۲۳. شرح دعای ندبه، مرحوم ادیب، صص ۲۷۹ - ۲۸۸.

عروج کنید که از ملک هستی به ملکوت و سپس به مالک هستی چنین نزدیک شده و فرزند او مهدی علیه السلام در چنین شجره طیبه ای قرار دارد، باید یادآور شویم که این فقط شهودی باطنی بوده، چنان که رسول اکرم صلی الله علیه وآله در پاسخ این سؤالی که «هل رأیت ربک»؛ آیا خدا را دیده ای؟

فرمود: «رأیتُ بفؤادی»؛ او را با قلبم دیدم.(۱)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم در پاسخ این سؤال فرمود: کسی را که ندیده باشم، نمی پرستم، اما نه با چشم سر دیده ام، بلکه با چشم دل.(۲)

البته لازم است به حکایت معراج مراجعه کنیم که حقایق بسیار ارزشمندی را رسول اکرم صلی الله علیه وآله دید و گزارش نمود: وقتی پیامبرصلی الله علیه وآله از خداوند متعال پرسید: کدام کار از همه افضل است؟

خداوند فرمود: هیچ چیز نزد من برتر از توکل بر من و رضا به آنچه قسمت کرده ام، نیست؛ ای محمد! آنها که به خاطر من یکدیگر را دوست دارند، محبتم شامل حال آنهاست و کسانی که به خاطر من مهربانند و به خاطر من پیوند دوستی دارند، آنها را دوست دارم و محبتم برای کسانی که بر من توکل می کنند، لازم است و برای محبتم حد و مرزی و نهایتی نیست.

ای محمّد! همچون کودکانی مباش که سبز و زرد رزق و برق را دوست دارند و هنگامی که غذای شیرین و دلپذیری به آنها می دهند،

---

۱ - ۳۲۴. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۸۷ و نهج البلاغه، خ ۱۷۹ برای تفصیل به تفسیر نمونه، ج ۲۲، صص ۴۹۴ - ۴۹۳ مراجعه کنید.

۲- ۳۲۵. همان.

مغرور می شوند و همه چیز را فراموش می کنند.

پیامبرصلی الله علیه وآله عرضه داشت: پروردگارا مرا به عملی هدایت کن که موجب قرب تو باشد.

فرمود: شب را روز و روز را شب قرار ده.

عرض کرد: چگونه؟!

فرمود: چنان که خواب تو نماز باشد و هرگز شکم خود را سیر مکن.

ای محمد! محبت من محبت فقیران و محرومان است، به آنها نزدیک شو و در کنار مجلس آنها قرار گیر، تا من به تو نزدیک شوم و ثروتمندان دنیاپرست را از خود دور ساز و از مجالس آنها برحذر باش.

عرضه کرد: پروردگارا اهل دنیا و آخرت کیانند؟!

فرمود: اهل دنیا کسانی اند که زیاد می خورند، زیاد می خندند، می خوابند و خشم می گیرند و کمتر خشنود می شوند نه در برابر کسی عذر می خواهند، نه عذر کسی را می پذیرند، در اطاعت خدا تنبل و در گناهان شجاعند و... .

اما اهل آخرت، مردمی با حیا هستند، جهل آنها کم، منافعشان بسیار، مردم از آنها در راحت و خود از دست خویش در رنج و سخنانشان سنجیده است، پیوسته حسابگر خویشند و... .

ای احمد! عبادت، ده جزء دارد که نُه جزء آن طلب حلال است، هنگامی که غذا و نوشیدنی تو حلال باشد تو در حفظ و حمایت من هستی.

ای احمد! آیا می دانی کدام زندگی گواراتر و پر دوام تر است؟!

عرض کرد: خداوندا نه!

فرمود: زنـدگی گوارا آن است که صـاحب آن لحظه ای از یـاد من غافـل نمانـد، نعمت مرا فراموش نکنـد، از حق من بی خـبر نباشد و شب و روز، رضای مرا بطلبد، امّا زندگی باقی آن است که برای نجات خود عمل کند و دنیا در نظرش کوچک باشـد و آخرت بزرگ، رضـای مرا بر رضـای خودش مقـدّم بـدارد، در برابر هر گنـاه و معصـیتی به یـاد من بیفتـد و قلبش را از آنچه ناخوش دارم پاک کند، شیطان و وسوسه های شیطانی را مبغوض دارد و ابلیس را بر قلب خود مسلّط نسازد. هنگامی که چنین کنـد، محبت خاصـی در قلبش جـای دهم، آن چنـان که تمـام دلش در اختیـار من خواهـد بـود... چشم و گوش قلب او را می گشایم، تا با گوش و قلبش حقایق غیب را بشنود و با دلش جلال و عظمتم را بنگرد.

ای احمـد! اگر بنـده ای نمـاز تمـام اهـل آسـمان هـا و زمین را به جـا آورد و روزه تمام اهل زمین و آسـمان ها را انجام دهـد، همچون فرشـتگان غـذا نخورد و لبـاس فـاخری نپوشـد، ولی در قلبش ذرّه ای دنیـاپرستی یا ریاست طلبی یا عاشق به زینت دنیا باشد، در سرای جاویدانم در جوار من نخواهد بود و محبتم را از قلب او بر می دارم.

سلام و رحمتم بر تو باد «و الحمدللّه رب العالمین».(۱)

عبداللّه بن عمر نقل نموده که شخصی از رسول اکرم صلی الله علیه وآله پرسید: خداوند با چه صدایی با تو سخن گفت؟!

۱- ۳۲۶. بحاالانوار، ج ۷۷، صص ۳۰ - ۲۱ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۲.

پیامبرصلی الله علیه وآله جواب داد: صدای علی را شنیدم و از خداوند پرسیدم: خدایا! علی با من سخن می گوید یا تو؟!

خداونـد پاسخ داد: ای احمد! من چیزی مثل اشـیاء نیسـتم تا با مردم قیاس شوم، تو را از نور خودم آفریدم و علی را از نور تو و از نهان های قلب تو آگاه شـدم که هیـچ کس مثل علی نزد تو محبوب نمی باشـد؛ پس با زبان علی با تو پاسـخ گفتم، تا قلبت آرامش یابد.(۱)

اوج دعای ندبه، طلب و عطش به موعودعلیه السلام

«لیت شعری این استقرّت بک النوی»؛ کاش می دانستم که هجران و دوری، تو را کجا کشانده؟(۲)

«بل ای ارض تُقلّك أو ثری ؟ چه زمین و خاکی تو را نگه داشته؟

أبرضوی أو غیرها أم ذی طُوی آیا در کوه رضوایی یا غیر آن یا ذی طُوی؟

ذکر این دو نام در روایات، سابقه دارد، امام سـجادعلیه السـلام می فرماید: پس هنگام ظهور، جبرئیل دست قائم علیه السلام را می گیرد و مصافحه می نماید و بر او سلام می کند و می گوید بلند شو!

اسبی می آورد که به آن بُراق می گویند (اسم اسبی که پیامبرصـلی الله علیه وآله با آن به معراج رفت) پس سوار می شود و به کوه رضوی می آید و محمدصلی الله علیه وآله

۱- ۳۲۷. هزار فضیلت از امیرالمؤمنین علیه السلام، علی رضا صابری، به نقل از کشف الیقین، ص ۲۲۹.

۲- ۳۲۸. مکان نائی یا بعید تعبیر امام زمان علیه السلام است؛ احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۷.

و علی علیه السلام می آیند و منشور می نویسند، سپس به سوی مکه روان می شود که مردم در آن گرد آمده اند.(۱)

امام باقرعلیه السلام فرمود: از بلندی ذی طوی با ۳۱۳ نفر به پایین می آید تا این که به مسجد درآید.(۲)

در مقدّمه گفتیم که به عقیده کیسانیه محمّد بن حنفیه در کوه رضوی غایب شده! و آنها قائل به امامت اویند، همچنین در عقاید و سخنان کیسانیه آمده است که: محمّد بن حنفیه با امام زین العابدین ادعایی مطرح نمود و امام علیه السلام حکمیت را به عهده حجرالاسود گذاشت، یعنی در نزد او هر کدام ادعای امامت کنند و حجرالاسود به هرکدام شهادت دارد، حق با او باشد.

پس نزد حجر رفتند و محمد سخن گفت و پاسخی نیامد. آنگاه امام سجادعلیه السلام حجر را به حق خداوند قسم تا بگوید امام بعد از حسین بن علی علیه السلام کیست؟

حجرالاسود بر خود لرزیده و به زبان عربی فصیح گفت: که امامت حق علی بن الحسین است؛ محمد حنفیه پای امام سجادعلیه السلام بوسید و اعتراف به حق او نمود.(۳)

«عزیز علیَّ أنْ أری الخلق ولا تُری ؛ برایم چقدر سخت است که آفریدگان را ببینم و تو را نبینم، (که مقصد خلقت شمایید) بهتر است بگوییم:

۱- ۳۲۹. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

۲- ۳۳۰. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۳- ۳۳۱. حدیقهالشیعه، مقدس اردبیلی، ج ۲، ص ۶۸۳.

خود به چشمان پرده آویختند

آبروی چشم خود را ریختند(۱)

«و لا اسمع لک حسیساً و لا نجوی»؛ و از تو راز و رمزی نشنوم.

«عزیزٌ علیَّ ان تحیط بک دونی البلوی ؛ چقدر سخت است برایم که تو در محاصره گرفتاریها باشی و من نباشم، (شاید از این جهت که چون امام زمان علیه السلام اشراف به رنج ها و گرفتاری های شیعیان و بشریت دارد و جنگ و جهل و فقر و گرفتاری ها را می بیند و از طرفی به خاطر خطری که او را احاطه نموده و اذن ظهور او از طرف خداوند قرار نگرفته در چنین حصری مانده است).

«ولا ینالک منّی ضجیج و لاشکوی»؛ و سخت است که نمی توانم در حضورت ضجّه و شکوه کنم.

«بنفسی أنت مِنْ مغیَّب لم یخلُ منّا»؛ جانم فدای ناپیدایی که بیرون و جدا از ما نیست.

این جمله دفع شبهه از این مطلب است که این ها شکوه های من است؛ اما تو بی خبر نیستی، چنان که در کلام امام زمان علیه السلام آمده است: «نحن و إن کنَّا نائین بمکاننا النائی عن مساکن الظالمین... فانا نحیط علماً بانبائکم و لایعزبُ عنّا شیٌ من أخبارکم...».

گرچه ما در مکانی دور از مسکن ستمگران، منزل گرفته ایم، اما احاطه و اشراف به خبرهای شما داریم و هیچ کدام از اخبار شما از ما

۱- ۳۳۲. اسدی.

پنهان نمی ماند(۱) و چنین است که خاطرات عنایت امام علیه السلام در گذشته و دور، شیرین و دلرباست.

نقل شده است: علامه حلّی در هر شب جمعه برای زیارت سیدالشهداءعلیه السلام به کربلا می رفت، در یک سفر زیارتی ناگهان شخصی با وی همراه می شود، باب گفت و گو گشوده می شود و علامه که گوهر شناس بوده از مفاد و آهنگ کلمات همراه درمی یابد که همراهش فردی متفاوت است، پس بخشی از مسائل مشکل را با او در میان می گذارد و جواب می گیرد، تا این که مسأله ای ویژه را مطرح می کند و همراه آن فتوا می دهد.

علامه می گوید: در این باب حدیثی نداریم.

عالم می گوید: حدیثی در این باب در کتاب تهذیب شیخ طوسی آمده است! شما فلان مقدار ورق بشمارید در فلان صفحه و فلان سطر هست.

علامه شگفت زده شده که این شخص با این دانش و قاطعیت چه کسی می باشد؟

پس ناگهان می پرسد: آیا در این زمان که غیبت کبری است، می توان صاحب الامرعلیه السلام را دید؟

در این هنگام تازیانه از دست علامه به زمین می افتد، آن همراه بزرگوار خم شده و تازیانه را در دست علامه گذاشته و می فرماید: چگونه نمی توان او را دید در حالی که اکنون دست او در میان دست توست!

۱- ۳۳۳. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۷، نامه به شیخ مفید، چاپ اُسوه.

علّامه بی هوش شده و به زمین می افتد و بعد از این حادثه، به سراغ کتاب رفته و مطب را در همان نشانی می یابد و در حاشیه کتاب می نویسد: این همان حدیثی که حضرت صاحب الامرعلیه السلام از آن خبر دارد.(۱)

ز بس که گَرد معصیت نشسته بر چشمانم

تو در کنار منی و تو را نمی بینم

«بنفسی أَنت من نازحٍ ما نزح عنا»؛ جانم فدای دور از وطنی که از ما کناره نگرفته است.

آری!

او در کنار ماست، در تشرّفات عصر حاضر آنقدر نمونه هایی از عنایت و حضور آن گرامی می باشد که امکان انتخاب را دشوار می کند. اما به نمونه ای از این برکات و عنایات که در مسجد مقدّس جمکران اتفاق افتاده، توجه کنید:

یکی از دوستان روحانی که در آن مکان مقدّس خدمت می کند، تعریف نمود: شبی در خیابان چهارمردان روبروی گلزار به قصد جمکران ایستاده بودم، اما ماشین ها یا پر بودند یا به جمکران نمی رفتند. هنگامی که خسته و مأیوس شده بودم به اتوموبیلی گفتم: جمکران!

او نگه داشت به محض سوار شدن، مسافران گفتند: آقا! ما جمکران نمی رویم.

راننده گفت: ناراحت نباشید، شما را می رسانم، بعداً این آقا را به

۱- ۳۳۴. قصص العماء، ص ۳۵۹.

جمکران می برم، وقتی مسافران را در مقصدشان پیاده نمود، عذرخواهی نمودم که نمی خواستم مزاحم شوم.

راننده گفت: من وقتی نام جمکران را می شنوم، زانوانم می لرزد و نمی توانم سوار نکنم.

زیرا این یک داستان دارد، طالب تعریف او شدم.

او گفت: شبی در هوایی سرد از کنار خانواده ای گذشتم و آنها گفتند: جمکران، من خسته بودم و ساعت نیز از ۱۲ گذشته بود، دلم راضی نشد که آنها را به جمکران نبرم. آنها را رساندم و به خانه آمدم، بلافاصله هم خوابیدم، اما هنوز چند دقیقه ای نگذشته بود که صدایی متین و مقتدر اما مهربان بیدارم کرد و گفت: برخیز! برخیز! چرا خوابیده ای؟!

بیدار شدم و به اطراف نگاهی کردم و گفتم: کسی مرا صدا زد؟!

جوابی نیامد، همه خواب بودند.

دوباره خوابیدم، اما هنوز چشمانم گرم خواب نشده بود که همان صدا بر من عتاب نمود که برخیز!

گفتم: چرا!

گفت: آن خانواده در جمکران گریه می کنند و نگرانند.

پرسیدم: چرا؟!

گفت: کیف پولشان در ماشین تو جا مانده است!

بیدار شدم و به سراغ اتومبیل رفتم، کیف پولی در صندلی عقب بود، باز کردم چند میلیون تراول چک بود، به سرعت خودم را به جمکران رساندم و خانمی را دیدم که با بچه هایش کنار درب مسجد گریه می کند.

به او گفتم: مشکل چیست؟!

گفت: پولمان را گم کرده ایم.

گفتم: نگران نباشید که پیدا شد.

از شوهرش پرسیدم.

گفت: در مسجد متوسل شده است.

با هم رفتیم و شوهرش را صدا زدند و آمد، اما با چشمانی اشکبار ما را که دید، از همسرش پرسید چه شده؟!

گفت: این آقا می گوید: پول پیدا شده و کیف را نشان دادم.

گفت: شما کجا و این کیف.

گفتم: من راننده ای هستم که شما را رساندم و مگر شما از آقا نخواستید؟!

خودش خبرم کرد و ماجرا را گفتم و گونه هایشان بارانی شد.

دمی زحاجت ما نمیکنی غفلت

که این سجیه به جز در شما نمی بینم

زبس که گَرد معصیت نشسته بر چشمانم

تو در کنار منی و تو را نمی بینم(۱)

«بنفسی أنت اُمینه شائقٍ یتمنّی من مؤمن و مؤمنهٍ ذکرا فَحنّا»؛ جانم فدای کسی که آرزوی هر شوقمندی است که تمنایش را نموده و به یادش باشند و در فراقش بنالند.

۱- ۳۳۵. ۴۲ پرسش و پاسخ درباره مهدویت، انتشارات اسلامی، صص ۳۵ - ۳۴.

«بنفسی انت من عقید عزّ لا یُسامُی ؛ جانم فدای سردار عزّتی که هم طرازی ندارد.

«بنفسی انت من اثیل مجد لایُجاری»؛ جانم فدای بنیان باشکوهی که همتایی ندارد.

«بنفسی انت من تلاد نعم لاتُضاهی»؛ جانم فدای نعمتی دیرینه که مشابهی ندارد.

«بنفسی انت من نصیف شرف لایُساوی ؛ جانم فدای قرین شرافتی که برابری ندارد.

نصیف به معنی دستار، عمامه و نصف چیزی را گویند، شاید از آن جهت که امام علیه السلام ثقل اصغر است، پس با ثقل اکبر که قرآن است قرین است و هیچ چیزی جای او را پُر نمی کند.

با این شناخت ها، چنان شعله شور و شیدایی در منتظر بالا می گیرد که از متن جان در طلب آمده و می خواند: «الی متی أحار فیک یا مولای»؛ تا کی سرگردان و حیران در جستجویت باشم و تا کی و با چه گفتاری توصیفت نمایم و چه رازی با تو بگویم؟!

«عزیزٌ علیَّ أن اُجاب دونک»؛ بر من سخت است که صدا بزنم و از دیگری جواب بشنوم و سرگرم شوم.

«عزیزٌ علیّ ان ابکیک و یخذلک الوری ؛ چقدر برایم ناگوار است که برایت سرشک غم بریزم و مردم تو را واگذارند، برایم ناگوار است بر تو (سختی ها) بگذرد جز آنچه بر مردم می گذرد و اینجاست که حس یاری در منتظر زنده می شود تا همراهانی در این سختی داشته باشد و می نالد

ص:۱۳۸

که «هل من معین فاطیل معه العویل و البکاء» آیا کمک رسانی هست که به همراهی اش شیون و گریه طولانی سر دهیم؟

«هل من جزوع فأُساعد جزعه اذا خلا»؛ آیا بی تابی (در فراقش) هست تا در هنگام تنهایی اش مساعدت کنم؟

«هل قذیت عینٌ فساعدتها عینی علی القذی ؛ آیا به خار افتاده چشمی هست که با چشمانم او را (در این احساس) یاری کند؟

«هل الیک یابن احمد سبیلٌ فَتُلقی ؛ ای فرزند احمد، آیا راهی به سوی دیدارت می یابم؟

«هل یتّصل یوُمنا بِعِدهٍ فَنحضی»؛ آیا امروز جدایی به فردای وصل می پیوندد تا بهره مند شویم؟

توصیفی از برکت های وجود امام علیه السلام و پاسخ به عطش با وجود و حضور امام موعودعلیه السلام

«متی نرد مناهلک الرویه فَنروی ؛ کدامین زمان به سرچشمه های سیراب کننده ات درآییم و سیراب شویم؟

«متی ننتفع من عذب مائک فقد طال الصّدی ؛ کی از آب گوارای وجودت بهره مند گردیم؛ به راستی که تشنگی طولانی شد!

این فراز از دعا بسیار قابل تأمّل است. زیرا هنگامی که توصیفی از این وجود آرمانی شد، پرسشی ایجاد می شود که آیا او هست؟ زیرا در اخبار می بینیم حتی کسانی که ایمان دارند در اثر طولانی شدن زمان غیبت به تردید و شک می افتند، پس نیاز به دلیل داریم، تشبیه به آب

گوارا، بهترین راه اثبات وجود امام علیه السلام است.(۱)

زیرا ضرورت آب دلیل وجود اوست، وقتی به آن نیاز داریم، پس او وجود دارد، اگر آب نبود، ما احساس تشنگی نمی کردیم، از این بالاتر می توان گفت که اصلاً وجود آب، دلیل عطش ماست. «لولا انت لم ادر ما أنت» اگر ارگانیزم و ساختار ما آب را نچشیده بود، احساس عطش نداشت.

رُخ نهان کردی که پیدایت کنند

تشنه گردند و تمنّایت کنند(۲)

این است سرّ سبقت نیاز به وجود امام و امامت که حتی توبه آدم علیه السلام با قسم به نام آنان پذیرفته می شود.(۳)

زیرا سبقت وجودی پیامبرصلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام و امام قائم علیه السلام در عالم هستی و اشتغال آنان به تسبیح خداوند در متون دینی ما به اثبات رسیده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک چهارده نور را چهار ده هزار سال پیش از آفرینش خلق کرد و آن نورها ارواح بود.

پرسیدند: آن چهارده نفر کیستند؟

فرمود: محمّد و علی و فاطمه، حسن، حسین، و نُه تَن ائمه از نسل حسین و آخر ایشان قائم است که پس از غیبت ظهور می کند و دجّال ها را می کشد و زمین را از ظلم و جور آنان پاک می نماید.(۴)

نکته دوّم بعد از اثبات امام علیه السلام توجّه به اصالت این عطش می باشد.

۱- ۳۳۶. تو می آیی، استاد علی صفایی حائری رحمه الله.

۲- ۳۳۷. اسدی.

۳- ۳۳۸. معانی الاخبار، ص ۱۲۵.

۴- ۳۳۹. سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام، ص ۳۰ به نقل از کمال الدین، ص ۱۹۲ و بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۲۳.

زیرا انسان بی نهایت و کمال را می طلبد و این احساس به سادگی قابل پاسخ نیست، مگر امام علیه السلام باشد و رهبری کند، آقای زاکیس می گوید:

قلب انسان، رازی تاریک و تسلیم ناپذیر است، سبویی است سوراخ، با دهانی همیشه باز! تمام رودهای جهان را در آن بریزی، باز هم خالی و عطشان باقی می ماند(۱) و چاره در دستان سبز امام علیه السلام است، اما می توانیم ظرفی ظریف بوده و خالق هستی را که خداوند (و حب محبوب او یعنی حبّ ولی اللّه) است، در دل و جان خود جای دهیم، به شرط آن که خود را به دستان ناز و نازنین و نوازشگر اهل بیت پاک و مکرّم بسپاریم که در این صورت با ما همان کنند که کوزه گرها با مُشت های گل، این نازنینان با سلسله دستورات و باید و نبایدهای دور اندیشانه خود، گاه به ظاهر عرصه زندگی را بر ما تنگ کرده و گاه نیز وسعت و دامنه می بخشند، یا به قول شاعر: گاه به باغ و گاه به داغ مان می کشند که البته هر دو در ساختن ما و برای ساختن ما ضروری می باشد.(۲)

بحث و موضوع نیاز و بلکه اضطرار به حجت و امام علیه السلام وابسته به درک از استعدادها و سرمایه های اوست، انسان با مقایسه خویش با موجودات دیگر اشتراکاتی می بیند (هوش، حافظه، حواس و احساسات) اما با عقل، فکر، اراده، قدرت انتخاب و وجدان از حیوان متمایز می شود و ترکیب این استعدادها بی نهایت سرمایه ها را رقم می زند، (همان طور که با ترکیب حروف مشخص الفبا می توان

۱- ۳۴۰. نویسنده مسیح باز مطلوب.

۲- ۳۴۱. محمدرضا رنجبر مجله خانواده شماره ۱۷۹.

بی نهایت کلمه ساخت) و از طرفی هر نیازی نمایانگر یک استعداد است، چنان که:

نیاز به اعتراف، نشانه وجدان است و نیاز به نجوی علامت روح است و نیاز به یقین، علامت تفکّر است.(۱)

پس دیگر کار آدمی خوردن و خوابیدن و خوش بودن نیست، تا برای او یک دامپروری بسازند و از همین جا نوع حکومت و رهبری نیز مشخص می شود، زیرا آدمی که (میانگین عمر او) بیش از هفتاد سال است و حکومتی که قلمرو آن وسیع تر از خانه و جامعه و دنیاست (و استمرار تا ابدیت دارد) حاکمی می خواهد که بر این مجموعه آگاه باشد و بر این مجموعه مسلّط باشد، آنچه طرح و بینش سیاسی شیعی را مشخص می سازد، همان قدر (ارزش آدمی) و استمرار (معاد) و ارتباط انسان با خویش و اشیاء و با افراد است و همان نارسایی و ناتمامی غریزه و تجربه، علم و عقل و عرفان است.(۲)

این چنین حکومتی که اهداف بالاتر از امنیت و رفاه و آزادی دارد و حوزه حکومتی که بیش از خانه و جامعه و هفتاد سال دنیاست، حکومتی دیگر و معیار انتخاب دیگر و روش انتخاب دیگر، می خواهد(۳) در این صورت است که طلب و انتظار با توصیف های دعا

۱- ۳۴۲. تفصیل این جریان در کتاب رشد دیداری تازه با قرآن، استاد علی صفایی حائری، نشر لیلهالقدر، ص ۲۷.

۲- ۳۴۳. وارثان عاشورا، استاد صفایی حائری، ص ۳۴.

۳- ۳۴۴. همان، ص ۳۵.

نـدبه می سـازد، اگر به اهـداف و قلمرو حکومت هـا توجّه نشود، در نتیجه برخی از مردم به همین حکومت هـا با این شـکل و شمایـل هـای اسـتبدادی و قراردادی (هماننـد بسـیاری از کشورهـای غربی) خود را دلخوش نموده و با روش های گوناگون به کنترل حاکم برخاسته و او را به کار مردم کشاند. (دمکراسی)

امّا مادام که تلقی مردم از خود و دنیا دگرگون نشود، تحمّل حکومت الهی را نخواهنـد داشت، چنان که مردم حتی با شـهادت اباعبداللّه علیه السـلام به علی بن الحسین علیه السلام روی نیاوردند و با کنار زدن یزید به حکومت علوی نپیوستند، چون نان و رفاهی که آنها می خواستند به این ولایت سنگین نیاز نداشت.(۱)

شایـد راز طولانی شدن غیبت نیز همین باشد که مردم همه حکومت ها را تجربه کنند و با این نیاز و تشـنگی که در دعای ندبه توصـیف می شود به حجّت حقّ روی آورنـد؛ آن روز که اضـطرار به حجت را درک کرده باشـند؛ در حدیث شـگفتی از امام صادق علیه السـلام می خوانیم که: «ما یکون هذا الامر حتی لایبقی صـنف من الناس الا [قد]ولّوا علی الناس حتی لایقول [قائلٌ]انـا لو ولینـا لعـدلنا ثم یقوم القـائم بـالحق و العـدل»؛ این امر به پـا نمی شود مگر آن که هیـچ کسـی از طبقات مردم نمانـد که حکومت نکرده باشد، تا این که نگویند: اگر ما بودیم

ص:۱۴۳

۱- ۳۴۵. وارثان عاشورا، ص ۳۵.

عدالت را برقرار می کردیم. آنگاه قائم به حق و عدل قیام می کند.(۱)

در حدیث، تعبیر به قیام حق شده است؛ زیرا حق در برابر باطل، و ظلم در برابر متزلزل است و در نتیجه در حق سه مفهوم هدف داری، عدل و ثبات نهفته است.(۲)

این حکومت براساس سنت های ثابت هستی است که هماهنگ با نظم عالم و مطابق با شأن آدمی است، چنین است که در واقع، ولایت مطلقه فقیه، زمینه ساز حکومت حضرت مهدی علیه السلام است.

با وجود این شناخت است که شیعه منتظر چشم روشنی خود را می طلبد.

«متی نغادیک و نراوحک فنقرُّ عیناً»؛ در کدام فردای طلوع، به حضور و به راحتی می رسیم که چشم های ما روشن گردد.

«متی ترانا و نراک»؛ کی می شود که ما را ببینی و ما تو را ببینیم که پرچم پیروزی برافراشته ای و برای همه نمایان است.

«و قد نشرت لواء النصر تری؟ أترانا نحف بک و أنت تؤُمُّ الملاءَ»؛ آیا شود که تو امام مردم باشی و پیرامونت بگردیم؟

«و قد مَلأْت الأرض عدلاً»؛ و تو زمین را سرشار عدل کرده باشی «و اذقتَ اعدائک هواناً و عقاباً»؛ و دشمنانت را خواری و کیفر بچشانی (چنان که مؤمنان و بشریت را خوار نمودند) «و أبرت العتاه و حجده الحق»؛ و بیخ و بن سرکشان و معارضان حق را برکنده باشی «و قطعت

ص:۱۴۴

۱- ۳۴۶. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۴۶، چاپ قدیم به نقل از الغیبه، ص ۱۴۶.

۲- ۳۴۷. صراط، استاد علی صفایی حائری، ص ۶۱.

دابرالمتکبرین»؛ و نسل متکبران را براندازی، «و اجبثث اصول الظالمین و ستمگران را ریشه کن کنی «و نحن نقول: الحمدللّه رب العالمین»؛ و ما آنگاه پروردگار عالمیان را ستایش کنیم (که به وعده خود وفا نمود و حق را پیروز کرد).

پیوند طولانی ولایت معصوم با ولایت خداوند

«اللهم أَنت کشّاف الکرب و البلوی ؛

خدایا! تو رفع کننده غم ها و گرفتاری ها هستی «و الیک استعدی و عندک العدوی ؛ و به سوی تو شکایت می آوریم که پاسخ آن نزد توست «و انت رب الاخره و الدنیا»؛ و تو خدای دنیا و آخرت هستی «و فأَغث یا غیاث المستغیثین»؛ پس به فریادرس، ای فریاد رس دادخواهان.

در این فراز به محض آن که از امام موعودعلیه السلام و تلاش های او و پیروزی ها سخن گفته، تمامی قدرت را به خداوند منسوب نموده و گویی می گوید: «لاحول و لاقوه الا باللّه».

زیرا تشیّع، منادی توحید است و قدرت استقلالی برای ائمه علیهم السلام قائل نیست و از همین جاست که زیارت جامعه با صد تکبیر شروع می شود و حتّی در دعای توسل کلمه «عنداللّه» تکرار می شود تا واسطه بودن مطرح شود.

آزادگی ائمه شیعه چنان است که شائبه هر نوع ادعای قدرت ذاتی چه در عالم تکوین و تشریع و آگاهی بر غیب را نفی نموده است، به

مناسبت دعـای نـدبه کلامی قاطع و دلنشین از حضـرت صاحب الامرعلیه السلام در رد غلات را بررسی می کنیم؛ امام علیه السلام در نامه به محمّد بن علی بن هلال کرخی آورده اند: ای محمّد بن علی علیه السلام خداوند برتر و متعالی تر از توصیف آنان است او را منزّه می شمارم و ستایش می کنم، ما شریک های خدا در کار و قدرتش نیستم و غیب را غیر از او نمی داند، هم چنان که در کتاب محکم خود فرموده است: «قل لا یعلم من فی السموات و الارض الغیب الا اللّه»؛(۱) من و همه پدرانم از اولین آدم، نوح، ابراهیم، موسی و پیامبران دیگر و از آخرین، محمد رسول اللّه و علی بن ابیطالب و غیر آنان از امامان گذشته تـا امروز که درود خـدا بر آنان باد، همه بنـدگان خـدای تعالی هستیم و خداونـد می فرمایـد: کسـی که از یاد من روی گردان شود، زندگی او را در تنگنا قرار خواهم داد و روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم. (آنگاه) می گوید: پروردگارا! چرا مرا نابینا محشور کردی با این که بینا بودم؟

پاسخ می گیرد: همان طور که نشانه های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز همان گونه فراموش می شوی(۲) ای محمـدبن علی، جاهلان شیعه و احمق هایی که (اندازه) پر پشه ای از دیانت آنان بیشتر و سنگین تر است ما را آزار می دهند، پس من خدایی را که جز او خدایی نیست به شهادت می گیرم و شهادت او کافی است و فرستاده اش محمدصلی الله علیه وآله و ملائکه اش و اولیائش و تو را و همه آنان که (مضمون) این

۱- ۳۴۸. سوره نمل، آیه ۶۵.

۲- ۳۴۹. سوره طه، آیه ۱۲۵.

نامه را می شنوند به شهادت می گیرم که من نزد خدا برائت می جویم از هرکس که بگوید ما علم غیب داریم و در ملک خدا با او شریکیم،(۱) یا ما را در جایگاهی قرار دهد غیر از آن جایگاهی که خدا برای ما پسندیده و برای آن آفریده است و از این مقامی که برایت تفسیر کردم و در این نامه بیان نمودم، تجاوز کند و شما را گواه می گیرم که خداوند، ملائکه و رسولان و اولیا بی زارند از هر کس که از او، ما از او تبری بجوییم. این توقیع امانتی است بر گردن تو و هر کس بشنود قرار دادم و آن را از هیچ کدام از دوستان و شیعیان ما کتمان نکند... پس هر کس این نامه را بفهمد و از آنچه امر کردم برنگردد و از ارتکاب آنچه نهی کردم خودداری نکند، لعنت خدا و فرشتگان و اولیا و صالحان بر او واقع شده است.(۲) چنین است که می بینیم، فقهای آزاده شیعه حتی در شهادت ثالثه اذان که روایاتی در باب نام امیرالمؤمنین برای علی علیه السلام روایت صحیح و بی تردید داریم، احتیاط نموده و می فرمایند: نباید به قصد جزئیت در اذان و اقامه بگویند.(۳) البته این تربیت چیزی است که قرآن با پیامبرصلی الله علیه وآله شروع کرد و در عین حال که اطاعت او را اطاعت خدا دانست، اما از آن بزرگوار هم نفی استقلال نمود، آنجا که فرمود: «لیس لک من الامر شی ء».(۴)

۱- ۳۵۰. امام علیه السلام علم ذاتی و استقلالی را نفی نموده و می فرماید: ما به خودی خود چیزی نداریم.

۲- ۳۵۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، صص ۵۵۱ - ۵۵۰؛ جلوه نگار، احمد حیدری، صص ۶۶ - ۶۴.

۳- ۳۵۲. عروهالوثقی، عالم بزرگ محمدکاظم یزدی، باب اذان و اقامه.

۴- ۳۵۳. سوره آل عمران، آیه ۱۲۸.

«عبیدک المُبتلی»؛ این بنده کوچک تو گرفتار است، گرفتار کسانی که می خواهند زندگی را بر او محدود کنند و او را از مقصد خلقت باز دارند و زندگی معمولی را بر او دریغ می دارند و آدمی را در محاصره دروغ نگاه داشته اند، پس ای خدا سیّد و آقا، او را نشان بده و «أره سیده یا شدید القوی و ازل عنه به الأسی و الجوی» و با این ظهور، اندوه و سوز دل را برطرف گردان و «بَرّد غلیله یا من علی العرش استوی» و آتش عطش را با خنکای ظهور مولایش خاموش کن، تویی که بر عرش سلطه داری.

درباره عرش خوب است این نکته ذکر شود که مراد از عرش مقام آمریت یا همان عالم ملکوت است و شکل هندسی ندارد، این تصوّر مربوط به محدودیت حواس و ادراک ماست.

امام رضاعلیه السلام می فرماید: عرش، خداوند نیست، عرش، نام علم و قدرت است و در عرش همه چیز هست.(1) چون خزائن و همه آنچه در عالم طبیعت است در عالم ملکوت می باشد و زمام و رشته همه حوادث و پدیده ها و حرکات عالم ماده در عرش متمرکز شده و از آنجا تدبیر هستی جریان می پذیرد.(2)

پس جسم و تختی در کار نیست، بلکه هر چه در عالم طبیعت باید رخ دهد، پیش از رخ دادن و بودن و شدن، علمش نزد خدا حاضر

ص:۱۴۸

۱- ۳۵۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲- ۳۵۵. سوره یونس، آیه ۳ و سوره بروج، آیه ۱۶.

است.(۱) در نتیجه عرش، قدرت ایجاد آفرینش و تصرّف در عالم طبیعت است به طوری که همه تدابیر عالم از آنجا سرچشمه گرفته، صادر می شود.

اگر قرآن می گوید: عرش پروردگارت را در قیامت هشت فرشته بر بالای خود حمل می کنند، شاید بتوان گفت عالم ملکوت، هشت مرتبه دارد که در هر مرتبه ای، نوعی فرشته هست که در رأس هر نوع یک فرشته، مقام فرماندهی و اداره آنان را به عهده دارد و تحت یک نظام و سلسله مراتب، به اجرای امر الهی یا رساندن رحمت های خدا به خلق و امثال این مأموریت ها می پردازند.(۲)

در هر حال در این فراز که به حاکمیت خداوند بر عرش تذکر داده، جای تأمل دارد. زیرا عرش بر کرسی چنان فضیلت دارد که گویی کرسی حلقه ای در برابر بیابان است.(۳) تدبیر غیبت ظهور امام موعود وابسته به چنین عالمی از باطن هستی است و در همین راستا می باشد که امام موعودعلیه السلام خود نیز از خداوند تدبیر امر را می طلبد، چنان که روایت شده امام موعودعلیه السلام در هنگام تولد چنین دعا نمود:

«اللهم أَنجزلی ما وعدتنی و اتمم امری و ثبّت و طأتی و املأ الارض بی قسطاً وعدلاً»؛ خدایا! به وعده ای که داده ای وفا کن و امر مرا به اتمام

۱- ۳۵۶. نظام هستی، ج فارسی، ص ۱۱۲.

۲- ۳۵۷. همان، ص ۱۱۳.

۳- ۳۵۸. المیزان، ج ۲، ص ۳۵۴.

و اکمال برسان و پایگاهم را محکم نما و به وسیله من زمین را پر از عدل و داد گردان.(۱)

«یا من الیه الرجعی و المنتهی»؛ ای کسی که بازگشت و منتهای کار به سوی اوست.

«اللهم و نحن عبیدك التّائقون الی ولیّک المذکّر بک و نبیّک»؛ خدایا! ما بندگان شیفته به ولیّ تو هستیم که یادآور تو و پیامبر توست!

می بینید چه اصالتی در این حرکت نجات بخش است، امام موعودعلیه السلام یادآور خداوند در عصر غفلت خواهد بود و چنین است که اصالت و اخلاص یک مبلّغ الهی و علوی چنین است که به خویش و دنیا دعوت نمی کند و حتی خود آدم ها را مغرور نمی کند، بلکه خدا را در دل های بزرگ می کند تا طهارتی ایجاد گردد و هجرتی آغاز شود.(۲)

«خلقته لنا عصمه و ملاذاً»؛ تو او را برای ما آفریدی تا نگهدارنده و پناه ما باشد، چنان که اگر حجت نبود «لساخت الارض باهلها»(۳) و خود

۱- ۳۵۹. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۶ و غیبت شیخ طوسی، ص ۱۴۲.

۲- ۳۶۰. سوره مدثر، آیات ۴ - ۳.

۳- ۳۶۱. در این باره، امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت دارند که: دو چیز برای شما مردم امان از عذاب بود: یکی رسول اللّه و یکی استغفار که خدای تعالی می فرماید: خدا شما را عذاب نمی کند، تا رسول اللّه در بین شماست و استغفار می کنید {نهج البلاغه، کلمات قصار} و امّا علت مسأله یعنی فرو رفتن مردم در زمین به خاطر نبود حجت این است که جهان برای خاطر انسان کامل آفریده شد و بقیه در سایه عظمت و برکت او حیات می یابند یعنی فیض خداوند به خاطر او که مدارج را طی کرده می رسد و در نتیجه ما نیز بهره مند می شویم. (پرسش ها و پاسخ ها، استاد جعفر سبحانی)

امام علیه السلام مهربان فرمود: اگر نبود که شما را مراقبت کنیم (امور) شدید و سخت بر شما فرو می ریخت و دشمنان شما را زمین گیر می کردند.(۱)

امام خمینی رحمه الله درباره پیروزی انقلاب اسلامی و رفع حوادث خطرناک از کشور، و اصولاً عبور شیعه از میان خون و آتش و تبعید را تحلیلی جز عنایت امام علیه السلام نمی دانند.

«و اقمته لنا قواماً و معاذا»؛ و او را مایه قوام زندگی و مأمن قرار دادی «و جعلته للمؤمنین اماماً»؛ و او را برای حق باوران از ما پیشوا مقرر نمودی.

«فبلّغه منا تحیه و سلاماً، و زدنا بذلک یا رب اکراماً»؛ پس تحیت و درود ما را بر آن گرامی برسان و با این (ابلاغ) بر کرامت ما بیفزا «و اجعل مسقرّه لنا مستقراً و مقاماً»؛ و قرارگاه او را، قرارگاه و پایگاه برای ما قرار بده. (در خط او باشیم)

«و أَتمم نعمتک بتقدیمک ایاهُ امامنا»؛ و نعمت خود را با پیشوایی او بر ما تمام کن (تا او را جلو دار انتخاب کنیم و به دیگران روی نیاوریم) چرا که روزگار غیبت و انتظار روزگار سختی است و چه بسا افراد به تردید و یأس دچار شوند و یا حتی قبله ای دیگر گیرند، چنان که در دعا باید بخوانیم: «و لاتسلبنا الیقین لطول الامد»؛ خدایا! یقین ما را به خاطر طولانی شدن زمان غیبت از ما نگیر تا این که طولانی شدن غیبت و قیام او، ما را به نومیدی نکشاند «و یکون یقیننا فی ذلک کیقیننا فی قیام

۱- ۳۶۲. درباره نمونه ها در همین زمان معاصر به مجله انتظار، شماره ۱۸ مراجعه شود.

رسولک صلواتک علیه»؛ و یقین ما در این قیام و ظهور، مثل قیام حضرت رسول صلی الله علیه وآله باشد، تا جان ما را بر این عقیده بستانی «و نحن علی ذلک لاشاکین و لاناکثین و لا مرتابین و لامکذبین»؛ و ما بر این امر استوار بمانیم و به آفت شک، نقض عهد، تردید و کذب دچار نگردیم.(۱)

«حتی توردنا جنانک و مرافقه الشهداء من خلصائک»؛ تا ما را به بهشت تو درآورد و رفیق شهیدان خالص و مخصوص تو گرداند.

«اللهم صلی علی محمد و آل محمد و صل علی جده و رسولک السید الاکبر و علی ابیه السید الاصغر و جدته الصدیقه الکبری فاطمه بنت محمد و علی من اصطفیت من ابائه البرره...»؛ و در اواخر دعا بار دیگر از درود بر محمد و آل محمّد و از سیادت رسول اعظم علیه السلام و پیوند علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و برگزیدگان از این بیت، ذکر و سخن به میان می آمده تا اصالت به عقیده مهدویت تحکیم گردد و با درودی بی پایان و بی نهایت بر مهدی موعودعلیه السلام که به انجام رساننده حرکت راستین پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد، ادامه یافته است. «و صل علیه صلوه لاغایه لعددها و لانهایه لمددها و لانفاد لامدها»؛ این درودی بی عدد و زمان است چرا که او برای راه و مقصد بی نهایت نجات می بخشد و سعادت ابدی را تضمین می کند.

«اللهم و أقم به الحق، و أدحض به الباطل»؛ خدایا! حق را با مهدی علیه السلام به پای دار و باطل را محو و نابود گردان.

۱- ۳۶۳. دعای غیبت، انتهای مفاتیح الجنان و مصباح المجتهد شیخ طوسی، ص ۴۱۳.

این تکرار در مقصد نهایی یعنی حق معنا دارد، زیرا عدل و عدالت در نگاه بسیاری، حتی از نخبگان، مفهومی در حد برقراری رفاه و امنیت و عدالت اقتصادی دارد و به همین دلیل امام علیه السلام، جهات مجهول عدالت را روشن می نماید، چنان که در دعا برای امام زمان علیه السلام آمده است «و توضح به معاقد الحق و مجهول العدل»؛ خدایا با دستان با کفایت او گره های حق و ناشناخته های عدالت را توضیح بده؛ امّا ابعاد دیگر عدل، همانا توجهی است که در ولایت و رهبری خاص امام می شود... در حکومت امام می خواهند به آدمی بیاموزند که چگونه با حواس و احساس و فکر و عقل، قلب و وهم و خیال خود برخورد کند، می خواهند به او هدایت و فرقان و میزان ببخشند و انسان را برای تمامی رابطه های محتمل یا مظنون و یا متیقن آماده سازند و این هدایت گری، نیازمند فردی با آگاهی و آزادی است، آگاهی از تمامی اندازه ها و راه و روابط انسان و آزادی در تمامی کشش ها و جاذبه ها(۱) در یک کلمه عصمت.

آیا می خواهی بدانی چرا مقدادها و سلمان ها و ابوذرهای تاریخ آن گونه سخت ایستادند و جز حکومت علوی را نخواستند؟

آیا می خواهی بدانی که چرا این همه خون در راه این طرح حکومتی ریخته شد و این همه سر در این راه رفت؟

آیا می خواهی رمز آن همه حماسه و خون و اشک و شور و یاد و گفت و گو را بدانی؟

۱- ۳۶۴. وارثان عاشورا، استاد علی صفایی حایری، ص ۳۴.

این همه خون و درد و اشک، به خاطر سلطنت یک دسته و محرومیت یک دسته نیست، حتی به خاطر عدالت و آزادی نیست، بلکه به خاطر این نکته است که کنار گذاشتن عصمت و آگاهی و آزادی، مساوی است با کنار گذاشتن انسان از هستی و از کل نظام و طرح آن در جامعه، آن هم به گونه ای که دیگر اسلام و قرآن ضرورتی ندارد.(۱)

دعا ادامه می یابد که: خدایا! (بعد از پیروزی امام علیه السلام) دوستانت را به او بسپار که او بچرخاند و دشمنان را با او خوار کن و پیوندی بین ما و او برقرار نما که ما را به هماهنگی با اجداد طاهرینش بکشاند «و اجعلنا ممن یاخذ بحجرتهم و یمکث فی ظلمهم»؛ که دست به دامان آنان شویم و در سایه آنان بیارامیم.

وظایف منتظران در زمان غیبت نسبت به امام علیه السلام

«و أعنّا علی تأدیه حقوقه الیه و الاجتهاد فی طاعته و اجتناب معصیته»؛ و ما را بر ادای حقوق او و کوشش در فرمانبرداری اش و کناره گیری از نافرمانی اش، یاری فرما!

امام قائم علیه السلام چنان که از نام عزیزش بر می آید، برای کارها قیام نموده و مشغول اهداف است چنان که در دعا او را جحجاح مجاهد، یعنی سرور بزرگ مجاهد خطاب می کنیم.(۲)

۱- ۳۶۵. تو می آیی، استاد علی صفایی حائری، ص ۶۷.

۲- ۳۶۶. دعای امام رضاعلیه السلام برای صاحب الامر، مفاتیح الجنان بعد از دعای عهد.

به راستی نمی توان نام خود را منتظر نامید مگر آن که حقوق محبوب را دانسته و در راه رضایت خداوند و پیروی از ائمه معصومین علیهم السلام تلاش و کوشش داشته باشیم وگرنه این نام شایسته ما نیست. چنان که ائمه اطهارعلیهم السلام از نسبت نام تشیّع بر هر شخصی حذر می داشتند؛ و در حدیثی نقل شده که سدیر صیرفی به امام صادق علیه السلام عرض می کند: به خدا قسم خانه نشینی برای شما روا نیست و در برابر دلیل خواهی امام علیه السلام پاسخ می دهد: برای آن که شیعیان و یاوران شما بسیارند و اگر امیرالمؤمنین علیه السلام به اندازه شما شیعه و یاور داشت «بنی تیم وعدی» نسبت به (حق) او طمع نمی کردند و در پاسخ امام علیه السلام می پرسد: چقدر شیعه داریم، می گوید صد هزار، امام علیه السلام با شگفتی پرسید: صد هزار؟!

سدیر تعداد را بالا می برد، دویست هزار و بلکه نصف دنیا، امام علیه السلام سکوت فرموده و به سدیر می گوید: بیا تا ینبع برویم وسپس در جایی تعدادی بزغاله نشان می دهد و می فرماید: به خدا قسم اگر شیعیانم به تعداد این بزغاله ها بودند، خانه نشسینی برایم روا نبود.

سدیر می گوید: بعد ازنماز، بزغاله ها را شمردم هفده رأس بودند.(۱)

چنین است که امام هادی علیه السلام می فرماید: «لیس کل من قال بولایتنا مؤمناً، و لکن جُعلوا اُنساً للمؤمنین»؛ چنین نیست هر کسی که به ولایت ما معتقد شد مؤمن (شیعه) باشد، بلکه آنها همدم مؤمنین قرار داده شده اند.(۲)

۱- ۳۶۷. کافی، ج ۳، ص ۳۴۱، چاپ علمیه اسلامیه.
۲- ۳۶۸. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۴۲.

نام فروردین نیارد گل به باغ

خانه روشن نگردد از نام چراغ

اینجاست که باید از روندگان راه بخوانیم که نوشته اند:

عاشق می خواهد راحت معشوق را فراهم کند، نه راح...خودش را، چون راحت خودش، همان راحت محدود و مانده و فانی است.(۱) این مطلب در انتخاب معشوق بالا-تر حل شده که عشق او و از بن بست رهیدن و از خود خلا-ص شدن است و این حرکت است چون با او بودن یعنی رفتن و با خویش ماندن، مرگ است و گندیدن.

آنچه ما با نام عشق امام با آن مأنوس شده ایم و به آن دل بسته ایم عشق و حرکت واقعی نیست، که بسیاری از اوقات، سرگرم شدن و تنوّع داشتن است.

آنچه ما در برابر امام علیه السلام داریم، هنوز تا عشق واقعی و حقیقی فاصله دارد، ما از امام نه خودش و نه خودمان که خانه و زندگی می خواهیم و از او به جای مغازه و ... استفاده می کنیم؛ ما بیشترها را فدای کمترها کرده ایم و این عشق نیست بلکه بازی است.

مثل بازی بچه هایی که متکاها را زیرپا می گذارند تا به عروسک هایشان برسند و همین که رسیدند، فرار می کنند، سوداگری است مثل آن رند که می گفت: حیف است که انسان از غیر امام چیزی بخواهد. در حالی که حیف است از امام، غیر از امام، چیزی بخواهیم.

ما از امام، امامت را می خواهیم و این عشق ماست و از او وسیله راه

۱- ۳۶۹. تو می آیی، استاد علی صفایی حائری، ص ۷۶.

یـافتن و جهت گرفتن می خواهیم و این توسـل مـاست، جز این عشق و توسـل، ظلم است، جفاست،(۱) امام وسـیله است، برای چه؟

برای نان و آب و فرزند؟

این ها که وسیله هایی دیگر دارند، او وسیله رسیدن است جهت یافتن و حرکت کردن است، پس توسل به او، به کار گرفتن او در جایی است که جایگاه شایسته اوست.

ما می خواهیم معصوم علیهم السـلام را به سـمت خود بکشـیم در حالی که آنچه با ما باشـد و با ما بمانـد فنا و نابودی است «ما عندکم ینفد»؛ آنچه پیش شماست تمام می شود آنچه با آنهاست باقی می ماند، «ما عنداللّه باق».(۲)

لـذا ما بایـد خود را به آن طرف بکشـیم، در نتیجه عاشق عهـده دار کارها و اهـداف معشوق می شود. چنین است که می بینیم مردان پـاک و صـادق چگونه بـا مقـاومت و گـذشت آدم می سازنـد. بـا این تحلیـل است که آنهـا انتظـار فرجشان به گشایش رسـیده، زیرا آرمـان امـام خویش را تمهیـد نموده انـد، ابابصـیر می گویـد: به امـام صادق علیه السـلام عرض کردم کی فرج و گشایش باشد؟ فرمود: ای ابابصیر تو هم از جمله دنیاخواهانی «من عرف هذاالامر فلقد فرج عنه لانتظار».(۳)

ذکر یک نمونه از افرادی که منتظر حقیقی و سازنـده بوده انـد؛ کمال لطف است: بعثی ها مرحوم ابوترابی را در دوران اسارت برای مدت

۱- ۳۷۰. تو می آیی، استاد علی صفایی حائری، ص ۷۵.
۲- ۳۷۱. سوره نحل، آیه ۹۶.
۳- ۳۷۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۸.

طولانی در یک اردوگاه نگاه نمی داشتند؛ زیرا جاذبه معنوی او همگان را جلب می کرد، گرچه در ظاهر اسیر بود اما با اخلاق و رفتاری که برگرفته از معارف اهل بیت علیهم السلام بود، زندانبانان را اسیر خود نموده بود، یکی از هم سلولی های آن عزیز تعریف کرده است:

روزی آقای ابوترابی را آنقدر شکنجه دادند که حالش خراب شد و به درمانگاه منتقل شد، در همین روزها یکی از فرماندهان ارتش بعث برای بازدید به اردوگاه آمد و پرسید: چه خبر؟

فرمانده اردوگاه (که خودش او را شکنجه کرده بود) گفت: قربان خبری نیست، فقط یکی از اسرا که تازه وارد اردوگاه شده مقدرای کسالت داشت، بردیم درمانگاه.

فرمانده پرسید: اسم او چیست؟

گفت: اسمش ابوترابی است.

فرمانده بلافاصله گفت: هذا صدیقی! برویم عیادتش! ترس در وجود فرمانده نیروگاه موج می زد که اگر ابوترابی جریان را به مافوق بگوید چه خواهد شد.

وقتی فرمانده مافوق از مرحوم ابوترابی پرسید: آیا از فرمانده اردوگاه راضی هستی یا نه؟

پاسخ داد: آری! ایشان خیلی محبت کرد!

فرمانده اردوگاه اینجا اسیر ابوترابی شد و تحت تأثیر بزرگواری

ایشان قرار گرفت،(۱) این همان سازندگی و آرمان امام علیه السلام است و مقصد فرج می باشد.

این چنین است که رضا و خشنودی امام به دست می آید و رأفت و رحمتش و دعایش و خیرش به ما می رسد و به وسعت رحمت خداوند و فوز و کامیابی نزد او نائل می شویم.

وابستگی شدید و بی بدیل به ولایت و امام موعودعلیه السلام در جهت دهی و قبولی اعمال

هنگامی که اطاعت رسول اللَّه صلی الله علیه وآله اطاعت خدا باشد(۲) و علی و اهل بیت علیهم السلام نفس و جان پیامبرصلی الله علیه وآله(۳) و علی علیه السلام میراث دار علم و تبیین کننده وحی، که علوم را به فرزندانش می سپارد(۴) اینجا یک وحدت بین توحید و ولایت ایجاد می شود، چنان که کلمه «لا اله إلّا اللَّه حصنی»(۵) و «ولایت علی بن ابی طالب حصنی»(۶) پس دیگر ولایت امام علیه السلام شرط دین و قبولی اعمال می شود و هر چه از غیر این بیت بیرون بیاید، باطل است. زیرا اطاعت آنان اطاعت خداست و معصیت آنان نافرمانی

۱- ۳۷۳. خاطره از حجهالاسلام نقویان.

۲- ۳۷۴. سوره نساء، آیه ۸۰ و تفسیر الثقلین، ج ۱، ص ۶۲۱.

۳- ۳۷۵. سوره آل عمران، آیه ۶۱.

۴- ۳۷۶. احتجاج، ج ۱، ص ۷۴؛ بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۹.

۵- ۳۷۷. بحارالانوار، ج ۴۹، باب ۱۲.

۶- ۳۷۸. همان، ج ۳۹، ص ۲۴۶ و احتجاج، ج ۱، ص ۸۳.

خدا.(۱) «اما لوان رجلا قام لیله وصام نهاره و تصدق بجمیع ماله و حج جمیع دهره و لم یعرف ولایه ولی اسفیوا الیه و یکون جمیع اعماله بدالته ما کان له علی اللّه عزوجل حق فی ثوابه ولاکان من اهل الایمان»؛اگر مردی شب را به نماز و روز به روزه داری بگذارند و همه اموالش را صدقه دهد و تمامی سال ها حج برود، اما ولایت امامش را نشناسد و تحت رهبری او نیاید و تمام اعمالش به هدایت امام نباشد، بر خداوند عزّوجل حقّی برای ثواب ندارد و از اهل ایمان نخواهد بود.(۲)

چنین است که دعای ندبه را با این سیاق به پایان برده اند:

«و اجعل صلواتنا به مقبوله»؛ نماز ما را با او قبول کن.

«و ذنوبنا به مغفوره»؛ گناهان ما را به وسیله او بیامرز.

«و دعائنا به مستجاباً»؛ و دعاهای ما را با او اجابت کن.

«و اجعل ارزاقنا به مبسوطه»؛ و روزی ما را با او گسترش بده.

«و هموِمَنا به مکفیه»؛ و اندوه های ما را به وسیله او برطرف نما.

«و حوائجنا به مقضیه»؛ و حاجت های ما را بوسیله او برآورده کن.

«و أقبل الینا بوجهک الکریم»؛ تو ای خدا! به ما اقبال نما به وجه با کرامت.

«و اقبل تقرّبنا الیک»؛ و این تقرب را از ما بپذیر

«و انظر الینا نظرهً رحیمه»؛ و ما را از نگاه بخشش خویش سرشار ساز.

۱- ۳۷۹. امالی مفید، ص ۱۳۵ و اثبات الهداه، ج ۱، ص ۶۳۵، بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۴.

۲- ۳۸۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶، باب دعائم الاسلام، ح ۵.

«نستکمل بها الکرامه عندک»؛ تا با توجّه تو، کرامت ما نزدت به کمال رسد.

«ثم لاتصرفها عنّا بجودک»؛ و دیگر این عنایت را به خاطر سخاوت خودت از ما دریغ ندار!

«و أسقنا من حوض جدّه صلّی اللَّه علیه و آله بکأسه و بیده رَیّا رویاً هنیئاً سائغاً لا ظَلمَأَ بعده، یا ارحم الراحمین»؛ و ما را از حوض کوثر جد موعودعلیه السلام با جامی از دست او سیراب کن که گوارا و دلچسب باشد و بعد از آن تشنگی باقی نماند، ای مهربان ترین مهربانان.

دعا با دو گانه ای(۱) بر درگاه یگانه پایان می یابد که مقصد ولایت نیز همان عبودیت خداست.

والحمد للَّه

منابع

در مدارک و منابع از کتاب های «الحکم الزاهره» نوشته علی رضا صابری و «میزان الحکمه» نوشته استاد محمّدی ری شهری استفاده زیادی کرده ام.

۱- ۳۸۱. دو رکعت نماز.

فهرست کتاب های انتشارات مسجد مقدّس جمکران

قسمت اول

دعا و نیایش و نماز

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۴آداب و اعمال زیارتگاه در سوریه

حسین احمدی قمی

۷۰۰۰

۵ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام

واحد پژوهش

۲۰۰۰

۶ارتباط با خدا

واحد تحقیقات

۶۵۰۰

۷از خدا چه بخواهیم

احمد سعیدی

۵۰۰۰

۸اهمیت اذان و اقامه

محمد محمدی اشتهاردی

۶۰۰۰

۹اهمیت نماز جمعه و آداب آن از دیدگاه امام علی علیه السلام

مفید فیاضی

۳۰۰۰

۱۰

ترجمه حدیث عنوان بصری

واحد پژوهش

۱۰۰۰

۱۱

ختم سوره های یس و واقعه

واحد پژوهش انتشارات

۵۰۰۰

۱۲

دستوراتی از قرآن

احمد سعیدی

۲۸۰۰۰

۱۳

ربیع الاسابیع

علّامه مجلسی

۲۵۰۰۰

۱۴

زیارت ناحیه مقدّسه

واحد تحقیقات

۴۵۰۰

۱۵

فضیلت خواندن سوره های قرآن(مشکاهالانوار)

علامه مجلسی(ره)

۱۵۰۰۰

۱۶

گنجینه نور و برکت

حسینی اردکانی(ره)

۴۵۰۰

۱۷

نماز شب

واحد پژوهش انتشارات

۱۰۰۰

۱۸

هدیه احمدیه

میرزا احمد آشتیانی

۱۲۰۰

۱۹

هدیه احمدیه

میرزا احمد آشتیانی

۳۵۰۰

تاریخ مسجد مقدّس جمکران

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۲۰

آئینه اسرار حدیث بنای مسجد مقدّس جمکران

حسین کریمی قمی

۶۰۰۰

۲۱

تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی)

واحد تحقیقات

۵۰۰۰

۲۲

تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی)

واحد تحقیقات

۲۵۰۰

۲۳

مسجد مقدس جمکران تجلّیگاه صاحب الزمان علیه السلام

سید جعفر میرعظیمی

۱۵۰۰۰

پیامبرصلی الله علیه وآله

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۲۴

اوصاف الرسول (اسامی و القاب)

احمد سعیدی

۱۶۰۰۰

۲۵

پیامبراعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی

علی اصغر رضوانی

۲۵۰۰

۲۶

پیامبراعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری

علی اصغر رضوانی

۲۰۰۰

۲۷

پیامبراعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد

علی اصغر رضوانی

۳۰۰۰

۲۸

پیامبراعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن

علی اصغر رضوانی

۴۵۰۰

۲۹

پیامبراعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی

علی اصغر رضوانی

۲۵۰۰

۳۰

تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم (دو جلد)

عباس صفایی حائری

۶۵۰۰۰

۳۱

چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله

احمد سعیدی

۴۵۰۰

۳۲

حکومت بر دل ها اولین و آخرین خطبه پیامبرصلی الله علیه وآله

شفیعی مازندرانی

۶۰۰۰

۳۳

راه و رسم زندگی در کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله

خیراللّه سلیم زاده

۵۰۰۰

۳۴

روزشمار تاریخ پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله

احمد سعیدی

۱۰۰۰۰

۳۵

محمد رسول اللَّه

واحد پژوهش

۴۰۰۰

امام علی و حضرت زهراعلیهما السلام

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۳۶

امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام

سیّد محسن کمالی تقوی

۱۵۰۰۰

۳۷

با اولین امام در آخرین پیام

حسین ایرانی

۳۵۰۰

۳۸

تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام (دو جلد)

عباس صفایی حائری

۹۰۰۰۰

ص:۱۶۳

قسمت دوم

۳۹

علی علیه السلام مروارید ولایت

واحد تحقیقات

۲۵۰۰

۴۰

حکومت و رهبری از منظر نهج البلاغه

محمّد سلمانی کیاسری

۱۰۰۰۰

۴۱

فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام

سیّد محمد واحدی

۱۳۰۰۰

۴۲

مام فضیلت ها

عباس اسماعیلی یزدی

۳۰۰۰۰

امام حسین علیه السلام

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۴۳

از زلال ولایت

واحد تحقیقات

۱۶۰۰۰

۴۴

تاریخ سید الشهداءعلیه السلام

عباس صفایی حائری

۵۵۰۰۰

۴۵

حکمت های جاوید

محمّد حسین فهیم نیا

۱۳۰۰۰

۴۶

خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)

عباس حسینی جوهری

۴۸۰۰۰

۴۷

در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم)

شیخ عباس قمی / کوه کمره ای

۵۸۰۰۰

۴۸

دلشده در حسرت دیدار دوست

زهرا قزلقاشی

۳۵۰۰

۴۹

رسول ترک (آزادشده امام حسین علیه السلام)

محمد حسن سیف اللهی

۱۲۰۰۰

۵۰

سحاب رحمت

عباس اسماعیلی یزدی

۶۳۰۰۰

۵۱

عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی

سید خلیل حسینی

۲۲۰۰۰

۵۲

منشور نینوا

مجید حیدری فر

۴۸۰۰۰

۵۳

نهج الکرامه

محمد رضا اکبری

۲۰۰۰۰

۵۴

یاران باوفا و شهیدان بی همتا

واحد فرهنگی مسجد جمکران

۳۵۰۰

اهل بیت علیهم السلام

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۵۵

آخرین خورشید پیدا

واحد تحقیقات

۶۵۰۰

۵۶

امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان

سهراب علوی

۸۵۰۰

ص:۱۶۴

۵۷

پرچمدار نینوا

محمد محمدی اشتهاردی

۱۶۰۰۰

۵۸

پیشوایان معصوم (زندگینامه چهارده معصوم)

آیت اللّه سیّد محسن خرازی

۴۵۰۰۰

۵۹

دفاع از حریم امامت و ولایت(مختصر شب های پیشاور)

کریم شنی

۱۰۰۰۰

۶۰

شرح زیارت جامعه کبیره(ترجمه الشموس الطالعه)

محمد حسین نائیجی

۵۸۰۰۰

۶۱

عمه سادات

سیّد ابوالقاسم حمیدی

۶۵۰۰

۶۲

کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)

حسن بیاتانی

۴۵۰۰

۶۳

ماه مدینه

واحد پژوهش

۴۰۰۰

۶۴

ویژگی های حضرت زینب علیها السلام

سید نورالدین جزائری

۲۵۰۰۰

امام مهدی علیه السلام

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۶۵

آخرین پناه

محمود ترحمی

۶۰۰۰

۶۶

آن آشنا آمد

مسلم پور وهاب

۳۰۰۰

۶۷

آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم)

واحد پژوهش انتشارات

۱۵۰۰۰

۶۸

ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام

حسین گنجی

۱۵۰۰۰

۶۹

از غروب عاشورای حسینی تا طلوع ظهور حضرت مهدی علیه السلام

حسین احمدی قمی

۸۵۰۰

۷۰

امامت، غیبت، ظهور

واحد پژوهش انتشارات

۶۵۰۰

۷۱

امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام

علم الهدی / واحد تحقیقات

۵۰۰۰

۷۲

امام مهدی درکلام امام علی علیهما السلام(چهل حدیث)

سید صادق سید نژاد

۲۰۰۰

۷۳

امید آخر

حسن محمودی

۵۰۰۰

۷۴

انتظار از دیدگاه روایات اهل بیت علیهم السلام

سکینه طاووسی

۱۳۰۰۰

۷۵

قسمت سوم

انتظار بهار و باران

واحد تحقیقات

۳۰۰۰

۷۶

انتظار چیست؟ منتظر کیست؟

واحد پژوهش

۴۰۰۰

۷۷

انتظار و انسان معاصر

عزیز اللَّه حیدری

۴۰۰۰

ص:۱۶۵

۷۸

اوصاف المهدی (اسامی و القاب)

احمد سعیدی

۱۵۰۰۰

۷۹

اولین های مهدویت

محمد خامه یار

۴۵۰۰

۸۰

او هرجا که هست مرا دوست دارد

مرتضی محیطی

۳۰۰۰

۸۱

بامداد بشریت

محمد جواد مروّجی طبسی

۱۱۰۰۰

۸۲

پایان انتظار

مسلم پور وهاب

۵۵۰۰

۸۳

پرچم هدایت

محمد رضا اکبری

۱۳۰۰۰

۸۴

تشرف یافتگان (دفتر اوّل)

میرزا حسین طبرسی نوری

۷۵۰۰

۸۵

تشرف یافتگان (دفتر دوم)

میرزا حسین طبرسی نوری

۹۰۰۰

۸۶

تشرف یافتگان (دفتر سوم)

میرزا حسین طبرسی نوری

۷۰۰۰

۸۷

تشرف یافتگان (دفتر چهارم)

میرزا حسین طبرسی نوری

۷۰۰۰

۸۸

تکالیف بندگان نسبت به امام زمان علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

۲۴۰۰۰

۸۹

ترجمه کتاب الغیبه شیخ طوسی

شیخ طوسی/ مجتبی عزیزی

۵۸۰۰۰

۹۰

تمنای وصال

سیّد غلام رضا حسینی

۳۵۰۰

۹۱

جزیره خوشبختی

مسلم پور وهاب

۳۰۰۰

۹۲

جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام

حسین علی پور

۹۵۰۰

۹۳

چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصرعلیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

۶۰۰۰

۹۴

چگونه امام زمان علیه السلام را یاری کنیم؟

سیّد مهدی حائری قزوینی

۶۰۰۰

۹۵

حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت

محمد محمدی اشتهاردی

۲۱۰۰۰

۹۶

خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)

رضا استادی

۱۲۰۰۰

۹۷

خوشه های طلایی (مجموعه اشعار)

محمد علی مجاهدی (پروانه)

۱۶۰۰۰

۹۸

دارالسلام

شیخ محمود عراقی میثمی

۳۵۰۰۰

۹۹

داستان هایی از امام زمان علیه السلام

حسن ارشاد

۲۰۰۰۰

۱۰۰

داغ شقایق (مجموعه اشعار)

علی مهدوی

۸۵۰۰

۱۰۱

در آسمان عشق

مسلم پور وهاب

۳۵۰۰

ص:۱۶۶

۱۰۲

در جستجوی نور

صافی، سبحانی، کورانی

۴۵۰۰

۱۰۳

ذخیره خدا

اسماء خواجه زاده

۲۵۰۰

۱۰۴

ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور

مفید فیاضی

۲۴۰۰۰

۱۰۵

زمان و مکان دعا برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

۹۰۰۰

۱۰۶

سخنرانی مراجع در مسجد جمکران

واحد پژوهش

۴۰۰۰

۱۰۷

سرود سرخ انار

الهه بهشتی

۵۰۰۰

۱۰۸

سقا خود تشنه دیدار

طهورا حیدری

۲۰۰۰

۱۰۹

سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی

دکتر عبد اللهی

۱۵۵۰۰

۱۱۰

سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام

محمّد امینی گلستانی

۹۵۰۰۰

۱۱۱

سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی

محمد علی مجاهدی (پروانه)

۱۸۵۰۰

۱۱۲

شرح چهل حدیث حضرت مهدی علیه السلام

علی اصغر رضوانی

۷۰۰۰

۱۱۳

شناخت حقوق و مراحم حضرت مهدی علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

۵۰۰۰

۱۱۴

صبح فرا می رسد

مؤسسه فرهنگی توحید

۶۰۰۰

قسمت چهارم

۱۱۵

صفای دل

زهرا برقی

۶۵۰۰

۱۱۶

ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه ادیان

سید اسد اللّه هاشمی شهیدی

۳۸۰۰۰

۱۱۷

العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان

علی اکبر نهاوندی

۴۲۰۰۰۰

۱۱۸

عریضه نویسی

سید صادق سید نژاد

۸۰۰۰

۱۱۹

عطر سیب

حامد حجتی

۳۵۰۰

۱۲۰

عطر یاس

مسلم پور وهاب

۷۵۰۰

۱۲۱

علی علیه السلام و پایان تاریخ

سید مجید فلسفیان

۱۱۰۰۰

۱۲۲

فریادرس

حسن محمودی

۵۵۰۰

۱۲۳

فوز اکبر

محمد باقر فقیه ایمانی

۹۰۰۰

۱۲۴

کرامات المهدی علیه السلام

واحد تحقیقات

۵۵۰۰

۱۲۵

کرامت های حضرت مهدی علیه السلام

واحد تحقیقات

۱۰۰۰۰

ص:۱۶۷

۱۲۶

کلمات قصار امام زمان علیه السلام

محمّد تقی اکبر نژاد

۹۰۰۰

۱۲۷

کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد)

شیخ صدوق (ره)

۱۰۰۰۰۰

۱۲۸

گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)

علی اصغر یونسیان

۳۰۰۰۰

۱۲۹

گفتمان مهدویت

آیت اللّه صافی گلپایگانی

۱۵۰۰۰

۱۳۰

گوهرهای ناب در کلام امام زمان علیه السلام

محمّدرحمتی شهرضا/حسین احمدی قمی

۲۸۰۰۰

۱۳۱

مسافر گمشده

مسلم پور وهاب

۲۰۰۰

۱۳۲

مفرد مذکر غائب (نمایشنامه)

علی مؤذنی

۵۰۰۰

۱۳۳

مکیال المکارم (دو جلد)

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

۷۲۰۰۰

۱۳۴

منجی موعود از منظر نهج البلاغه

حسین ایرانی

۴۰۰۰

۱۳۵

مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات

عزیز اللّه حیدری

۱۰۰۰۰

۱۳۶

مهدی منتظرعلیه السلام در اندیشه اسلامی

العمیدی / محبوب القلوب

۱۸۰۰۰

۱۳۷

مهدی موعود در کلام پیامبر محمود

احمد سعیدی

۵۰۰۰

۱۳۸

مهدی موعودعلیه السلام (دو جلد)

علامه مجلسی / ارومیه ای

۱۲۰۰۰۰

۱۳۹

مهربان تر از مادر

حسن محمودی

۵۰۰۰

۱۴۰

مهر بیکران

محمد حسن شاه آبادی

۹۰۰۰

۱۴۱

میثاق منتظران «۱» شرح زیارت آل یاسین سیّد مهدی حائری قزوینی

۸۰۰۰

۱۴۲

میثاق منتظران«۲» شرح زیارت آل یاسین

سیّد مهدی حائری قزوینی

۱۰۰۰۰

۱۴۳

ناپیدا ولی با ما (فارسی) ویژه دانش آموزان

واحد تحقیقات

۳۰۰۰

قسمت پنجم

۱۴۴

نامه های جوانان به امام زمان علیه السلام

محمّد تقی اکبر نژاد

۶۰۰۰

۱۴۵

نامه های دختران به امام زمان علیه السلام

محمّد تقی اکبر نژاد

۶۰۰۰

۱۴۶

نامه های نوجوانان به امام زمان علیه السلام

محمّد تقی اکبر نژاد

۵۰۰۰

۱۴۷

نتیجه دعا برای فرج حضرت مهدی علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

۱۷۰۰۰

۱۴۸

نجم الثاقب (دو جلدی)

میرزا حسین نوری(ره)

۷۵۰۰۰

۱۴۹

نشانه های ظهور او

محمد خادمی شیرازی

۱۶۰۰۰

ص:۱۶۸

۱۵۰

نشانه های یار و چکامه انتظار

مهدی علیزاده

۶۰۰۰

۱۵۱

نشانه هایی از مهدی علیه السلام

احمد سعیدی

۱۰۰۰۰

۱۵۲

نیاز جهان به امام زمان علیه السلام

محمّد مولوی

۵۰۰۰

۱۵۳

و آن که دیرتر آمد

الهه بهشتی

۴۵۰۰

۱۵۴

وظایف منتظران

واحد تحقیقات

۲۵۰۰

۱۵۵

وعده دیدار

محمود ترحّمی

۶۰۰۰

۱۵۶

ویژگی های امام زمان علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

۲۸۰۰۰

۱۵۷

هزار و یک نکته پیرامون امام زمان علیه السلام

محمد رحمتی شهرضا

۴۵۰۰۰

۱۵۸

همراه با مهدی منتظر

مهدی فتلاوی / بیژن کرمی

۹۰۰۰

۱۵۹

یا اباصالح

مسلم پور وهاب

۲۰۰۰

۱۶۰

یاد مهدی علیه السلام

محمد خادمی شیرازی

۲۲۰۰۰

۱۶۱

یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)

حامد حجتی

۳۰۰۰۰

پاسخ به شبهات

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۱۶۲

اسلام شناسی و پاسخ به شبهات

علی اصغر رضوانی

۴۵۰۰۰

۱۶۳

امام شناسی و پاسخ به شبهات (قرآن)

علی اصغر رضوانی

۴۸۰۰۰

۱۶۴

امام شناسی و پاسخ به شبهات (حدیث)

علی اصغر رضوانی

۵۵۰۰۰

۱۶۵

دفاع از تشیع و پاسخ به شبهات

علی اصغر رضوانی

۳۰۰۰۰

۱۶۶

سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات

علی اصغر رضوانی

۵۰۰۰۰

۱۶۷

غدیرشناسی و پاسخ به شبهات

علی اصغر رضوانی

۲۰۰۰۰

۱۶۸

مرجعیت دینی اهل بیت علیهم السلام و پاسخ به شبهات

علی اصغر رضوانی

۴۱۰۰۰

۱۶۹

موعودشناسی و پاسخ به شبهات

علی اصغر رضوانی

۴۷۰۰۰

۱۷۰

نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات

علی اصغر رضوانی

۲۰۰۰۰

ص:۱۶۹

۱۷۱

واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات

علی اصغر رضوانی

۲۲۵۰۰

۱۷۲

اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنّت

علی اصغر رضوانی

۱۱۰۰۰

سلسله مباحث مهدویت

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۱۷۳

اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام

علی اصغر رضوانی

۳۰۰۰

۱۷۴

امامت در سنین کودکی

علی اصغر رضوانی

۳۰۰۰

۱۷۵

امامت و غیبت

علی اصغر رضوانی

۵۰۰۰

۱۷۶

بررسی دعای ندبه

علی اصغر رضوانی

۳۵۰۰

۱۷۷

تولد حضرت مهدی علیه السلام

علی اصغر رضوانی

۷۰۰۰

۱۷۸

حکومت حضرت مهدی علیه السلام

علی اصغر رضوانی

۴۰۰۰

۱۷۹

دفاع از مهدویت

علی اصغر رضوانی

۶۵۰۰

۱۸۰

دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر

علی اصغر رضوانی

۵۰۰۰

۱۸۱

علایم ظهور

علی اصغر رضوانی

۶۰۰۰

قسمت ششم

۱۸۲

غیبت صغری

علی اصغر رضوانی

۵۰۰۰

۱۸۳

غیبت کبری

علی اصغر رضوانی

۷۵۰۰

۱۸۴

فلسفه حکومت عدل جهانی

علی اصغر رضوانی

۳۵۰۰

۱۸۵

قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

علی اصغر رضوانی

۵۰۰۰

۱۸۶

منجی از دیدگاه ادیان

علی اصغر رضوانی

۶۵۰۰

۱۸۷

مهدویت و جهانی سازی

علی اصغر رضوانی

۳۵۰۰

۱۸۸

نظریه پردازی درباره آینده جهان

علی اصغر رضوانی

۷۰۰۰

۱۸۹

وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث

علی اصغر رضوانی

۵۰۰۰

۱۹۰

وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل

علی اصغر رضوانی

۶۰۰۰

۱۹۱

وظایف ما در عصر غیبت

علی اصغر رضوانی

۶۵۰۰

۱۹۲

هنگامه ظهور

علی اصغر رضوانی

۵۰۰۰

سلسله مباحث شناخت وهابیت

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۱۹۳

ابن تیمیه، مؤسس افکار وهابیت

علی اصغر رضوانی

۱۲۰۰۰

۱۹۴

برپایی مراسم جشن و عزا

علی اصغر رضوانی

۷۵۰۰

۱۹۵

توسل از دیدگاه وهابیان

علی اصغر رضوانی

۲۵۰۰

۱۹۶

خدا از دیدگاه وهابیان

علی اصغر رضوانی

۵۰۰۰

۱۹۷

زیارت قبور از دیدگاه وهابیان

علی اصغر رضوانی

۱۱۰۰۰

۱۹۸

شناخت سلفی ها (وهابیان)

علی اصغر رضوانی

۷۵۰۰

۱۹۹

فتنه وهابیت

علی اصغر رضوانی

۳۰۰۰

۲۰۰

مبانی اعتقادی وهابیان

علی اصغر رضوانی

۱۲۰۰۰

۲۰۱

موارد شرک از دیدگاه وهابیان

علی اصغر رضوانی

۷۵۰۰

کودکان

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۲۰۲

آشنایی با چهارده معصوم(۱ و ۲)

سیّد حمید رضا موسوی

۸۰۰۰

۲۰۳

آموزش وضو و نماز (کودکان/مصور)

حسین احمدی قمی

۶۵۰۰

۲۰۴

بهتر از بهار

شمسی وفایی

۴۰۰۰

۲۰۵

مجموعه زندگی چهارده معصوم(حضرت محمدصلی الله علیه وآله)

واحد پژوهش

۷۰۰۰

۲۰۶

مجموعه زندگی چهارده معصوم(امام علی علیه السلام)

واحد پژوهش

۷۰۰۰

۲۰۷

مجموعه زندگی چهارده معصوم(حضرت زهراعلیها السلام)

واحد پژوهش

۷۰۰۰

۲۰۸

مجموعه زندگی چهارده معصوم(امام حسن علیه السلام)

واحد پژوهش

۶۵۰۰

۲۰۹

مجموعه زندگی چهارده معصوم(امام حسین علیه السلام)

واحد پژوهش

۶۵۰۰

ص:۱۷۱

غدیر

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۲۱۰

اتحاد ملی انسجام اسلامی در پرتو آموزه های غدیر

علی اصغر رضوانی

۹۰۰۰

۲۱۱

غدیر در گذر تاریخ

علی تقوی دهکلانی

۶۵۰۰

۲۱۲

غدیر حقیقتی بر گونه تاریخ

رضا فرهادیان

۶۰۰۰

۲۱۳

ندای ولایت در اولین کنگره غدیر

بنیاد بین المللی غدیر

۳۵۰۰

۲۱۴

ندای ولایت در دومین کنگره غدیر

بنیاد بین المللی غدیر

۵۰۰۰

اخلاقی، تربیتی

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۲۱۵

آثار گناه در زندگی و راه جبران

علی اکبر صمدی

۲۰۰۰۰

۲۱۶

اخلاق عملی

آیت اللّه مهدوی کنی

۲۰۰۰۰

قسمت هفتم

۲۱۷

حلیه المتقین

محمد باقر مجلسی

۴۰۰۰۰

۲۱۸

درس هایی از طبیعت

محمّد رضا اکبری

۶۰۰۰

۲۱۹

عبرت های ماندگار

محمد رضا اکبری

۹۰۰۰

۲۲۰

فرهنگ اخلاق

عباس اسماعیلی یزدی

۳۸۰۰۰

۲۲۱

فرهنگ تربیت

عباس اسماعیلی یزدی

۳۰۰۰۰

۲۲۲

فرهنگ صفات

عباس اسماعیلی یزدی

۵۰۰۰۰

۲۲۳

قصه های تربیتی

محمّد رضا اکبری

۹۰۰۰

۲۲۴

مبانی تربیت و شاخصه های مهم دربرنامه ریزی مدارس

رضا فرهادیان

۵۰۰۰

۲۲۵

معلم محبوب شرایط مقبول مدرسه مطلوب

رضا فرهادیان

۴۰۰۰

شرح حال

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۲۲۶

آقا شیخ مرتضای زاهد

محمد حسن سیف اللهی

۱۵۰۰۰

۲۲۷

بدر مشعشع در احوال موسی مبرقع

محدث نوری

۴۰۰۰

۲۲۸

تولدی نو (نقد مسیحیت)

علی الشیخ/سید مسلم مدنی

۱۴۰۰۰

۲۲۹

روزنه هایی از عالم غیب

آیت اللّٰه سید محسن خرّازی

۲۵۰۰۰

۲۳۰

سیاحت غرب

آقانجفی قوچانی

۱۰۰۰۰

کتاب های دیگر

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۲۳۱

اسرار مناسک حجّ

محمّد تقی اکبر نژاد

۱۲۰۰۰

۲۳۲

دین و آزادی

محمّد حسین فهیم نیا

۲۲۰۰۰

۲۳۳

رجعت یا حیات دوباره

احمد علی طاهری ورسی

۱۵۰۰۰

۲۳۴

عالم ذر

محمّد رضا اکبری

۱۵۰۰۰

۲۳۵

فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها

علیرضا صدری

۳۰۰۰۰

۲۳۶

مدینه فاضله درپرتو امر به معروف ونهی از منکر

علی اصغر رضوانی

۵۰۰۰

۲۳۷

منازل الآخره (زندگی پس از مرگ)

شیخ عباس قمی(ره)

۱۵۰۰۰

پوسترهای نمایشگاهی

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۲۳۸

مجموعه نمایشگاهی صبح امید

انتشارات

۱۵۰۰۰۰

۲۳۹

مجموعه نمایشگاهی صبح امید

انتشارات

۷۵۰۰۰

۲۴۰

مجموعه نمایشگاهی اشک خون

انتشارات

۱۵۰۰۰۰

۲۴۱

مجموعه نمایشگاهی اشک خون

انتشارات

۷۵۰۰۰

کتاب های به زبان دیگر

ردیف

نام کتاب

نویسنده / مترجم

قیمت

۲۴۲

امامت اور غیبت (اردو)

علی اصغر رضوانی

۲۵۰۰۰

۲۴۳

امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام(روسی)

آلمات آبسالیکوف

۵۰۰۰

۲۴۴

تاریخچه مسجد مقدس جمکران (اردو)

واحد تحقیقات

۲۰۰۰

ص:۱۷۳

۲۴۵

تاریخچه مسجد مقدس جمکران(انگلیسی)

واحد تحقیقات

۲۰۰۰

قسمت هشتم

۲۴۶

تاریخچه مسجد مقدس جمکران (عربی)

واحد تحقیقات

۲۰۰۰

۲۴۷

در انتظار منجی (روسی)

آلمات آبسالیکوف

۵۰۰۰

۲۴۸

شمس وراء السحاب (عربی) رمان

جمال محمّد صالح

۱۲۰۰۰

۲۴۹

عقد الدرر (عربی)

المقدّس الشافعی/نظری منفرد

۳۲۰۰۰

۲۵۰

غدیرخم (آذری لاتین)

علی اصغر رضوانی

۳۵۰۰

۲۵۱

غدیرخم (روسی)

علی اصغر رضوانی

۳۵۰۰

۲۵۲

موسوعه توقیعات الامام المهدی علیه السلام(عربی)

محمّد تقی اکبر نژاد

۳۰۰۰۰

۲۵۳

مهدی منتظرعلیه السلام (ترکی استانبولی)

جوادخراسانی/محمودآعاجار

۳۰۰۰۰

۲۵۴

منتخب الادعیه و الزیارات (عربی)

حسین احمدی قمی

۴۰۰۰

۲۵۵

ناپیدا ولی با ما(صبح امید) (اردو)

واحد تحقیقات

۸۰۰۰

۲۵۶

ناپیدا ولی با ما (انگلیسی)

واحد تحقیقات

۴۰۰۰

۲۵۷

ناپیدا ولی با ما (بنگالا)

واحد پژوهش انتشارات

۲۰۰۰

۲۵۸

ناپیدا ولی با ما (ترکی استانبولی)

واحد پژوهش انتشارات

۲۵۰۰

۲۵۹

ناپیدا ولی با ما (عربی)

واحد تحقیقات

۳۰۰۰

۲۶۰

واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات(تاجیک)

علی اصغررضوانی/قاسم اف

۲۰۰۰۰

۲۶۱

ینابیع الحکمه (عربی / پنج جلد)

عباس اسماعیلی یزدی

۲۰۰۰۰۰

کتاب های این انتشارات بدون هزینه پستی به آدرس شما ارسال می گردد.

قم – مسجد مقدس جمکران: صندوق پستی: ۶۱۷ تلفن: ۷۲۵۳۷۰۰ نمابر: ۷۲۵۳۳۴۰ – ۰۲۵۱

شماره حساب: بانک ملت، قم شعبه جمکران، کد ۵/۸۷۸۵، جاری ۳/۵۰۰

بانک رفاه کارگران، قم شعبه آذر، کد ۸۲۲، جاری ۳۰۰۹۳۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹